اصفهان زیبا

#من_ماسک_میزنم

سال هفدهم، شماره ۴۰۹۶
سه‌شنبه ۲ شهریور ۱۴۰۰
۱۵ محرم ۱۴۴۳
۸+۸ صفحه ✻ ۲۰۰۰ تومان

Vol.17 | No.4096
Tuesday
24 Aug 2021

گزینه‌های نهایی

سخن‌گوی شورای اسلامی شهر در گفت‌وگو با اصفهان زیبا: مردم به صورت زنده از برنامه‌های دو کاندیدای شهرداری اصفهان مطلع می‌شوند

محمدعلی احمدی یا علی قاسم‌زاده
کدام یک شهردار اصفهان خواهند شد؟
✻ مروری بر سوابق دو گزینه نهایی شهرداری اصفهان

۰۵

راهنمای سیاحان «جی‌پی‌اس» گردشگران!

برج‌های رادکان خراسان و سیستان، برج میل گنبد و مناره‌های ساربان و دارالضیافه اصفهان چگونه راهنما می‌شدند؟

۰۶

موج طالبان در سپه اصفهان

دلال‌های دلار از تعطیلی معاملات هرات به شوق آمده‌اند

سعید غفاری | تصرف افغانستان توسط طالبان، هیجان‌های بازار ارز اصفهان را بالا برد تا در فاصله کوتاهی دلار به نزدیکی کانال ۲۸ هزار تومان برسد. دلال‌های خیابان سپه و بازار بزرگ ذوق‌زده از آمدن طالبان از تعطیلی معاملات هرات و دلار ۴۰ هزارتومانی تا انتهای سال گفتند. آن‌ها طی سال جاری به بهانه‌های مختلف بارها وعده دلار ۴۰ هزارتومانی تا پایان سال جاری را دادند؛ ولی ...

۰۳

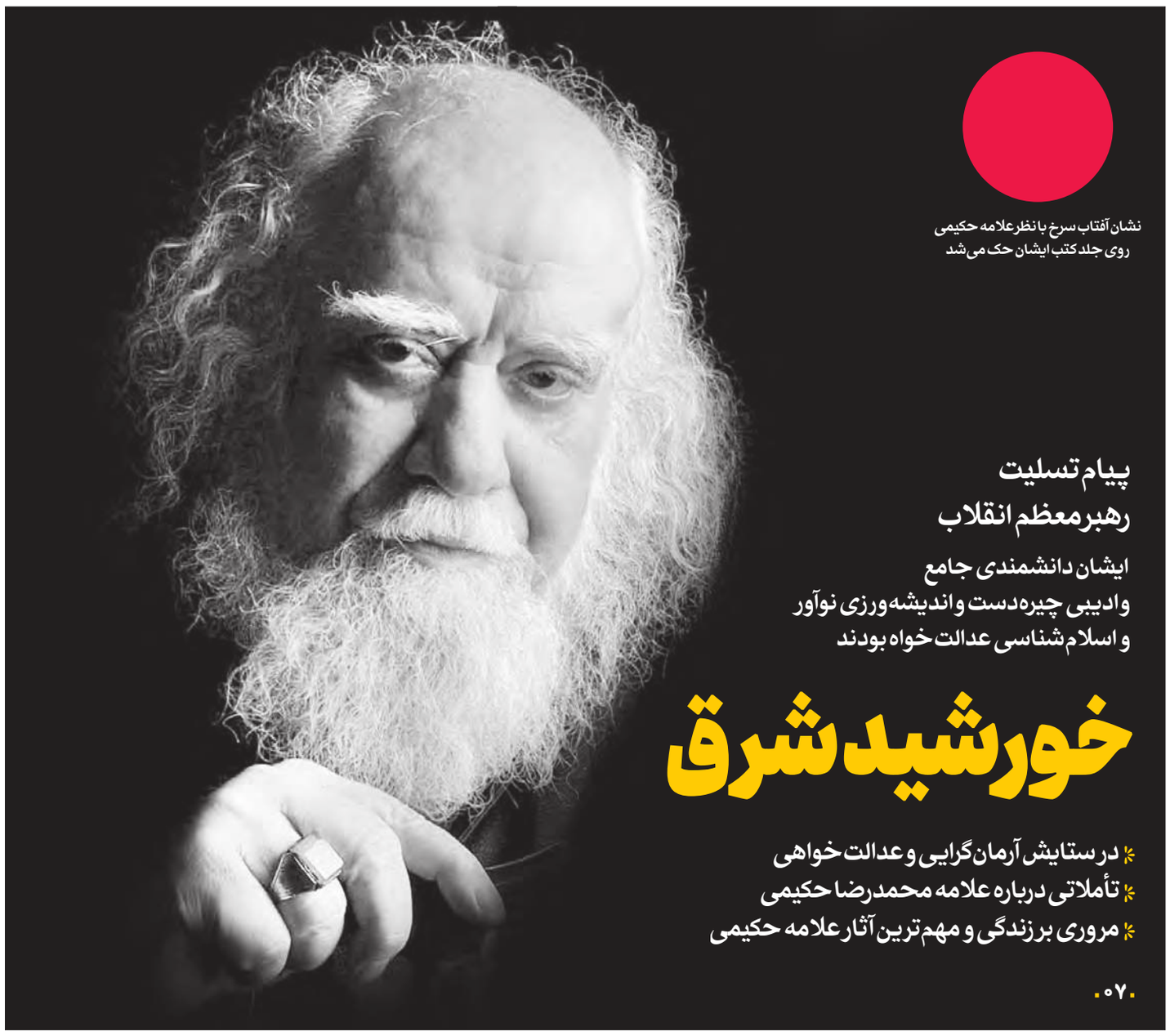

نشان آفتاب سرخ با نظر علامه حکیمی روی جلد کتب ایشان حک می‌شد

پیام تسلیت
رهبر معظم انقلاب

ایشان دانشمندی جامع
و ادیبی چیره‌دست و اندیشه‌ورزی نوآور
و اسلام‌شناسی عدالت‌خواه بودند

خورشید شرق

✻ در ستایش آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهی
✻ تأملاتی درباره علامه محمدرضا حکیمی
✻ مروری بر زندگی و مهم‌ترین آثار علامه حکیمی

۰۷

پاراالمپیکی‌ها

پرونده ویژه اصفهان زیبا درباره پاراالمپیک توکیو ۲۰۲۰

ضمیمه

پا به پای اصفهان

پرونده ویژه اصفهان زیبا درباره حشمت‌الله انتخابی

ضمیمه

انا لله و انا الیه راجعون

جناب آقای ناظری

ریاست محترم بانک شهر شعبه جهان نما
مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال آرزوی صبر و سلامتی برای شما و بازماندگان آن عزیز از دست رفته خواستاریم.

شرکت پیام اصفهان زیبا

آگهی مزایده فروش دو قطعه زمین
شرکت سبزصفه تمیز (سهامی خاص)

شرکت سبزصفه تمیز به استناد مصوبه مورخ بیست و چهارم مرداد ماه هیئت مدیره در نظر دارد دو قطعه زمین با کاربری تجاری به مشخصات ذیل را از طریق مزایده واگذار نماید:
"دو قطعه زمین با کاربری تجاری از تفکیکی شهرک الهیه واقع در خیابان جی شرقی، خیابان ارغوانیه، کوی حجت، شهرک الهیه به پلاک ثبتی ۱۵۳۱۶/۵۶۷ قطعه شماره ۳۴ به متراژ ۶۸/۲۵ مترمربع و قطعه شماره ۳۵ به متراژ ۶۸/۲۵ مترمربع"
متقاضیان می توانند برای دریافت اسناد مزایده از روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۰۳ تا پایان ساعت اداری چهارشنبه ۱۴۰۰/۰۶/۱۰، به دفتر شرکت مراجعه کنند.
آدرس: میدان امام حسین، ساختمان ارگ جهان-نما، فاز۴، طبقه ۵، واحد ۵۱۰
تلفن: ۳۲۱۲۱۰۰۷-۰۳۱
آدرس سایت: www.sabzesofeh.com

آگهی مزایده (نوبت اول)

سازمان نوسازی و بهسازی شهر اصفهان در نظر دارد املاک ذیل را از طریق مزایده به فروش برساند:

دو قطعه زمین واقع در بزرگراه شهید دستجردی، جنب ترمینال صفه، مجتمع زیتون به شماره های موقت ۳ به (مساحت ۲۳ مترمربع) و ۱۶ به (مساحت ۳۳٫۵ مترمربع). لذا متقاضیان می توانند تا تاریخ ۱۴۰۰/۰۶/۲۳ جهت دریافت اسناد مزایده به امور قراردادهای سازمان مراجعه و پس از تکمیل اسناد مزایده را به واحد حراست واقع در خیابان ابن سینا، مقابل بانک ملی، کوچه کدخدایی، بن بست دوم تحویل نمایند.
تلفن تماس: ۴-۳۴۴۸۴۸۹۲-۰۳۱

سازمان نوسازی و بهسازی شهر اصفهان

آگهی مزایده حضوری (حراج)

سازمان مدیریت و نظارت بر تاکسیرانی شهرداری اصفهان در نظر دارد نسبت به فروش یکدستگاه خودروی تاکسی رنو تندر ۹۰ از طریق مزایده حضوری (حراج) حضوری اقدام نماید.

مشخصات خودرو	مبلغ کارشناسی به ریال	ضمانتنامه شرکت در حراج به ریال
تاکسی رنو تندر ۹۰ به شماره پلاک ۲۹۸ ت ۱۲ ایران ۱۳ کارکرد ۲۵۸۲۴۴ کیلومتر اعتبار بیمه نامه شخص ثالث تا تاریخ ۱۴۰۱/۰۱/۲۳	۶۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۳۵,۰۰۰,۰۰۰

مهلت دریافت اسناد مزایده حضوری (حراج) و بازدید خودرو: تا پایان ساعت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۱۴
زمان برگزاری جلسه مزایده حضوری (حراج): ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۱۵
آدرس دریافت اسناد و بازدید خودرو: اصفهان بزرگراه شهید آقابابایی - پل تمدن - ابتدای خیابان شهید خزائی - جنب جایگاه CNG سازمان مدیریت و نظارت بر تاکسیرانی شهرداری اصفهان.
✻ شرکت در مزایده حضوری (حراج) به منزله قبول تمام شروط و مقررات می باشد.
✻ سازمان در رد یک یا تمام پیشنهادها مختار است در این صورت سپرده ها مسترد خواهد شد.
✻ سایر شرایط و نحوه واگذاری و مشخصات کاملا در اسناد مزایده حضوری (حراج) اعلام گردیده که پیشنهاد دهندگان باید یک نسخه از آن را دریافت و با قید قبولی کلیه شرایط مزایده حضوری (حراج) را امضا کرده و در جلسه تحویل نماینده سازمان نمایند.

سازمان مدیریت و نظارت بر تاکسیرانی شهرداری اصفهان

آگهی استعلام

منطقه ۸ شهرداری اصفهان در نظر دارد پروژه های ذیل را تعیین پیمانکار نماید:

نام پروژه	مبلغ برآورد اولیه تقریبی (ریال)	فهرست بها (سال)	مدت اجرای عملیات (ماه)	سپرده شرکت در استعلام (ریال)
خاکبرداری گود زمین پروژه آذرکیش	۲,۹۵۰,۰۰۰,۰۰۰ نقدی	ابنیه ۱۴۰۰	۲ ماه	۱۳,۵۵۰,۰۰۰

تذکرات:
۱- پیمانکاران ملزم به ارائه اسناد و مدارک شرکت/پیمانکاری، و سوابق کاری و گواهینامه صلاحیت انجام کار خود قبل از تهیه اسناد می باشند.
۲- واجدین شرایط می توانند از یکشنبه مورخ ۱۴۰۰/۵/۳۱ تا پایان وقت اداری شنبه ۱۴۰۰/۶/۰۶ به شهرداری منطقه هشت واقع در خیابان جابرانصاری مراجعه و با ارائه معرفی نامه کتبی شرکت/پیمانکاری، آگهی آخرین تغییرات شرکت و سایر مدارک نسبت به خرید اسناد اقدام نماید. لازم به ذکر است کلیه اسناد استعلام می بایست توسط شرکت کننده تأیید، مهر و امضاء شده و طبق شرایط استعلام، ضمیمه پیشنهاد خود نمایند.
۳- آخرین مهلت ارسال پیشنهاد تا پایان روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۰/۶/۰۷ ساعت ۱۳:۰۰ می باشد. بدیهی است دریافت پاکت‌ها بعد از ساعت مقرر امکان پذیر نمی باشد.
۴- منطقه ۸ شهرداري در رد یا قبول هریک از پیشنهادات مختار است.
۵- حضور نماینده تام الاختیار و مطلع به آنالیز قیمت پیشنهادی و با در دست داشتن معرفی نامه کتبی پیمانکار در روز بازگشایی پاکت‌ها در محل الزامی است.
۶- برنده استعلام جهت عقد قرارداد باید معادل ۵٪ مبلغ مورد پیمان را به عنوان تضمین تعهدات پیمان به صورت ضمانتنامه بانکی و یا واریز وجه نقد به حساب منطقه ۸ شهرداری تسلیم نماید. این ضمانتنامه طبق ماده ۳۴ شرایط عمومی پیمان آزاد می گردد.
۷- برندگان اول و دوم استعلام هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب ضبط خواهد شد.
*تذکر: مدت ضمانتنامه شرکت در استعلام، از تاریخ صدور ضمانتنامه نباید کمتر از سه ماه باشد.

منطقه ۸ شهرداری اصفهان

مشکلات اشتراک و توزیع را با ما در میان بگذارید

اگر روزنامه منظم برای شما ارسال نمی شود
اگر روزنامه به موقع به دست شما نمی رسد
اگر روزنامه کامل و سالم به شما تحویل داده نمی شود
اگر...
فقط کافیست عدد ۱ را به سامانه ۳۰۰۰۴۸۳۰۸۸ ارسال کنید

نیم‌نگاه

اصفهان که ازنظر جغرافیایی در مرکز کشور واقع است، جنگ جهانی دوم را چگونه درک کرد؟ این شهر در زمان حمله سوم شهریور ۱۳۲۰ در چه حالی بود؟ مردم چه می‌کردند و چه تجربه‌ای از جنگ جهانی اول پیدا کردند؟

وقایع اصفهان در شهریور ۱۳۲۰

مطبوعات اصفهان در ایام جنگ جهانی دوم چگونه روایت‌های ایران و جهان را پوشش دادند؟

عبدالمهدی رجائی
نویسنده و تاریخ‌پژوه

اصفهان که ازنظر جغرافیایی در مرکز کشور واقع است، جنگ جهانی دوم را چگونه درک کرد؟ این شهر در زمان حمله سوم شهریور ۱۳۲۰ در چه حالی بود؟ مردم چه می‌کردند و چه تجربه‌ای از جنگ جهانی اول پیدا کردند؟ ما در این نوشتار می‌کوشیم تا از نگاه مطبوعات آن روزگار کاوش کنیم شهر اصفهان در سپیده‌دم سوم شهریور ۱۳۲۰ چگونه با جنگ جهانی دوم مواجه شد.

در شهریور ۱۳۲۰ اصفهان مانند بیشتر شهرهای کشور آرام بود. دو سال بود که جنگ جهانی دوم شروع‌شده و اخبار آن را مردم از رادیو دنبال می‌کردند. روزنامه‌های داخل شهر هم از طریق خبرگزاری «پارس» اخباری را منعکس می‌کردند. چیزی نبود که موجب نگرانی باشد. آلمان آهسته‌آهسته به قفقاز نزدیک می‌شد و اگر روزی به چاه‌های نفت قفقاز می‌رسید، جنگ را به احتمال زیاد برده بود؛ آرزویی که بیشتر مردم شهر در سر می‌پروراندند. اواخر مرداد سال ۱۳۲۰ بود که مردم شهر در اخبار خبرگزاری پارس شنیدند نامه‌هایی میان وزرای مختار دولت انگلیس و شوروی به ایران داده‌شده و ایران هم پاسخ داده است و آن‌ها در حال بررسی پاسخ ایران می‌باشند (اخگر، ش ۱۶۷۴، ۴ شهریور ۱۳۲۰). این نامه‌نگاری‌ها برای مردم شهر عادی می‌نمود. اما تیتر روزنامه اطلاعات در روز دوشنبه سوم شهریور ۱۳۲۰ غیرعادی بود: «جلسه فوق‌العاده مجلس شورای ملی» در متن این خبر می‌خوانیم: «گزارش آقای نخست‌وزیر راجع‌به یادداشت‌های دولت انگلیس و شوروی به دولت شاهنشاهی و تجاوز نیروهای مسلح آن دو دولت» (اطلاعات، ش ۳۶۳۴، سوم شهریور ۱۳۲۰) نخست‌وزیر وقت تعدادی از نمایندگان را از نامه‌نگاری‌ها مطلع و اعلام کرد: «مطابق گزارش‌های رسیده معلوم شد نیروی نظامی آن‌ها در تاریخ همان ساعت که نمایندگان مزبور در منزل نخست‌وزیر مشغول مذاکره بودند، از مرزهای ایران تجاوز نموده و نیروی هوایی شوروی در آذربایجان به بمباران شهرهای بازو بی‌دفاع پرداخته و قوای زیاد از جلفا به سمت تبریز اعزام داشته‌اند. در خوزستان قوای انگلیس به بندر شاهپور و خرمشهر حمله برده، کشتی‌های ما را غافلگیر نموده، صدمه زده‌اند و نیروی هوایی آن دولت به اهواز بمب ریخته، همچنین قوای انگلیس با وسایل موتوریزه فوق‌العاده زیاد از طرف قصرشیرین به سمت کرمانشاه در حرکت می‌باشند» (اطلاعات، ش ۳۶۳۴، سوم شهریور ۱۳۲۰). قرار شد در این جلسه نمایندگان فقط شنونده باشند و منتظر گزارش مذاکرات این دو دولت بنشینند.

یک تشییع جنازه شلوغ

در اصفهان، روز سوم اسفند روزنامه‌ها هیچ خبری از تجاوز چاپ نکردند. یک دلیل آن بود که فرصت درج این‌گونه خبرها را نداشتند. داخل شهر هم به جز گرانی ناشی از جنگ و کمبودهایی که شهرداری اصفهان تلاش داشت با اقداماتی آن را کنترل کند خبر خاصی نبود. پررنگ‌ترین خبر آن روزها فوت سرهنگ عیسی علاج، پزشک و رئیس بهداری لشکر ۱۳ اصفهان بود که در توصیف مراسم تشییع جنازه او آمده است: «جنازه را شب گذشته در مسجد دروازه دولت امانت گذارده و امروز صبح ساعت هشت و نیم، عده زیادی از افسران لشکر اصفهان با حضور جناب آقای فرماندار و تیمسار فرمانده لشکر و سران اداره‌های دولتی و معاونین آن‌ها و کارمندان عالی‌رتبه ادارات و گروه انبوهی از محترمین شهر متدرجا در مسجد نامبرده حضور یافته و پس از انجام تشریفات لازم، جنازه را با اتومبیلی که با گل و ریحان و طاقه شال‌های قیمتی تزیین‌شده بود نقل نمودند. به‌پاس احترام شادروان قبلا یک گروهان پیاده در مسجد صف بسته... عده تشییع‌کنندگان به‌قدری زیاد بود که هر سه خیابان سواره‌رو و پیاده‌رو چهارباغ را تا طول زیادی جمعیت احاطه نموده و گریه می‌کردند. هنگامی که جنازه در مقابل منزل آن مرحوم که در برابر پل سی‌وسه چشمه واقع بود، رسید، اتومبیل را نگاه داشته، خانواده شادروان در اتومبیل قرار گرفتند و جناب آقای فرماندار و تیمسار فرماندهی لشکر و رئیسان اداره‌ها و جمع زیادی از محترمین در اتومبیل‌ها قرار گرفته و از اینجا جنازه را سواره تا تخت فولاد مشایعت نمودند» (اخگر، ش ۱۶۷۴، ۴ شهریور ۱۳۲۰). این اخبار مربوط به سه‌شنبه ۴ شهریور بود. در همان روز اعلام شد که مراسم فاتحه‌خوانی سرهنگ علاج در روز چهارشنبه در مسجدشاه از طرف لشکر ۱۳ اصفهان برگزار می‌شود. این حادثه مهم و پرسروصدا درست روز چهارم شهریور ۱۳۲۰ در اصفهان اتفاق افتاد. شاید بدین خاطر بود که در فضای عمومی شهر خبری از حمله نبود. شهر چنان مشغول تدفین و تشییع این پزشک بود که متوجه نشد شب قبل از آن کشور مورد حمله متفقین قرار گرفته است.

دو خبر اجتماعی

دو خبر کم‌اهمیت‌تر دیگر نیز شهر را به تألم واداشت که یکی از آن‌ها خبر خودکشی یک دختر ۱۷ساله بود: «روز ۳۱ مرداد، ایران، ۱۷ ساله، دختر امام‌قلی، بدون سابقه روانی، مبادرت به خوردن تریاک نموده و پس از آن که کسانش از وقوع این قضیه آگاهی می‌یابند، مشارالیها را به بیمارستان مرسلین می‌برند» (اخگر، ش ۱۶۷۴، ۴ شهریور ۱۳۲۰). اما این اقدامات بی‌نتیجه بود و این دختر فوت کرد. دو سه روز قبل‌تر از خودکشی دختر جوان، حادثه دیگری شهر را تحت تأثیر خود قرار داده بود: «روز ۲۹ مرداد گذشته در ساعت یک عصر، موقعی که محمد شوفر، کامیون باری را که راننده آن بوده، از گاراژ فولادی خارج می‌کند، ناگهان عباس بابلی را زیر می‌گیرد و چون سر او زیر چرخ ماشین رفته، و متلاشی می‌شود، بلافاصله جان می‌سپارد» (اخگر، ش ۱۶۷۴، ۴ شهریور ۱۳۲۰) شهر داشت با این سه خبر مهم خودش را وفق می‌داد که ناگهان در تاریخ پنجشنبه ۶ شهریور تیتر روزنامه اخگر دو مطلب مهم را منعکس کرد.

اعلامیه شماره یک ستاد ارتش

مردم شهر که از رادیو چیزهایی شنیده بودند در روزنامه ششم شهریور اطلاعیه شماره ۱ ستاد ارتش را مطالعه کردند که ماجرای حمله را به‌صورت رسمی بیان کرد: «ساعت ۴ روز ۳ شهریور ماه، ارتش شوروی در شمال و ارتش انگلیس در باختر و جنوب باختری مرزهای کشور را مورد تجاوز و تعرض قرارداده‌اند. شهرهای تبریز، اردبیل، رضاییه، خوی، اهر، رشت، اهواز و بندر پهلوی مورد بمباران هوایی واقع، تلفات وارده نسبت به مردم غیر نظامی زیاد و نسبت به نظامیان با وجودی که سربازخانه‌ها را بمباران می‌کنند مع‌ذلک تلفات نسبتا کم بوده است.» و فقط حمله هوایی نبوده است. اطلاعیه ارتش از پیشروی نیروهای دو سو به داخل خاک ایران حکایت می‌کرد: «نیروهای موتوریزه و مکانیزه شوروی در محور جلفا، مرند... و نیروی موتوریزه و مکانیزه ارتش انگلیس در محور خانقین، قصرشیرین، آبادان و بندرشاهپور به تعرض پرداخته‌اند.» ادامه اطلاعیه می‌گوید که نیروهای شوروی دریای خزر را پیموده و به خاک ایران وارد شده‌اند و همچنین نیروهای انگلیس هم خلیج فارس را پیموده در بندر شاهپور و خرمشهر پیاده شده‌اند. در همین اطلاعیه معلوم می‌شود که ارتش ایران باآنکه غافلگیر شده است، در نقاط مختلف به دفاع مشغول شده و روحیه اهالی مناطق مذکور نیز خوب بوده و عموما تقاضای دخول در صفوف ارتش را دارند (روزنامه اخگر، ش ۱۶۷۵، ۶ شهریور ۱۳۲۰). گفتنی است این اطلاعیه در روز چهارم شهریور در روزنامه اطلاعات تهران درج شد.

تغییر دولت و تغییر شاه

اما یک خبر دیگر در همان ششم شهریور ۱۳۲۰ در سمت راست صفحه اول روزنامه اخگر درج شد. این خبر به اندازه خبر بالا مهم بود: خبر حکایت از تغییر دولت داشت. چنان‌که می‌دانیم با حمله متفقین، رضاشاه بلافاصله نخست‌وزیری را به محمدعلی فروغی داد: «تشکیل کابینه جدید: تلگراف زیر امروز ساعت ۴ بعدازظهر از مرکز تلگراف به اداره اخگر رسیده که برای اطلاع همگان درج و منتشر می‌شود: بعدازظهر ۵ شهریور هیئت‌دولت به حضور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی شرفیاب و استعفای خود را تقدیم نمودند. استعفای دولت مورد قبول پیشگاه همایونی واقع گردید. سپس آقای فروغی را احضار و امر به تشکیل هیئت دولت جدید فرمودند» (روزنامه اخگر، ش ۱۶۷۵، ۶ شهریور ۱۳۲۰). در ادامه همین خبر می‌خوانیم که فروغی در مقام نخست‌وزیر در مجلس این نطق را بیان کرده است؛ نطقی که نشان از تسلیم ایران و ترک مخاصمه دارد: «دولت و ملت ایران صمیمانه طرفدار صلح و مسالمت بوده و است و برای این‌که این نیت تزلزل‌ناپذیر کاملا بر جهانیان مکشوف گردد، در این موقع که از جانب دو دولت شوروی و انگلستان اقدام به عملیاتی شده که ممکن است موجب اخلال صلح و سلامت گردد، دولت به پیروی نیات صلح‌خواهانه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی، به قوای نظامی کشور اکنون دستور می‌دهد از هرگونه عملیات مقاومتی خودداری نمایند» (روزنامه اخگر، ش ۱۶۷۵، ۶ شهریور ۱۳۲۰). تنها تحلیل محلی و داخلی که در روزنامه اخگر (به تاریخ ششم شهریور ۱۳۲۰) به چاپ رسید از شخصی بود به نام منصور منصوری که او در مقاله‌ای تحت عنوان «موقعیت ایران» اوضاع ایران را در آن شرایط تشریح کرد و البته نوید داد که این روزگار هم خواهد گذشت: «می‌گویند ایران میهن عزیز ما، چهارراه دنیای متمدن قدیم بوده است. هم به‌واسطه راه‌های مختلفی که آسیا را به اروپا متصل می‌ساخته و هم به علت دست داشتن به خلیج و به دریای آزاد... این تهاجمات خواه به‌عنوان تصرف این سرزمین و خواه به علت عبور و گذر برای هجوم به کشورهای دیگر به‌کرات اتفاق افتاده، ولی به‌طوری که تاریخ نشان می‌دهد، ایران همواره در مقابل این تهاجمات ایستادگی کرده» (اخگر، ش ۱۶۷۵، ۶ شهریور ۱۳۲۰). نویسنده حمله متفقین را بی‌دلیل دانسته و مردم را به صبر دعوت کرده است: «در این چند سال کشور ما هیچ‌گاه مرکز فعالیت‌های سیاسی به نفع و یا به ضرر کشورهای بیگانه نبوده و همواره سیاست کشور راه بی‌طرفی کامل را پیموده است. راست است در این چند سال عده‌ای از کارشناسان و متخصصین اتباع بیگانه برای اداره امور فنی و صنعتی در ایران استخدام شده‌اند ولی همه جهان می‌دانند که هر موقع یک نفر ایرانی شایستگی برای اداره یکی از آن امور را نشان می‌داد، فورا به جای کارشناس بیگانه گماشته می‌شد... همان‌طور که در رادیو تهران نیز گفته شد، در این موقع لازم است ایرانیان متانت و آرامش را حفظ کنند» (اخگر، ش ۱۶۷۵، ۶ شهریور ۱۳۲۰).

روزنامه بعدی اخگر در تاریخ ۱۰ شهریور ۱۳۲۰ منتشر شد. در آنجا در صفحه اول «نطق نخست‌وزیر در مجلس» درج شده است. نطقی که در ۹ شهریور بیان شده بود. نخست‌وزیر از وحشت مردم تهران پرده برداشت: «البته مردم آسوده باشند و خاطرشان پریشان نباشد. کجا فرار می‌کنند؟ چرا فرار می‌کنند؟ بنده اطمینان می‌دهم که شهر تهران در امان است و هیچ خطری نیست. البته آقایان هم باید میان مردم این مسئله را منتشر کنند» (اخگر، ش ۱۶۷۶، ۱۰ شهریور ۱۳۲۰).

بخشی از مردم فراری تهران به اصفهان هجوم آوردند. این امر یکی دیگر از علل گران‌شدن کالاها و ارزاق در اصفهان بود. با رسیدن اخبار حمله متفقین و پرواز چند هواپیما در آسمان تهران، جمعی از مردم این شهر وحشت کرده و به جنوب سرازیر شدند. یک شاهد عینی به نام محمدعلی کاروان‌پور پس از وقوع حوادث شهریور ۲۰ در اصفهان می‌گوید: «در دو طرف خیابان ردیف به ردیف ماشین‌های سواری ایستاده بود که اغلب آن‌ها پر از زن و بچه و پیر و جوان بود. زن و مرد جلوی دکان‌های خوراک‌فروشی صف بسته و هر چه دندان‌گیر بود، حتی ارزن، پنبه‌دانه، جو، گندم، نخود و لوبیا را می‌خریدند و توی ماشین‌ها می‌گذاشتند.» گویا ترس و اضطراب به مردم اصفهان هم منتقل شده بود. آن‌ها صدای بمباران و هواپیماهای دشمن را نشنیده بودند و البته ترس از تصرف شهر به‌وسیله روس‌ها، مانند مردم تهران را نداشتند؛ اما این سروصداها آن‌ها را هم پریشان کرده بود به حدی که ستاد ارتش اصفهان در روزنامه اطلاعیه‌ای با عنوان «اعلامیه ستاد لشکر ۱۳ اصفهان» منتشر کرد. در این اعلامیه آمده است: «برای روشن‌نمودن ذهن مردم از اراجیف شایعه در شهر به عموم اهالی اعلام می‌شود که اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در تهران تشریف داشته و اوامر ستاد ارتش کمافی‌السابق به‌وسیله تیمسار سرلشکر ضرغامی روزانه مرتبا به ستاد لشکر ۱۳ اصفهان واصل و نظم و آرامش کامل در تهران حکم‌فرماست فرمانده لشکر اصفهان سرهنگ شعری» (اخگر، ش ۱۶۷۶، ۱۰ شهریور ۱۳۲۰). چنان‌که از این اطلاعیه برمی‌آید گویا شایع شده بوده که شاه از تهران گریخته و تهران تحت تصرف روس‌ها درآمده بود.

حمله به سازمان‌های مسئول

حوزه کار شهرداری در آن روزگار بسیار بیشتر از امروز بود. این نهاد مردم‌نهاد درواقع به‌نوعی مدیر شهر محسوب می‌شد. مسائلی مانند گرانی ارزاق و تنظیم قیمت‌ها هم با شهرداری بود. بنابراین بیجا نبود اگر یک ماه پس از وقایع شهریور ۲۰ و نیز کنار رفتن رضاشاه از قدرت (که در ۲۵ شهریور اتفاق افتاد) زبان انتقاد به شهرداری در روزنامه‌ها گشوده شود. روزنامه «باختر» که همان زمان در اصفهان و توسط «حسین فاطمی» منتشر می‌شد، در انتقاد از شهرداری اصفهان نوشت: «چهار سال است اصفهان در حقیقت فاقد یک شهرداری توانا و قانونی است و چون انتخاب نمایندگان شهرداری نیز به آزادی انجام نمی‌یافته است، مردم از کارهای شهرداری خبر نداشته و از مداخله مستقیمی که قانون اساسی به آن‌ها حق داده، امروز حتی یک نفر را نمی‌توانید در اصفهان پیدا کنید که از این اداره و طرز کار آن راضی باشد و هنگام صحبت زبان به شکوه و شکایت باز نکند. چندین سال است راجع به آسفالت خیابان‌ها و انجام کار برق شهر و تأمین خواربار و بهبودی وضع نان و تهیه وسایلی که دایره رفت‌وروب بتواند تمام نقاط شهر را از آخر جلفا تا طوقچی مشمول برنامه نظافتی خود قرار دهد و هزار چیز دیگر صحبت در میان هست ولی کوچک‌ترین اثر و نتیجه در بین نیست» (باختر، ش ۵۷۶، تاریخ ۱۰ مهر ۱۳۲۰).

این‌ها انتقادهای کلی به کم‌کاری شهرداری و نحوه ارتباط آن با مخاطبان است؛ اما موضوع فوری ترکه شهر اصفهان را به‌شدت تحت تأثیر خود قرار داده بود، کمبود نان در شهر بود: «کمتر نان خوب و مرغوب و با قیمت مناسب به مردم داده‌شده و درنتیجه لاقیدی و سستی و ضعف یا مسائل دیگر مخصوصا اشکال‌تراشی‌ها و منفعت‌طلبی‌های مأمورین غله، چندین بار اهالی این شهرستان گرفتار بی‌نانی و بدنانی شده و به‌طوری که همه اطلاع داریم عده زیادی از مردم بیچاره این شهرستان به مناسبت خوردن مخلوط مخصوصی به نام نان، مرده و از اعماق مدفن‌های خود مسببین آن وضعیت اسفناک را لعنت می‌فرستند. نان در اصفهان، نانی که بشود خورد، تقریبا هر شش کیلو بیست ریال گیر نمی‌آید و اگر تدابیر مؤثر و دقیق آقای فرماندار اصفهان نبود، تاکنون به این صورت هم باقی نمانده بود. هیچ یک از قسمت‌های خواربار امروز در اصفهان بهای معین ندارد و باید پرسید اگر در شهرداری نرخی معین شده است، چرا اول خود آن‌ها این نرخ را لغو کرده و به هر کس مراجعه کند می‌گویند که در تهران هم نرخ شهرداری رعایت نمی‌شود؟» (باختر، ش ۵۷۶، تاریخ ۱۰ مهر ۱۳۲۰)

در کنار نبود گندم، شکر نیز به‌شدت در بازار کم شده بود. به حدی که اندک شکری را که وارد شهر می‌شد، مسئولان تصمیم گرفتند به‌صورت پولکی درآورند تا به همه برسد؛ اما این سیاست نیز نتوانست از انبوه مشتاقان بکاهد. «گویا مقداری از شکرهای موجود را پس از مشاهده زیاد داده‌اند، آب‌نبات "پولکی" درست کنند تا بین مردم تقسیم شود. این تصمیم اجراشده ولی تازه زحمت زیادتری برای مراجعه‌کنندگان فراهم گردیده و روزی نیست که چند هزار نفر زن و مرد از صبح تا شام دنبال گرفتن چند سیر پولکی نباشند» (باختر، ش ۵۷۶، تاریخ ۱۰ مهر ۱۳۲۰).

گرانی ادامه دارد

یک ماه بعد معلوم شد قیمت گوشت و گندم به دلایل اجتماعی صعود کرده‌اند. ناامنی راه‌ها مانع از آن شده بود که گله‌های گوسفند به سمت شهر روانه شوند. «با اینکه هفته گذشته از طرف اداره شهرداری نرخ گوشت تعیین و به‌وسیله آگهی دیواری و در جراید به اطلاع همگان رسید، با این حال گوشت‌فروش‌ها از نرخ مقرره شهرداری تجاوز کرده و گوشتی را که شهرداری مقرر کرده است از قرار چارک دو ریال و ۴۰ دینار بفروشند، چارک چهار تا چهار ریال و پنجاه دینار می‌فروشند. البته احتمال می‌رود که به‌واسطه ناامن بودن برخی از راه‌ها، گوسفند کمتر وارد شهر شود» (اخگر، ش ۱۶۹۶، ۱۵ آبان ۱۳۲۰).

تا آبان ۱۳۲۰ ارتش‌های انگلیس و آمریکا به اطراف شهر اصفهان رسیده و در محل‌هایی اردوگاه زده بودند. مقر ارتش انگلیس در خیابان انوشیروان بود

مهمانان ناخوانده و سفره کوچک مردم

تا آبان ۱۳۲۰ ارتش‌های انگلیس و آمریکا به اطراف شهر اصفهان رسیده و در محل‌هایی اردوگاه زده بودند. مقر ارتش انگلیس در خیابان انوشیروان بود. تغذیه این نیروها بیشتر به قحطی دامن می‌زد. «بعضی معتقدند که گندم اصفهان به خارج اصفهان و برای مصارف و مقاصد خاصی حمل می‌شود و همین معنی مردم شهر را قدری نگران و نسبت به وخامت امر آینده نان شهر اندیشناک ساخته است و شاید به همین جهت باشد که برخی از مالکین هم که دارای جنس فراوان هستند، موجودی خود را به امیدواری‌هایی احتکار کرده و از فروش آن دریغ می‌دارند» (اخگر، ش ۱۶۹۶، ۱۵ آبان ۱۳۲۰).

یک ماه بعد معلوم شد شایعات بر گرانی اجناس دامن زده است. بر همین اساس قیمت‌ها در مدت کوتاهی دو برابر شد. «در ظرف چند روز اخیر نرخ خواربار تقریبا بالغ بر دو برابر ترقی کرده و بهای نخود، لوبیا، عدس، ماش، برنج، گندم و آرد بعضی به دو برابر و برخی دیگر به یک برابر و نیم بالغ گردیده است. به هر طرف که رو آور می‌شوید جز این صحبتی نمی‌شنوید که نرخ خواربار دو و چند برابر گردیده و علت آن را هم خریدن و بردن به خارج اصفهان می‌دانند. می‌گویند گندم‌های سیلو را تندتند می‌برند. می‌گویند برنج‌های لنجان را هنوز درست به بازار نیامده، به بهای بسیار خوب خریداری و حمل می‌کنند. می‌گویند کامیون‌های فراوان می‌آید شبانه و بلکه روزانه هرچه بقولات و حبوبات است به بهای خوب خریده و خارج می‌سازند» (اخگر، ش ۱۷۰۲، ۲ آذر ۱۳۲۰). به خوبی آشکار است ترس و ملاحظه‌کاری روزنامه مانع از آن شده است که صراحتا اعلام کند کسانی که گندم شهر را «می‌برند» نظامیان خارجی اشغالگر هستند.

تحلیل کلی از اوضاع

چهار سال بعد از شهریور ۲۰ روزنامه محلی «سرنوشت» یک نگاه کلی به کشور انداخت و این تحلیل را ارائه داد: «از همان روز که رضاخان پهلوی ایران را ترک گفت و زمام امور مملکت به دست رجال حکومت ملی افتاد، یک نوع ناامنی و هرج‌ومرج، دزدی و غارتگری، لاابالی‌گری، بلاتکلیفی، نادرستی و حقه‌بازی و بالاخره مجموعه‌ای از صفات رذیله که وجود هرکدام به‌تنهایی برای انهدام بنیان استقلال و موجودیت یک کشور کافی است، سرتاسر این کشور را فراگرفت. نمایندگان مجلس که نخستین رکن مشروطیت و حکومت ملی را تشکیل می‌دهد، چنان به زدوبندهای خصوصی مشغول‌اند که گویا در محیطی خارج از این مملکت و دور از غوغای اوضاع زندگی می‌کنند. هیئت‌دولت نیز که رکن دوم مشروطه و در حقیقت قوه محرکه و حافظ حقوق و انتظامات جامعه به شمار می‌رود، معلوم است که با این وضع بحرانی و تزلزل‌آمیز چگونه کار می‌کند و چطور می‌تواند دست به اقدامات و اصلاحاتی بزند؟ از این دو قوه که بگذریم سومین رکن مشروطیت قوه قضائیه است که متأسفانه به‌واسطه اعمال نفوذهای زمامداران و فشارهای نامشروعی که پیوسته بر قضات و دادگاه‌ها وارد می‌شود به‌کلی استقلال حقیقی خود را از دست داده» (سرنوشت، ش ۸۲، ۲۸ فروردین ۱۳۲۴).

مؤخره

در مطلب بالا از نگاه مطبوعات آن دوران سعی کردیم نشان دهیم مردم اصفهان چگونه با جنگ جهانی دوم مواجه شدند. آن‌ها صبح روزی که به دنبال تشییع جنازه پزشک ارتش بودند، شاید در همان مراسم، دهان به دهان شنیدند که جنگ بزرگ به ایران هم کشیده شده است. شهرهای شمالی و جنوبی بمباران شده‌اند و نیروهای دو طرف از سه سو به کشور هجوم آورده‌اند. تخاصم زیاد طول نکشید و این نیروها سلاح‌ها را غلاف کردند و رژه‌کنان به داخل شهرهای کشور ورود یافتند. اما حضور آن‌ها با گرانی و تورم شدید همراه شد. این چنین بود که رنج و درد مردم شهر هم دامنه‌ای گسترده پیدا کرد.

در اصفهان، روز سوم اسفند روزنامه‌ها هیچ خبری از تجاوز چاپ نکردند. یک دلیل آن بود که فرصت درج این‌گونه خبرها را نداشتند. داخل شهر هم به‌جز گرانی ناشی از جنگ و کمبودهایی که شهرداری اصفهان تلاش داشت با اقداماتی آن را کنترل کند، خبر خاصی نبود. پررنگ‌ترین خبر آن روزها فوت سرهنگ عیسی علاج، پزشک و رئیس بهداری لشکر ۱۳ اصفهان بود

موج طالبان در سپه اصفهان

دلال‌های دلار از تعطیلی معاملات هرات به شوق آمده‌اند

سعید غفاری
خبرنگار

تصرف افغانستان توسط طالبان، هیجان‌های بازار ارز اصفهان را بالا برد تا در فاصله کوتاهی دلار به نزدیکی کانال ۲۸ هزار تومان برسد. دلال‌های خیابان سپه و بازار بزرگ ذوق‌زده از آمدن طالبان از تعطیلی معاملات هرات و دلار ۴۰ هزارتومانی تا انتهای سال گفتند. آن‌ها طی سال جاری به بهانه‌های مختلف بارها وعده دلار ۴۰ هزارتومانی تا پایان سال جاری را دادند؛ ولی این بار مدعی شدند با آمدن طالبان دیگر از افغانستان ارزی وارد ایران نخواهد شد تا حرکت دلار به سمت ۴۰ هزار تومان با سرعت بالاتری همراه شود.

معاملات دلار در هرات افغانستان برای فعالان بازار ارز اهمیت زیادی دارد؛ ضمن اینکه سال‌هاست واسطه‌ها با روش‌های مختلف از هرات افغانستان دلار وارد کشور می‌کنند؛ ولی آیا معاملات هرات متوقف خواهد شد؟ اگرچه دلال‌ها تلاش می‌کنند با انتشار اخبار افغانستان، دلار را صعودی نشان ندهند، ولی نباید فراموش کرد که در این روزها به دلیل موضع جدید فدرال رزرو قیمت دلار در بازارهای جهانی نیز نوسانی بود. این نوسان‌ها بورس‌های بزرگ جهان و بازار فلزات را نیز تکان داد.

*** طالبان در خیابان سپه اصفهان**

خبر آمدن طالبان قبل از شهرهای افغانستان به خیابان سپه رسید تا دلال‌های ارزی ابتدا از فروش خودداری کنند و سپس قیمت‌ها را بالا بکشند. دلار از اواسط اردیبهشت ماه با حمایت در محدوده ۲۰ هزار و ۷۰۰ تومان یک روند صعودی جدید را آغاز کرد و تیرماه به بالاتر از ۲۵ هزار و ۴۰۰ تومان نیز رسید؛ ولی بازار کم تقاضای ارز آرام گرفت تا اینکه از اول مردادماه بازی عوض شد. مرداد با دلار ۲۴ هزار و ۷۰۰ تومانی آغاز شد؛ ولی دهم مرداد دلار به ۲۵ هزار و ۵۰۰ تومان رسید و یک هفته بعد تا ۲۶ هزار و ۴۰۰ تومان بالا رفت. روز اول هفته گذشته دلار با قیمت ۲۶ هزار و ۳۰۰ تومان معاملات خود را آغاز کرد و با خبر تصرف افغانستان توسط طالبان تا پیش از تعطیلات به بالاتر از ۲۷ هزار تومان رسید.

منابع غیر رسمی در تعطیلات کرونایی پایان مردادماه از معامله دلار به قیمت ۲۸ هزار تومان و بالاتر خبر دادند؛ ولی بررسی‌ها نشان می‌دهد در تمام این روزها دلار به قیمت کمتر از ۲۸ هزار تومان فروشنده داشت. فعالان بازار ارز اصفهان مدعی‌اند ابتدای هفته با اخبار افغانستان فقط در یک روز دلار جهشی بالاتر از هزار تومان داشت؛ ولی مشاهده‌های میدانی نشان می‌دهد در اوج هیجان‌ها نیز تقاضای چندانی در بازار وجود نداشت.

*** آیا معاملات هرات تعطیل شده است؟**

برخلاف ادعای واسطه‌ها، گفت‌وگو با فعالان بازار نشان می‌دهد معاملات هرات تعطیل نشده است. یکی از فعالان بازار هرات روز سه‌شنبه در کانال تلگرام خود نوشت: «ما سرکار هستیم و فعلا مشکلی نداریم؛ ولی نمی‌دانیم اتفاقی می‌افتد یا نه؟ تا الان کسی با ما کاری نداشته است.» در روزهای تعطیل و تا پایان روز شنبه نیز فعالان بازار هرات سفارش‌ها را به‌صورت کامل انجام دادند؛ در نتیجه ادعای واسطه‌ها برای تعطیلی معاملات هرات دست‌کم تا پایان تعطیلات صحت ندارد.

*** دلار جهانی نوسانی شد**

واسطه‌ها در روزهای تعطیل نیز بیکار ننشستند و با تبلیغ در شبکه‌های اجتماعی تلاش کردند تا تحولات افغانستان را با وضعیت بازار ارز اصفهان گره بزنند؛ درمقابل، بررسی‌ها نشان می‌دهد جلسات فدرال رزرو و احتمال افزایش نرخ بهره آمریکا در آینده نزدیک یکی دیگر از متغیرهای مهم بازار ارز بود. در این تعطیلات رئیس فدرال رزرو گفت که با پشت‌سرگذاشتن بحران کرونا شاید به زودی نرخ بهره افزایش پیدا کند و با اعلام این خبر نه تنها ارزش دلار آمریکا نوسانی شد، نرخ برابری یورو به دلار به سرعت از ۱,۱۹۱۲۰ به ۱,۱۶۹۹۰ رسید، فلزات جهانی، به‌خصوص مس، ریزش کرد، بیت‌کوین برای چند ساعت قرمزپوش شد و بورس آمریکا یک روز ریزشی را پشت سر گذاشت. دلال‌ها مدعی‌اند این اتفاق اجازه رشد بیشتر قیمت دلار در بازارهای داخلی را نداد. حالا باید منتظر ماند و دید در اولین روزهای هفته میلادی، بازارهای جهانی چه واکنشی به اخبار دارند.

در روزهای تعطیل و تا پایان روز شنبه نیز فعالان بازار هرات سفارش‌ها را به‌صورت کامل انجام دادند؛ در نتیجه ادعای واسطه‌ها برای تعطیلی معاملات هرات دست‌کم تا پایان تعطیلات صحت ندارد

*** دلار چه خواهد شد؟**

آیا دلار به اعداد موردنظر واسطه‌ها می‌رسد؟ نمودار قیمت دلار نشان می‌دهد هدف ۳۰ هزار تومان دور از دسترس نیست؛ ولی احتمال اصلاح قیمتی این ارز پس از هدف ۳۰ هزار تومان تا پایین‌تر از ۲۲ هزار تومان وجود دارد؛ ضمن اینکه در طول سال‌های گذشته، همیشه معرفی اعضای کابینه دولت به مجلس و وعده‌ها برای کنترل نرخ ارز، بازار دلار را اصلاحی می‌کند؛ درنتیجه احتمال رشد قیمت‌ها در کوتاه‌مدت زیاد نیست، ولی مسائلی مانند تحولات منطقه، گفت‌وگوهای وین، کرونا، کسری بودجه و امثال آن‌ها در تعیین نرخ ارز تا پایان سال مؤثر خواهد بود.

ورود بخش خصوصی به بازار قیمت واکسن را برای ایران گران‌تر کرد

رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و چین با انتقاد از بخش خصوصی گفت: زمانی که سفارت ایران در حال خرید واکسن بود، هر دز ۱۶ دلار بود؛ اما هنگامی که تجار ایران به بازار وارد شدند، قیمت هر دز به ۲۰ دلار رسید. به گزارش فارس، رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و چین قیمت واکسن سینوفارم برای ایران را فاش کرد و از بخش خصوصی برای ورود به حوزه واردات واکسن کووید ۱۹ انتقاد کرد. مجیدرضا حریری در مصاحبه‌ای با خبرگزاری ترند اظهار کرد: به دلیل تحریم‌های آمریکا و حضور سرمایه‌گذاران آمریکایی در شرکت دارویی تولیدکننده واکسن سینوفارم، شرکت‌های سینوفارم برای اعلام جزئیات فروش واکسن به ایران با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستند. او خاطرنشان کرد: تاکنون کمترین قیمت واکسن سینوفارم به ازای هردز ۱۰ دلار بوده است؛ اما مقداری از این واکسن‌ها به عنوان هدیه برای ایران ارسال شده است.»

او ادامه داد: چین ۸۵۰ هزار دز واکسن سینوفارم را به صورت رایگان به ایران هدیه داده است و در حال حاضر چین تخفیف‌های فراوانی به ایران ارائه می‌دهد. پیش‌بینی شده بود که ۴۰ میلیون دز واکسن توسط چین به ایران عرضه شود.

او افزود: وقتی سفیر کشوری از تعامل سیاسی برای مذاکره استفاده می‌کند، قیمت پایین‌تر است. حریری در ادامه از بخش خصوصی انتقاد کرد و گفت: اگر واردکنندگان بخش خصوصی ۲۵ سنت بیشتر دریافت کنند، سود آن‌ها ۱,۵ میلیون دلار خواهد بود که رقم چشمگیری است. وزارت بهداشت می‌خواست از این سوءاستفاده‌ها جلوگیری کند. او خاطرنشان کرد: واکسن در کشورهایی مانند آمریکا رایگان است و وظیفه دولت تأمین آن است.

معاملات قراردادهای اختیار معامله دو شرکت در بورس آغاز شد

دوره معاملاتی قراردادهای اختیار معامله خریدوفروش روی سهام شرکت‌های معدنی و صنعتی چادرملو و سرمایه‌گذاری غدیر آغاز شد. مدیریت ابزارهای نوین مالی شرکت بورس تهران اعلام کرد: دوره معاملاتی قراردادهای اختیار معامله خریدوفروش روی سهام شرکت معدنی و صنعتی چادرملو (کچاد) برای سررسید مهرماه ۱۴۰۰ و دوره معاملاتی قراردادهای اختیار معامله خریدوفروش روی سهام شرکت سرمایه‌گذاری غدیر (وغدیر) در سررسید آبان‌ماه ۱۴۰۰ از روز دوشنبه در بازار مشتقه بورس اوراق بهادار تهران آغاز شد. معاملات مربوط به این قراردادها تنها به صورت برخط بوده و صرفا از طریق کارگزارانی که مجوز معاملات برخط در این بازار را دارا باشند، قابل انجام است؛ همچنین با توجه به راه‌اندازی سامانه مدیریت ریسک و امکان محاسبات وجوه تضمین بر اساس «ضوابط وجه تضمین قرارداد اختیار معامله در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران»، اتخاذ موقعیت باز فروش در قراردادهای اختیار معامله، به شرط کفایت وجوه تضمین، برای تمامی فعالان بازار سرمایه امکان‌پذیر است. شایان ذکر است، «اوراق اختیار فروش تبعی» درواقع همان طرح بیمه سهام است که توسط شرکت‌ها به فروش می‌رسند. بر اساس آن، فروشنده که همان شرکت منتشرکننده است، متعهد می‌شود تعداد معینی از سهام شرکت را به قیمت مشخصی که اصطلاحا به آن «قیمت اعمال» می‌گویند در تاریخ معین یا همان «تاریخ اعمال» از سهام‌دار خریداری کند. شرکت‌های منتشرکننده اوراق تبعی قبل از فروش این اوراق ملزم به انتشار اطلاعیه عرضه جهت اعلام عمومی ویژگی‌های آن هستند؛ ضمن اینکه توصیه می‌شود سهام‌داران قبل از اقدام به خرید اوراق تبعی هر نماد، اطلاعیه عرضه آن اوراق را مطالعه کنند.

اقدامات فولادمبارکه برای کنترل کرونا مطابق با استانداردهای جهانی است

مدیر بهداشت حرفه‌ای، ایمنی و محیط زیست شرکت فولادمبارکه گفت: نقش اجتماعی و مخاطره‌آمیز پزشکی کشور در ۱۸ ماه گذشته به علت پاندمی کرونا، بیش از پیش برجسته و ثابت شد که شغل پزشکی به نوعی یک مسئولیت الهی و انسانی است. حسین مدرسی فر با اشاره به روز پزشک اظهار کرد: شرکت فولاد مبارکه به عنوان سازمانی متعالی، قدردان زحمات جامعه پزشکان و فعالان حوزه سلامت است؛ به طوری که همه‌ساله و به خصوص امسال از خدمات این قشر خدوم که به‌صورت شبانه‌روزی و در راستای کنترل کرونا اهتمام ورزیدند، توسط مدیرعامل شرکت فولادمبارکه تقدیر می‌شود. او با بیان اینکه واحد مدیریت بهداشت حرفه‌ای، ایمنی و محیط زیست شرکت فولاد مبارکه متشکل از سه مجموعه ایمنی، بهداشت حرفه‌ای و آتش‌نشانی است، افزود: این مجموعه شامل بخش‌های درمان، اورژانس، طب کار و درنهایت مجموعه محیط زیست و بهداشت محیط است. مدیر بهداشت حرفه‌ای، ایمنی و محیط زیست شرکت فولاد مبارکه گفت: این واحد از ۱۰ سال گذشته تاکنون در قالب دو برنامه پنج‌ساله به دستاوردهای ویژه‌ای دست پیدا کرده است. این دو برنامه امسال به پایان می‌رسد و نتایج چشمگیری درزمینه شاخص‌های حوادث و به‌روزشدن تجهیزات ایمنی داشته و می‌توان به نوسازی سیستم اطفای حریق و اطفای حریق اتوماتیک در بخش آتش‌نشانی اشاره کرد. او با اشاره به تدوین برنامه پنج‌ساله واحد مدیریت بهداشت حرفه‌ای، ایمنی و محیط زیست شرکت فولاد مبارکه از سال آینده خاطرنشان کرد: در بخش ایمنی برنامه پنج‌ساله دوم این واحد، بالغ بر ۱۶۰ برنامه عملیاتی شده که می‌توان به مواردی همچون انجام مطالعات Hazop Study در فرایند احیای مستقیم، واحد اکسیژن، پلنت هیدروژن و واحد باکس آنیلینگ اشاره کرد.

انجام مطالعات Bow Tie هم از دیگر دستاوردهای برنامه پنج‌ساله دوم واحد مدیریت بهداشت حرفه‌ای، ایمنی و محیط زیست شرکت فولاد مبارکه در واحد تولید فولاد مذاب و کوره‌های قوس الکتریکی است. مدرسی فر با اشاره به گواهینامه ISO ۴۵۰۰۵ (راهنمای کار ایمن در دوران پاندمی کووید ۱۹ در کشور) که برای نخستین بار توسط شرکت فولادمبارکه دریافت شده است، اذعان داشت: شرکت فولادمبارکه با گذراندن ممیزی‌های لازم توسط شرکت SGS کشور سوئیس، توانست برای نخستین بار این گواهینامه ISO ۴۵۰۰۵ را دریافت کند. اهمیت این گواهینامه در این است که شرکت فولاد مبارکه در یک اقدام منسجم و سنجیده توانسته بر پاندمی کووید ۱۹ فائق شود. این موضوع ثابت کرد که تلاش‌های شرکت فولادمبارکه برای کنترل و مهار اپیدمی کووید ۱۹ مطابق با استانداردهای جهانی است. مدیر بهداشت حرفه‌ای، ایمنی و محیط زیست شرکت فولادمبارکه با اشاره به اقدامات شرکت فولادمبارکه در کنترل و مهار کرونا عنوان داشت: طی ۱۸ ماه گذشته به‌رغم وجود کرونا، خط تولید این شرکت مختل نشد و با رکوردهای متعدد به تحقق شعار «جهش تولید» و «تولید، پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها» نائل شدیم که کارکنان بخش بهداشت حرفه‌ای، ایمنی و محیط زیست شرکت فولاد مبارکه اعم از پزشکان، کارشناسان بهداشت، ایمنی، بهداشت محیط و محیط زیست نقش ویژه‌ای در این دستاوردها داشته‌اند. او اضافه کرد: با شیوع ویروس کرونا، کمیته مقابله با این ویروس در شرکت فولادمبارکه تشکیل شد تا مراقبت‌های موردنیاز برای کنترل آن صورت گیرد و با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی و حفظ فاصله‌گذاری اجتماعی درصدد ارتقای سلامت کارکنان باشد؛ از سوی دیگر، با تأکید بر برگزاری جلسات به صورت مجازی و دورکاری از ایجاد تراکم در محیط کار ممانعت به عمل آید. مدرسی فر با اشاره به جانمایی سیستم‌های ضدعفونی در تمامی بخش‌های شرکت فولاد مبارکه یادآور شد: طی ۱۸ ماه اخیر، واحدهای HSE، خدمات عمومی، مدیریت شهری و حفاظت فیزیکی شرکت فولاد مبارکه در راستای مهار ویروس کرونا به صورت شبانه‌روزی فعالیت داشته‌اند.

اقتصاد روز

فروش سفته و برات ۷۵ درصد بیشتر شد

طبق اعلام بانک مرکزی، در سه ماهه اول سال جاری بالغ بر ۲۵ میلیارد و ۱۹۰ میلیون تومان سفته و برات در شهر تهران فروخته شد که در مقایسه با دوره مشابه سال قبل ۷۵,۶ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

به گزارش ایسنا، در خردادماه سال جاری حدود ۱۱ میلیارد و ۴۱۰ میلیون تومان سفته و برات در شهر تهران فروخته شد که در مقایسه با ماه قبل و ماه مشابه سال قبل به ترتیب ۲۳,۹ درصد و ۸۳,۹ درصد افزایش یافت؛ همچنین در سومین ماه سال جاری معادل ۸۰۰ برگ سفته و برات به مبلغی معادل ۱۴ میلیارد و ۳۲۰ میلیون تومان در شهر تهران برگشت خورد. در این ماه شاخص‌های تعداد و مبلغ سفته و برات واخواست شده به ترتیب به اعداد ۹۹,۴ و ۷۷,۶ رسید که در مقایسه با ماه قبل از لحاظ تعداد ۱۲۸,۵ درصد افزایش و از لحاظ مبلغ ۶,۷ درصد کاهش داشت و نسبت به ماه مشابه سال قبل شاخص تعداد ۴۷,۳ درصد افزایش و شاخص مبلغ ۵,۵ درصد کاهش نشان می‌دهد. شاخص متوسط مبلغ یک برگ سفته و برات واخواست‌شده در خردادماه ۱۴۰۰ به عدد ۷۸,۱ رسید که عدد شاخص مذکور در خردادماه سال گذشته معادل ۱۲۱,۷ بوده است. علاوه بر این، در سه ماه اول سال جاری معادل ۱۶۰۰ برگ سفته و برات به مبلغی بیش از ۴۱ میلیارد تومان در شهر تهران برگشت خورد. در این دوره متوسط شاخص‌های تعداد و مبلغ سفته و برات واخواست شده به ترتیب به اعداد ۶۵ و ۷۴,۵ رسید که نسبت به دوره مشابه سال قبل از لحاظ تعداد ۱,۴ درصد کاهش و از لحاظ مبلغ ۵,۷ درصد افزایش نشان می‌دهد.

خاموشی‌ها همچنان ادامه دارد

سخن‌گوی صنعت برق گفت: در حال حاضر میزان نیاز مصرف کشور از میزان تولید نیروگاه‌های کشور بیشتر شده است؛ لذا همچنان نیازمند همکاری مشترکان در بخش‌های صنایع و کشاورزی هستیم. مصطفی رجبی مشهدی در صفحه اینستاگرام خود نوشت: تا اطلاع ثانوی همچنان جداول خاموشی احتمالی جهت برنامه‌ریزی مشترکان صادر و به اطلاع هموطنان می‌رسد تا امورشان را تنظیم کنند.

او تأکید کرد: با روند پیش رو از نیمه دوم شهریور ماه شرایط تاحدودی پایدارتر شده و از محدودیت‌ها در بخش صنعت و سایر بخش‌ها کاسته خواهد شد. به گفته سخن‌گوی صنعت برق در تعطیلات شش روزه شاهد رفع محدودیت‌ها در بخش صنعت بودیم و در روزهای پیش رو هم صنایع می‌توانند تا اطلاع ثانوی در شیفت شبانه بدون محدودیت به فعالیتشان ادامه دهند؛ همچنین فعالیت در شیفت روزانه هم متناسب با شرایطی است که حداقل آن تأمین نیاز مصرف برق صنایع فولادی که برای تولید اکسیژن اقدام می‌کنند، باشد. رجبی مشهدی با بیان اینکه میزان مصرف برق در بازه زمانی ۱۲ تا ۱۸ بعدازظهر افزایشی خواهد بود و پیش‌بینی می‌شود این مقدار به بیش از ۱۰۰۰ مگاوات برسد، گفت: از مشترکان درخواست می‌شود با تنظیم دمای وسایل سرمایشی روی عدد حداقل ۲۵ درجه همکاری لازم را انجام داده تا در تأمین برق شاهد مشکلی نباشیم.

اعلام جزئیات اینماد بدون ستاره برای کسب‌وکارهای خرد

طبق اعلام مرکز توسعه تجارت الکترونیکی، فرایند اینماد بدون ستاره برای کسب‌وکارهای خرد و نوپا راه‌اندازی شده است. به گزارش مرکز توسعه تجارت الکترونیکی، پیرو درخواست‌های مکرر بخش خصوصی جهت در نظر گرفتن تسهیلات ویژه برای کسب‌وکارهای مجازی خرد و نوپا و با توجه به تدابیر مشترک به منظور اجرای بهینه الزام اینماد برای پرداختیارها، ضمن اعلام راه‌اندازی فرایند اینماد بدون ستاره برای کسب‌وکارهای مذکور در قالب مدل جعبه شنی (سندباکس)، جزئیات آن به شرح زیر اطلاع رسانی می‌شود:

۱. به منظور تسهیل حداکثری برای کسب‌وکارهای خرد متقاضی اینماد، فرایند ساده شده نماد اعتماد الکترونیکی در قالب «اینماد بدون ستاره» صرفا با احراز هویت و دامنه، طراحی و پیاده‌سازی شده است.

۲. منظور از کسب‌وکار خرد، کسب‌وکاری است که تعداد تراکنش‌های آن در ماه کمتر از ۵۰ عدد و مجموع مبلغ تراکنش‌های آن در ماه کمتر از ۵۰ میلیون تومان باشد.

۳. در صورتی که تعداد یا مجموع مبلغ تراکنش‌های شخص صاحب امتیاز کسب‌وکار خرد طی یک ماه، از محدودیت‌های تعیین‌شده بیشتر شود، این کسب‌وکارها موظف‌اند ظرف ۱۰ روز به طی مراحل کامل اعطای اینماد و تبدیل اینماد بدون ستاره به اینماد ستاره‌دار اقدام کنند.

۴. تعرفه اینماد بدون ستاره فقط مبلغ ۵۰ هزار تومان سالانه (کمتر از یک‌سوم تعرفه اینماد ستاره‌دار) است.

۵. پس از دریافت اینماد و با توجه به الزام کد رهگیری مالیاتی برای دریافت درگاه پرداخت، دریافت کد رهگیری مالیاتی بدون نیاز به مراجعه یا ورود اطلاعات جدید، به صورت برخط قابل انجام خواهد بود.

۶. با انتخاب متقاضی، امکان ارسال اطلاعات از جمله کد رهگیری مالیاتی و انتقال به صفحه ویژه هر یک از شرکت‌های پرداختیار که قبلا زیرساخت‌های لازم را ایجاد و به پنجره واحد تجارت الکترونیکی متصل شده‌اند، وجود خواهد داشت.

تلفن‌های ثابت باوجود گسترش استفاده از موبایل‌های هوشمند هنوز در بسیاری از خانه‌ها جایگاه خود را حفظ کرده‌اند. از طرفی تلفن ثابت در دفاتر و ادارات ابزار بسیار مهمی محسوب می‌شود. در حال حاضر تلفن ثابت با مدل سیم‌دار، بی‌سیم و تحت شبکه در بازار عرضه می‌شود که مدل باسیم با قیمت پایین‌تری در مقایسه با مدل‌های دیگر به فروش می‌رسد.

نیم نگاه

پای ثابت تلفن ثابت در بازار

باوجود رونق بازار موبایل، تلفن ثابت همچنان بازار پررونقی دارد

سعیده غفاری
خبرنگار

تلفن‌های ثابت باوجود گسترش استفاده از موبایل‌های هوشمند هنوز در بسیاری از خانه‌ها جایگاه خود را حفظ کرده‌اند. از طرفی، تلفن ثابت در دفاتر و ادارات ابزار بسیار مهمی محسوب می‌شود. در حال حاضر تلفن ثابت با مدل سیم‌دار، بی‌سیم و تحت شبکه در بازار عرضه می‌شود که مدل باسیم با قیمت پایین‌تری در مقایسه با مدل‌های دیگر به فروش می‌رسد. تلفن ثابت بی‌سیم نیز پرفروش‌ترین نوع در بازار اصفهان است؛ ولی تلفن‌های تحت شبکه تنها برای مصارف اداری کاربرد دارند. در این میان تلفن‌های گران با سبک کلاسیک و سلطنتی در بازار عرضه می‌شوند که بیشتر جنبه تزیینی دارند.

نزدیک به ۱۵۰ سال از اختراع تلفن توسط الکساندر گراهام بل می‌گذرد و باوجود ارتباطات موبایل و اینترنت، مدل‌های متنوعی از تلفن ثابت در بازار عرضه می‌شود؛ به طوری که خریداران هنگام انتخاب دچار سردرگمی می‌شوند. خرید یک تلفن ثابت در شرایط فعلی باتوجه به سلیقه خریداران بین ۱۶۰ هزار تا ۲۰ میلیون تومان هزینه دارد.

تلفن باسیم

تلفن‌های باسیم یا رومیزی ارزان‌ترین مدل‌های تلفن در بازار اصفهان هستند. قیمت آن‌ها از زیر ۱۵۰ هزار تومان شروع می‌شود و بهای برندهای معروف تر به بالاتر از ۵۰۰ هزار تومان می‌رسد. براساس مشاهدات میدانی از بازار تلفن ثابت در اصفهان، تلفن‌های باسیم فانتزی با طرح‌هایی مانند قلب، خورشید، نوشابه و... بدون نمایشگر کمتر از ۱۰۰ هزار تومان و تلفن‌های رومیزی با نمایشگر بیش از ۱۵۰ هزار تومان قیمت دارند.

تلفن‌های باسیم خارجی در بازار نصف جهان تنوع زیادی ندارند و در بین آن‌ها بیشتر برندهای پاناسونیک، تیپ تل، گیگاست و... با قیمت ۳۰۰ هزار تا یک میلیون تومان عرضه می‌شوند.

تلفن بی‌سیم

تلفن‌های بی‌سیم فروش بالایی در بازار اصفهان دارند. این دستگاه‌ها به صورت بی‌سیم یک پایه، یک پایه همراه با سنتر ثابت و چند گوشی بی‌سیم طراحی شده‌اند. نسل جدید تلفن‌های بی‌سیم علاوه بر اینکه قابلیت صحبت با تلفن در هر نقطه از خانه را فراهم می‌کنند، امکان اتصال به بیش از یک خط را دارند. تلفن‌هایی با یک پایه بی‌سیم بسته به برند بین ۳۵۰ هزار تا ۱۰ میلیون تومان قیمت خورده‌اند. این بها برای دستگاه‌هایی با دو پایه به یک تا ۱۳ میلیون تومان افزایش می‌یابد.

تلفن کلاسیک

تلفن‌های کلاسیک مدل لاکچری بازار هستند. این دستگاه‌ها طراحی مشابه نسل ابتدایی تلفن ثابت دارند، باسیم بوده و حتی بعضی از آن‌ها نمایشگر ندارد. طراحی قدیمی و عرضه پایین تلفن‌های کلاسیک باعث شده است با بهای بالایی به فروش برسند. قیمت تلفن‌های کلاسیک بدون پایه از ۵۰۰ هزار تومان شروع می‌شود و مدل‌های پایه‌دار حداکثر سه میلیون تومان قیمت خورده‌اند. در این میان، بعضی از تلفن‌ها به سبک کلاسیک، ولی با سنگ و فلزات گران‌بها تولید شده‌اند و برای خرید آن‌ها باید تا سقف ۲۰ میلیون تومان هزینه کرد؛ مانند تلفن باسیم Diamondmax T ۰۳۱۰۲ با قیمت ۱۸ میلیون و ۵۵۰ هزار تومان که از سنگ مرمر برای طراحی آن استفاده شده است و قابلیت استفاده از USB و تماس گروهی را دارد.

تلفن تحت شبکه

تلفن‌های ثابت از تکنولوژی جدید بی‌نصیب نمانده‌اند و مدل‌های تحت شبکه، نسل جدید آن‌ها محسوب می‌شوند. این دسته تلفن‌ها، دارای امکاناتی نظیر سیستم‌عامل اندروید، پردازنده مرکزی، رم، هارد، ورودی کارت SD و USB برای حافظه بیشتر، صفحه‌نمایش لمسی، دوربین و... هستند. تلفن تحت شبکه برای امور اداری کارایی دارد و امکان ارتباطات ویدئویی گروهی را فراهم می‌کند. این دسته تلفن‌ها با چهار برند ان ای سی، اسنوم، پاناسونیک و گرنداستریم در بازار اصفهان عرضه می‌شوند. قیمت تلفن‌های تحت شبکه بسته به امکانات و برند آن‌ها بین یک تا ۱۰ میلیون تومان متغیر است.

مشخصات و قیمت تعدادی از تلفن‌های کلاسیک موجود در بازار اصفهان

تولیدکننده	مدل	پایه	قیمت (تومان)
تکنیکال	۵۸۳۷-TEC	ندارد	۵۶۰ هزار
افق	۱۰	ندارد	یک میلیون و ۲۹۰ هزار
افق	برنجی	ندارد	یک میلیون و ۴۰۰ هزار
والتر	T۹۰۰	دارد	یک میلیون و ۹۴۰ هزار
شوبرت	۴۲۰۱	دارد	دو میلیون و ۲۵۰ هزار

مشخصات و قیمت تعدادی از تلفن‌های تحت شبکه

تولیدکننده	مدل	قیمت (تومان)
ان ای سی	Base Line Pro SIP	یک میلیون و ۳۰۰ هزار
گرنداستریم	DP۷۳۰	دو میلیون و ۸۲۰ هزار
اسنوم	۸۷۰	سه میلیون و ۵۰۰ هزار
پاناسونیک	KX-DT۳۴۶X	شش میلیون و ۴۰۰ هزار
گرنداستریم	GXV۳۳۸۰	۹ میلیون و ۹۱۰ هزار

مشخصات تعدادی از تلفن‌های بی‌سیم در بازار اصفهان

تولیدکننده	مدل	تعداد گوشی	قیمت (تومان)
جنیکا	MHZ۹۰۰	یک	۳۹۰ هزار
آلکاتل	Smile	یک	۶۹۵ هزار
گیگاست	Duo A ۵۰۰	دو	یک میلیون و ۴۵۰ هزار
یونیدن	۲W-D۱۷۸۰	دو	دو میلیون
پاناسونیک	KX-TG۲۳۶۰JXS	یک	۱۰ میلیون
پاناسونیک	KX-TG۲۳۶۱JXB	دو	۱۲ میلیون و ۵۰۰ هزار

مشخصات تعدادی از تلفن‌های باسیم در فروشگاه‌های اصفهان

تولیدکننده	مدل	قیمت (تومان)
لیبوس	B۱۱۱TS	۱۶۰ هزار
ان ای سی	KX-T۸۲۰۷CID	۲۴۵ هزار
آرین	۴۰۴۰	۳۹۰ هزار
تکنیکال	۱۰۷۲-TEC	۵۰۰ هزار
پاناسونیک	KX-TS۸۸۰MX	۹۹۰ هزار

مظنه

برنج ایرانی ۴۵ هزار تومان برنج هندی ۳۰ هزار تومان

قیمت هر کیلوگرم برنج ایرانی با رکوردی بی‌سابقه به ۴۵ هزار تومان رسید؛ برنج هندی نیز تا ۳۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. به گزارش تسنیم، قیمت هر کیلوگرم برنج ایرانی بر اساس مشاهده‌های میدانی در تهران با افزایشی رکوردگونه ۳۸ تا ۴۵ هزار تومان و برنج هندی نیز ۲۲ تا ۳۰ هزار تومان به فروش می‌رسد که بر این اساس این کالای اساسی درحال تبدیل شدن به کالای لوکس برای بسیاری از خانوارها است و به تدریج از سبد خرید آن‌ها خارج می‌شود.

مسئولیت‌های تنظیم بازار محصولات کشاورزی به تازگی از وزارت صمت به وزارت جهاد کشاورزی بازگشته است؛ اما مسئولان این وزارتخانه از پاسخ‌گویی دراین باره به رسانه‌ها به عنوان نمایندگان مردم خودداری می‌کنند.

نایب‌رئیس انجمن برنج گفت: قیمت ۴۵ هزار تومانی برنج حباب است و بهترین نوع این محصول در مازندران ۳۴ هزار تومان به صورت خالص و بوجاری به فروش می‌رسد. علی اکبری، نایب‌رئیس انجمن برنج، اظهار داشت: بهترین برنج ایرانی مانند طارم در مازندران به صورت بوجاری و خالص ۳۴ هزار تومان و سایر رقم‌های برنج ایرانی نیز ۲۷ تا ۲۸ هزار تومان به فروش می‌رود. او افزود: فروش برنج ۴۵ هزار تومانی در تهران حباب و گران فروشی است.

قیمت هر شانه تخم‌مرغ

با آغاز تعطیلات کرونایی قیمت هر شانه تخم‌مرغ سر به فلک کشید. بررسی‌های میدانی حاکی از افزایش قیمت هر شانه تخم‌مرغ به بیش از ۵۰ هزار تومان است. به گزارش خبرآنلاین، بررسی‌های میدانی بازار حاکی از افزایش قیمت هر عدد تخم‌مرغ به هزار و ۷۰۰ تومان است؛ هر شانه تخم‌مرغ نیز در بازار به قیمت ۵۱ هزار تومان به فروش می‌رسد. فروشندگان بر این باورند که تعطیلات اصلی‌ترین نقش را در رشد قیمت‌ها در بازار تخم‌مرغ داشته است و به گفته آن‌ها با آغاز تعطیلات تخم‌مرغ با قیمت‌های بالاتری عرضه می‌شود. پیش از وقوع این اتفاق و در اوایل مردادماه گمانه‌زنی‌هایی در خصوص افزایش قیمت هر شانه تخم‌مرغ به ۴۰ هزار تومان به گوش می‌رسید و حال پیش‌بینی افزایش قیمت هر شانه تخم‌مرغ با درصد بیشتری محقق شده است. مشکلات عدیده‌ای در پس پرده گرانی مرغ و تخم‌مرغ نهان است که یکی از آن‌ها کمبود نهاده در بازار است.

افزایش ۱۵ درصدی تعمیر لوازم خانگی در پی قطعی برق

نایب‌رئیس اتحادیه فروشندگان لوازم خانگی تهران از افزایش ۱۵ درصدی تقاضا برای تعمیرات لوازم خانگی در پی قطعی برق طی ماه‌های اخیر خبر داد و گفت که بازار لوازم خانگی در رکود کامل است.

محمدحسین اسلامیان در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به کاهش قدرت خرید مردم در سال‌های اخیر و افزایش چشمگیر قیمت لوازم خانگی در سال گذشته به دلیل گران شدن مؤلفه‌های تولید، مواد اولیه و قیمت ارز، اظهار کرد: از طرف دیگر علاوه بر گرانی‌ها، تعطیلی پی‌درپی اصناف به دلیل شیوع ویروس کرونا نیز بر کاهش قدرت خرید مردم تأثیر گذاشت؛ درنتیجه قدرت خرید مردم نسبت به سال‌های قبل بسیار کم شد و مردم به ویژه از سال گذشته ترجیح می‌دهند اگر کالایی دچار مشکل شد، به جای تعویض، آن را تعمیر کنند. به گفته او، در حال حاضر قیمت یخچال و فریزر دوقلوی ایرانی ۲۵ میلیون تومان و ساید ایرانی حدود ۳۰ میلیون تومان است؛ اما قدرت خریدی وجود ندارد که مردم زندگی خود را بچرخانند و هم‌زمان ۳۰ میلیون پس‌انداز برای خرید لوازم خانگی داشته باشند؛ بنابراین همه مردم به تعمیر کالای قدیمی خود رو آورده‌اند.

بازار روز

عطش فروش مسکن مقداری فروکش کرد

به دنبال رشد نسبی قیمت ارز و خودرو، تعداد فایل‌های زیر قیمت در بازار مسکن تا حدودی کاسته شده و واسطه‌های ملکی از عقب‌نشینی برخی فروشندگان خبر می‌دهند. به گزارش ایسنا، بازار مسکن شهر تهران کماکان در رکود به سر می‌برد؛ اما پس از افزایش نسبی قیمت دلار، خودرو و مصالح ساختمانی، اشتیاق طرف عرضه مسکن برای فروش تا حدودی کم شده است. تا حدود دو هفته قبل فایل‌های زیرقیمت در بازار ملک به وفور دیده می‌شد و خریداران می‌توانستند با فراغ بال اقدام به خرید کنند. شواهد جدید از کاهش تعداد فایل‌های به قیمت حکایت دارد. بنا به گفته واسطه‌های ملکی، به تدریج مقاومت‌هایی از سوی فروشندگان دیده می‌شود. طرف عرضه با توجه به نداشتن برداشت روشن از آینده بازار در فروش دچار تردید شده است. خریدار چندانی هم البته وجود ندارد و خروجی این وضعیت به سردرگمی بازار منجر شده است. عمده واحدهای موجود در بازار نیز در نیمه شمالی تهران قرار دارد. یکی از مشاوران املاک منطقه غرب تهران در خصوص وضعیت این روزهای بازار مسکن گفت: با توجه به اینکه دولت جدید هنوز به طور کامل پا نگرفته است، همه منتظر آینده هستند و بازار بلاتکلیف است. از طرفی به دلیل افزایش نسبی قیمت ارز، برخی فروشندگان واحدهای مرغوب فعلا از فروش منصرف شده‌اند و تا روشن شدن وضعیت اقتصاد وارد بازار نمی‌شوند؛ بنابراین عمده فایل‌های موجود در دفتر ما آپارتمان‌های قدیمی است که مدت‌ها موفق به فروش آن‌ها نشده‌ایم. از آن طرف، متقاضیان توان خرید ندارند و به همین دلیل بازار راکد است.

او افزود: حدود پنج ماه است که هیچ نوع رشد قیمت در بازار مسکن نداشته‌ایم؛ بنابراین حتی در صورت تحرک نسبی هم نمی‌توان انتظار رشد سنگین قیمت‌ها را داشت. چیزی که فعلا دیده می‌شود، رکود ناشی از تردید خریداران و فروشندگان است. از طرف دیگر، گزارش شامخ بخش ساختمان که نشان‌دهنده کاهش تیراژ ساخت و ساز و افزایش قیمت نهاده‌های ساختمانی بود، مقداری انتظارها را در بازار مسکن تغییر داده است. بر اساس گزارش شاخص مدیران خرید (شامخ) که توسط اتاق تعاون ایران منتشر شده است، در تیرماه ۱۴۰۰ عدد کل شامخ ۵۴,۸۷ بوده که نسبت به خرداد که ۶۰,۵۵ بوده، کاهش چشمگیری دارد و افت فعالیت‌های ساختمانی را نشان می‌دهد. برخی معتقدند با توجه به این گزارش، فعالان صنعت ساختمان دچار نوعی بدبینی شده‌اند که ممکن است به کاهش ساخت و ساز در آینده منجر شود. رشد قیمت نهاده‌های ساختمانی در حالی بر روند ساخت و ساز تأثیر منفی گذاشته که در بهار امسال تورم مصالح ساختمانی از تورم بازار مسکن پیشی گرفت. البته حسن محتشم، عضو هیئت‌مدیره انجمن انبوه‌سازان تهران، معتقد است که تورم مصالح سریعا بر قیمت مسکن تأثیر نخواهد داشت. معمولا مهم‌ترین عوامل در سوق‌دهی به قیمت‌ها در بازار مسکن، تکمیل دوره رکود، تأثیر تورم بازارهای موازی و تحرک ناشی از ظرفیت درونی این بازار است که هم‌اکنون سه مؤلفه ذکرشده در بازار مسکن قابل مشاهده نیست. با اینکه برخی معتقدند افزایش قیمت دلار و خودرو می‌تواند به رشد قیمت مسکن منجر شود، تجربه نشان داده است شروع فرایند رشد این بازارها لزوما نمی‌تواند هم‌زمان باشد؛ چراکه مؤلفه‌های بسیاری در جهت‌دهی بازارها وجود دارد و ظرفیت درونی هر بخش مسیر آن را مشخص می‌کند؛ بنابراین نمی‌توان با قاطعیت از تحرک نسبی یا رکود بازار مسکن در آینده نزدیک سخن گفت.

سودآورترین بازار در ۱۰ سال گذشته

در ایران در ۱۰ سال گذشته، رشد ۶۳۳ هزار درصدی قیمت بیت‌کوین را به عنوان شاخص بازار ارزهای دیجیتال شاهد بوده‌ایم که نرخ رشد عجیبی است. پس از آن رشد بورس، طلا، مسکن و دلار به ترتیب با ۴۷۰۰، ۱۴۰۰، ۱۳۰۰ و ۱۲۵۰ درصد قرار گرفته‌اند. به گزارش سایت کلیک، از فروردین ۱۳۹۱ تا تیرماه ۱۴۰۰ بیشترین میزان افزایش قیمت را بازار رمزارزها به خود اختصاص داده که در این بازار، قیمت بیت‌کوین در پایان تیرماه ۱۴۰۰ با عدد ۳۲۳۰۰ دلار معادل حدود ۸۰۰ میلیون تومان رشد ۶۳۳ هزار درصدی را نسبت به فروردین ۱۳۹۱ تجربه کرده است. پس از آن می‌توان به ترتیب به بازارهای بورس، طلا، مسکن و دلار اشاره کرد که در این بازه حدود ۱۰ ساله رشدی به ترتیب ۴۷۰۰، ۱۴۰۰، ۱۳۰۰ و ۱۲۵۰ درصدی را تجربه کردند. آمارهای آنچه بر بازارهای املاک، ارزها، طلا، بورس و رمزارزها در سال‌های ۱۳۹۱ تا کنون گذشته، توسط سامانه کیلید تهیه شده است. برای این منظور از شاخص قیمتی مسکن شهر تهران به عنوان شاخص کلیدی بازار املاک، قیمت دلار به عنوان شاخص بازار ارزها، قیمت سکه امامی به عنوان شاخص بازار طلا، شاخص کل بورس تهران به عنوان شاخص بورس، و قیمت بیت‌کوین به عنوان شاخص بازار رمزارزها استفاده شده است.

همان‌گونه که می‌توان حدس زد، انتظار تغییر قیمت‌ها در بلندمدت برای این بازارهای مالی به طور حدودی به یک اندازه است که درنهایت هم نشان از تورم موجود در این سال‌ها دارند. درباره بازارهای طلا، مسکن و دلار نیز تا حدود زیادی این انتظارها برطرف شد؛ اما در ارتباط با بازار بورس، به علت دخالت‌های دولت و تشویق افراد به سرمایه‌گذاری در این بازار، شاهد رشد هیجانی این بازار از ابتدای سال ۱۳۹۸ بودیم.

تکمیل نیمه‌کاره‌ها توسط عمران شهری

۳۰ درصد بودجه خالص شهرداری برای خط دوم مترو هزینه شده است

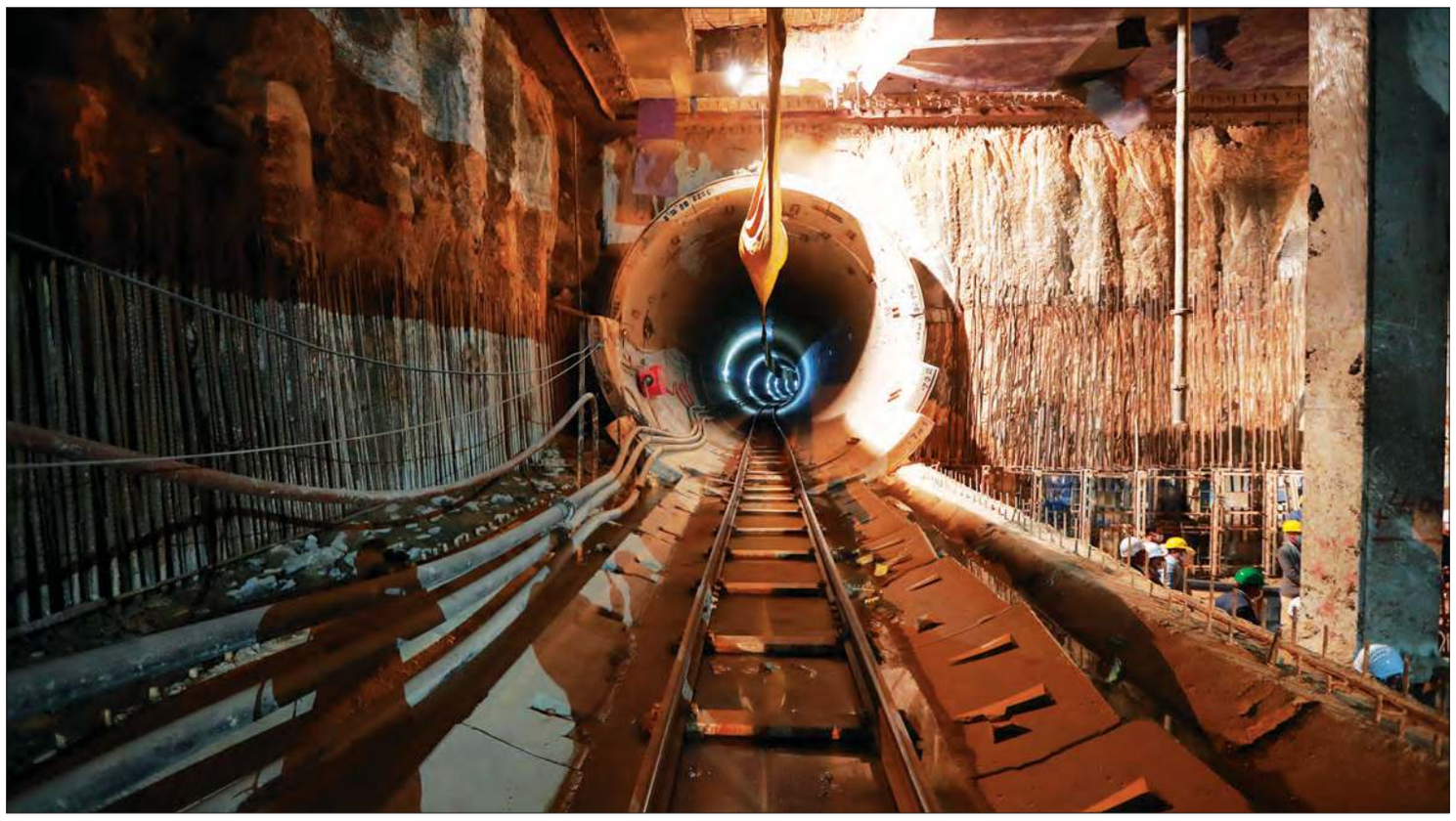

زهرا احمدی
خبرنگار

معاون عمران شهری شهرداری اصفهان در اولویت قرار دادن مطالعه روی پروژه‌های نیمه‌کاره و ضروری شهر را یکی از مهم‌ترین اقدامات این مجموعه برشمرد. ایرج مظفر، تکمیل پروژه بزرگ مرکز همایش‌های بین‌المللی اصفهان را یکی از این اقدامات مهم دانست و گفت: این پروژه بسیار هزینه‌بر بود؛ ولی با توجه به همت و پشتکاری که انجام شد در حدود سه سال و نیم بیش از ۵۰ درصد پیشرفت فیزیکی در پروژه داشتیم. این پروژه قبل از این دوره حدود ۴۳ درصد پیشرفت داشت؛ اما اکنون توانستیم آن را تکمیل کنیم و بعد از گذشت ۱۱ سال فاز نخست آن به بهره‌برداری رسید. او معتقد است: مرکز همایش‌های بین‌المللی اصفهان یک پروژه عادی نیست؛ چراکه روی سطح ۷۲ هکتاری بنا شده و زیر پروژه‌های متعددی در پروژه کار شده است. بنا به گفته مظفر، این پروژه یک سالن چندمنظوره با ورودی VIP و سن متحرک با پارکینگ اختصاصی دارد که ظرفیت آن ۲ هزار و ۴۰۰ نفر با ظرفیت برگزاری همایش‌های بین‌المللی است که ۱۲۰۰ نفر می‌توانند به صورت هیئت مستقر و ۱۲۰۰ نفر نیز به صورت تماشاگر در آن حضور یابند. مساحت سالن پروژه مرکز همایش‌ها ۳۱۰۰ مترمربع و ارتفاع آن بین ۲۵ تا ۵۰ مترمربع است؛ این سالن مجهز به تمام دستگاه‌ها و لوازم و تجهیزات برگزاری یک سمینار بین‌المللی و مطابق با استانداردهای جهانی خواهد شد. معاون عمران شهری شهرداری اصفهان با تأکید بر اینکه مرکز همایش‌ها به لحاظ ساختمانی غیر از هتل و بخش تجاری ۹۵ درصد پیشرفت داشته است، گفت: بخش باقی‌مانده مباحث تکمیلی است، بر این اساس ساختمان مرکز همایش‌ها شامل سالن اصلی، سه سالن جنبی و فضای کنکورس است که مجموع وسعت این فضاها حدود ۵۴ هزار مترمربع است، در فاز اول سالن اصلی با ۳ هزار و ۱۰۰ متر فضای مفید همراه با ساختمان‌های پشتیبانی به وسعت ۲ هزار و ۵۰۰ مترمربع است که فضای اصلی آن تکمیل شده و به بهره‌برداری رسید. همچنین در این پروژه ۸ ویلا با مساحت هرکدام ۴۰۰ مترمربع به طور کامل تجهیز شده و آماده بهره‌برداری است.

او با تأکید بر اینکه فضای سبز محوطه، داخلی و فضای سبز پیرامونی پروژه به جز بخش واقع در هتل و تجاری، انجام شده است، تصریح کرد: در خصوص بحث ایمنی پروژه با همراهی و هماهنگی سازمان آتش‌نشانی شهرداری یکی از پیشرفته‌ترین و استانداردترین سیستم‌های اطفای حریق و آتش‌نشانی در پروژه اجرا شده و با توجه به همتی که برای آزادسازی، تأمین مالی، اجرای فضای سبز، تأمین انشعابات و تأسیسات پروژه صورت گرفته، فعالیت‌های انجام‌شده قابل تقدیر است. مظفر مرکز همایش‌های بین‌المللی اصفهان را یکی از فنی‌ترین و زیباترین پروژه عمران شهری کل کشور در اصفهان برشمرد و گفت: برای مدیریت شهری، مهندسان شهرداری، مشاوران و پیمانکاران شهر و ایران افتخاری است که این پروژه عظیم را ساختند. درواقع می‌توان گفت این مرکز همایش‌ها دانشگاهی برای کل شهرداری اصفهان و مهندسانی بود که در پروژه کارکردند.

تأسیس صندوق ذخیره، یکی از مهم‌ترین اقدامات شهرداری در این دوره برای پشتیبانی مالی پروژه‌ها بود که در حوزه عمرانی به ما کمک زیادی کرد و موجب شد با بحران مالی مواجه نشویم

* هزینه ۳۰ درصد بودجه خالص شهرداری برای خط دوم مترو

معاون عمران شهری شهرداری اصفهان در ادامه تکمیل خط یک متروی شهر اصفهان را یکی دیگر از پروژه‌های نیمه‌کاره و مهم شهر معرفی کرد و ادامه داد: این پروژه مشکلات زیادی داشت که با توجه به تصمیم‌گیری‌ها و پیگیری‌های لازم، خط یک مترو در این دوره تکمیل شد. همچنین شروع عملیات اجرایی خط دوم با سرعت زیاد آغاز شد. این پروژه علاوه بر بودجه ناشی از اوراق مشارکتی، حدود ۳۰ درصد از بودجه خالص عمرانی شهرداری را به خود اختصاص داد و مدیریت شهری به دلیل نیازهای شهر این اقدامات را انجام داد. پروژه چهارباغ نیز یکی از پروژه‌های چالشی بود که به نتیجه رسید و شاهد استقبال مردم از این پروژه هستیم. مظفر در ادامه با اشاره به پروژه پردیس هنر که تنها ۳۰ درصد پیشرفت داشته است، خاطرنشان کرد: شهرداری اصفهان با توجه به هزینه زیادی که برای قراردادهای قبلی و جدید پرداخت، توانست این پارک را در اختیار شهروندان قرار دهد.

او با تأکید بر اینکه مدیریت شهری با توجه به شجاعتی که داشت توانست پروژه‌های باقی‌مانده را به نتیجه برساند، بیان کرد: حلقه حفاظتی در منطقه شمال و شرق اصفهان نیز در این دوره انجام شد که مهم‌ترین پروژه بود، چون باعث کاهش بار ترافیک شهر می‌شد. برای اجرای این پروژه آزادسازی‌های فراوانی انجام و در این راستا شهرداری با شجاعت وارد عمل شد و اولویت اول خود را تکمیل این پروژه قرار داد. اکنون ۶۰ درصد از معضلات ترافیکی مربوط به کامیون‌ها در این مسیر حل شده است و با اتمام رینگ، حدفاصل کیلومتر صفر تقاطع سردار شهید حاج قاسم سلیمانی تا تقاطع آفتاب، ۱۰۰ درصد این مشکل در بخش شمال و شرق اصفهان حل خواهد شد. امسال نیز بسیاری از اقدامات روی رینگ چهارم و مرکز همایش‌ها و خیابان‌های منتهی به چهارباغ در حال اجراست تا محور میانی شهر تکمیل شود.

ایرج مظفر

مرکز همایش‌های بین‌المللی اصفهان یک پروژه عادی نیست؛ چراکه روی سطح ۷۲ هکتاری بنا شده و زیرپروژه‌های متعددی در پروژه کار شده است

* جذب ۷۵ درصد بودجه خالص عمرانی

معاون عمران شهری شهرداری اصفهان در ادامه با اشاره به اقداماتی که در خصوص مبارزه با خشک‌سالی در این مجموعه انجام شده است، گفت: با توجه به خشک‌سالی‌هایی که وجود دارد چندین عملیات در رابطه با تصفیه و استفاده از پساب انجام و در حال حاضر با احداث تصفیه‌خانه و خطوط خط انتقال پساب، برای آبیاری فضای سبز تا حدود زیادی مشکل کم‌آبی حل شد. اجرای پروژه‌های دوربرگردان و خروجی سالن بین‌المللی اجلاس، تقاطع روح‌الله امین، تقاطع آفتاب، تکمیل تقاطع رضوان، احداث تقاطع غیرهمسطح شهید سلیمانی و تقاطع پل زندان از دیگر اقدامات عمرانی شهر اصفهان در این دوره مدیریت شهری بود که مظفر به آن اشاره کرد.

او اظهار کرد: توانستیم در سال ۹۹، ۷۵ درصد بودجه خالص عمرانی را جذب کنیم که این موضوع نسبت به سال‌های گذشته رکورد خوبی بود؛ چون در سال‌های قبل، این عدد به ۳۰ تا ۴۰ درصد می‌رسید. تمام این رکوردها با تلاش و مدیریت جهادی و همراهی مدیریت کلان شهرداری و استفاده از ظرفیت‌های سرمایه انسانی و منابع شهرداری انجام شده است.

* تلاش برای حل چالش‌های شهری

معاون عمران شهری شهرداری اصفهان تصریح کرد: شهرداری اصفهان در پروژه‌های مناطق که مطالبه شهروندان بوده نیز اقداماتی انجام داده است. بنا به گفته مظفر، روکش معابر، بهسازی خیابان‌ها و پیاده‌روسازی‌ها از جمله این اقدامات بوده است.

او با تأکید بر اینکه مناسب‌سازی معابر و خیابان‌سازی‌ها با توجه به سیاست شهرداری در کل مناطق در دست اقدام است، خاطرنشان کرد: معاونت عمران در این خصوص با چالش‌هایی از جمله کمبود منابع، غیرنقدی بودن منابع، جهش قیمت‌ها و معارضات ملکی و تأسیساتی مواجه است. البته تلاش شده با تعاملات، مشکلات تأسیسات شهری حل شود. معاون عمران شهری شهرداری اصفهان افزود: این مجموعه با حمایت، همدلی و مدیریت کلان شهرداری و با رعایت موازین شهرداری در جهت عمران و آبادی شهر با استفاده از مصوبات برای مقابله با مشکلات، تلاش می‌کند. مظفر گفت: تأسیس صندوق ذخیره، یکی از مهم‌ترین اقدامات شهرداری در این دوره برای پشتیبانی مالی پروژه‌ها بود که در حوزه عمرانی به ما کمک زیادی کرد و موجب شد با بحران مالی مواجه نشویم.

| مناطق |

کاهش هزینه‌های اداره شهر با مشارکت فعال شهروندان

مدیر منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان گفت: نقش فعال و مشارکت شهروندان بی‌شک می‌تواند هزینه‌های اداره شهر را کاهش دهد. به گزارش اصفهان زیبا به نقل از روابط عمومی منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان، حمید شهبازی اظهار کرد: افزایش سرمایه اجتماعی و اعتمادسازی بین مجموعه مدیریت در منطقه و شهروندان، مهم‌ترین اولویت فعالیت در منطقه ۱۰ بوده و خوشبختانه این ارتباط و تعامل دو سویه بین مجموعه مدیریت شهری در منطقه و معتمدان و افراد مؤثر در منطقه برقرار شد و با مشارکت فعال و پویای شهروندان توانستیم بسیاری از مشکلات را در منطقه به‌ویژه در حوزه آزادسازی‌ها حل کنیم. او با بیان اینکه حضور و مشارکت شهروندان در مدیریت و اداره شهر بسیار تأثیرگذار است، افزود: بی‌شک نقش فعال و مشارکت شهروندان می‌تواند هزینه‌های اداره شهر را کاهش دهد.

مدیر منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان با اشاره به مهاجرپذیر بودن این منطقه، بیان کرد: منطقه ۱۰ با توجه به حضور و سکونت اقوام مختلف به «ایران کوچک» شهرت یافته است؛ البته همواره درصدد ایجاد هم‌گرایی، همدلی و هم‌افزایی بین شهروندان منطقه بوده‌ایم تا این تنوع قومیتی و ترکیب جمعیتی را به یک فرصت تبدیل کرده و از چالش‌های احتمالی جلوگیری کنیم.

مدیر منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان با تأکید بر تحقق عدالت فضایی در منطقه ۱۰ شهرداری با توزیع عادلانه امکانات، خاطرنشان کرد: با شناسایی نقاط قوت و ضعف ۱۷ محله این منطقه، جلساتی با حضور معتمدان و افراد اثرگذار هر منطقه برای توسعه و شکوفایی محله‌ها برگزار و برنامه‌ریزی لازم انجام شد؛ به طوری که در سه سال اخیر جهت‌گیری پروژه‌ها در محله‌ها نشئت‌گرفته از تفکر شهروندان بود. شهبازی اظهار کرد: با توزیع عادلانه امکانات، بخشی از مشکلات محله‌های محروم و کم‌برخوردارتر رفع شد و از شکاف‌های اجتماعی و طبقاتی جلوگیری به عمل آمد.

* اجرای بیش از ۸۰۰ میلیارد تومان پروژه مشارکتی در منطقه ۱۰

شهبازی در ادامه گفت: در طول دو سال گذشته بالغ بر ۸۰۰ میلیارد تومان پروژه مشارکتی در این منطقه پیش‌بینی و اجرا شده که به نوعی پروژه‌های محرک توسعه به شمار می‌رود. او اظهار کرد: حدود ۲۰۰ هزار مترمربع زمین در محدوده منطقه ۱۰ شهرداری برای اجرای حلقه حفاظتی شهر یا رینگ چهارم آزادسازی شده که شامل بخشی از بزرگراه شهید اردستانی تا زیرگذر هفتشویه می‌شود. مدیر منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان با بیان اینکه پل آفتاب، پروژه بزرگ عمرانی دیگری بود که به طور مشترک بین مناطق ۱۰ و ۱۴ شهرداری اجرا شد و توانستیم به تعهداتمان عمل کنیم، افزود: بخشی از درآمدهای منطقه برای آزادسازی اراضی واقع در مسیر پروژه پل آفتاب و احداث سه ایستگاه لاله، شاهد و قدس برای خط دوم قطار شهری هزینه شد و در موعد مقرر تحویل داده شد. شهبازی تأکید کرد: احداث پل آفتاب، مترو و رینگ چهارم محرک توسعه است که تغییر بنیادین را در کالبد منطقه به همراه دارد و شهروندان در آینده بیشتر به مزایای اجرای آن‌ها پی خواهند برد. او با بیان اینکه وقتی پروژه‌ای اجرا می‌شود به دنبال مهندسی ارزش و ارزش افزوده ریالی آن هستیم، ادامه داد: مهندسی ارزش مؤلفه‌ها و شاخص‌های دیگری دارد که در این پروژه‌ها می‌توانیم رضایتمندی مردم را در مهندسی ارزش ببینیم. مدیر منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان با ابراز خرسندی از افزایش بودجه و تأثیرگذاری آن در ارتقای عمران و آبادانی منطقه، خاطرنشان کرد: تمام پروژه‌های پیش‌بینی شده و در تعهد منطقه را به صورت کامل اجرا کردیم و از این جهت در بین مناطق ۱۵ گانه پیشتاز و پیشگام بودیم و توانستیم رضایت مردم را به دست آوریم.

شهبازی تصریح کرد: با کاهش اصولی هزینه‌های غیرضروری جاری منطقه اقدامات خوبی در راستای اجرای پروژه‌های عمرانی انجام شد. او با اشاره به استفاده از ظرفیت مشارکت بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصاد شهری منطقه، گفت: در طول سال‌های ۹۸ و ۹۹ توانستیم بالغ بر ۸۰۰ میلیارد تومان پروژه مشارکتی پیش‌بینی و اجرایی کنیم که به نوعی پروژه‌های محرک توسعه هستند.

| گفت و گو |

مردم به صورت زنده از برنامه‌های دو کاندیدای شهرداری اصفهان مطلع می‌شوند

لیلی زواره‌ای
خبرنگار

سخن‌گوی شورای اسلامی شهر اصفهان روز گذشته در توییتی از معرفی دو گزینه نهایی برای انتخاب شهردار اصفهان خبرداد. علی صالحی، در این توییت نوشت: «بعد از بررسی زیاد و با توجه به انتشار جزئیات فرایند شاخص‌ها و سؤالات مراحل قبلی فرایند انتخاب شهردار اصفهان و انتشار سوابق و برنامه‌های پنج نامزد منتخب، با جمع‌بندی نهایی اعضای شورای شهر اصفهان، محمدعلی احمدی و علی قاسم‌زاده به عنوان دو گزینه نهایی مشخص شدند.»

صالحی در این باره و در خصوص مراحل بعدی انتخاب شهردار اصفهان، در گفت‌وگو با اصفهان زیبا گفت: با توجه به فرایندی که از پیش مشخص شده بود، شاخص‌ها و پیشنهادهایی با کمک مردم و جامعه نخبگان تهیه شد. او افزود: مراحل مختلف انتخاب شهردار از لیست ۲۱ نفره آغاز و به لیست ۱۱ نفره و ۵ نفره ختم شد. به گفته سخن‌گوی شورای اسلامی شهر اصفهان، این روند با بررسی شاخص‌ها، پرسش‌ها و مسیری که اطلاع‌رسانی شد و مردم در جریان قرار گرفتند، انجام شد. صالحی افزود: ضمن تأکید بر توانمندی هر ۵ نفر گزینه نهایی، اعضای شورای شهر به دو نفر به عنوان منتخب که در مرحله نهایی حضور داشتند به جمع‌بندی رسیدند. سخن‌گوی شورای اسلامی شهر اصفهان درباره زمان معرفی شهردار اصفهان نیز گفت: هرچه مراحل جلوتر می‌رود بررسی‌ها دقیق‌تر و عمیق‌تر می‌شود و اعضای شورای شهر تلاش می‌کنند با توجه به وقفه چندروزه تعطیلات کرونایی هرچه زودتر این اتفاق بیفتد.

او تصریح کرد: در اولین فرصت جلسات بعدی تشکیل و برای جمع‌بندی گزینه‌های شهردار، نظرات اعضا اخذ و نتیجه اطلاع‌رسانی می‌شود. صالحی افزود: این روند زمان زیادی نمی‌برد؛ اما چون مهم‌ترین مرحله است به طور حتم به تأمل بیشتری نیاز داریم که نمی‌توان زمان دقیق آن را اعلام کرد. او تأکید کرد: سعی داریم حتما بخشی از فرایند بررسی نهایی در معرض افکار عمومی قرار گرفته و مردم بتوانند به صورت زنده از برنامه‌های منتخبان مطلع شوند. به گفته صالحی، شاخص‌های انتخاب شهردار اصفهان تغییر نکرده؛ ولی چون مرحله نهایی است فرایند دقیق‌تر خواهد بود تا بتوان به جمع‌بندی قاطعی رسید.

گفتنی است اواخر وقت یکشنبه هفته جاری، سوابق اجرایی، تحصیلی و چکیده برنامه‌های پنج نامزد نهایی شهردار اصفهان در پیج اینستاگرام شورای اسلامی شهر اصفهان منتشر شد که در ادامه می‌آید.

* دو منتخب کیستند؟

محمدعلی احمدی متولد ۱۳۴۳ مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد حقوق را از دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اخذ کرده است. او در حال حاضر رئیس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی استان اصفهان، عضو کمیته برنامه‌ریزی و راهبردی اتحادیه اتوبوس‌رانی‌های درون‌شهری کشور است و مدیرعامل سابق شرکت اتوبوس‌رانی اصفهان هم بوده است. عضو هیئت‌مدیره سازمان حمل‌ونقل عمومی بهارستان، فرمانده بسیج شهرداری اصفهان، معاون فرهنگی سپاه استان اصفهان، مدیرکل سیاسی و انتخابات استانداری اصفهان، دبیر کمیسیون دانشجویی استان اصفهان، دبیر کمیسیون کارگری استان اصفهان، جانشین رئیس ستاد انتخابات استان، رئیس ستاد دهه امر به معروف و نهی از منکر شهرستان اصفهان و فرمانده ناحیه مقاومت بسیج اصفهان بخشی از سوابق اجرایی اوست. اجرای برنامه‌های تدوین‌شده افق ۱۴۰۵ شهرداری اصفهان همراه با بازنگری و اصلاح، مدیریت جهادی، توجه ویژه به ابعاد مختلف حوزه فرهنگی اجتماعی و ورزشی، عدالت و توجه ویژه به نقاط کمتربرخوردار، خلاقیت و دانش‌محوری، مشارکت شهروندان، شایسته‌سالاری و پرهیز از سیاست‌زدگی، هوشمندسازی، فسادستیزی و شفافیت، ارتقای هویت شهری، تقویت حوزه گردشگری، قانون‌مداری و حقوق شهروندی، توجه ویژه به حمل‌ونقل عمومی، محله‌محوری، توجه به بافت فرسوده، تحول ساختاری و کارآمدی منابع انسانی، چکیده‌ای از برنامه پیشنهادی او برای اداره کلان شهر اصفهان است.

علی قاسم‌زاده متولد ۱۳۴۱ بوده و کارشناسی الهیات دانشگاه تهران، کارشناس ارشد مشاوره دانشگاه اصفهان و دکترای مشاوره دانشگاه اصفهان، سوابق تحصیلی اوست. قاسم‌زاده یکی از بنیان‌گذاران مؤسسه فرهنگی شهید آیت‌الله مدرس و مجموعه فرهنگی شهیداژه‌ای بوده و دو سال نیز دبیر جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی شهر اصفهان بوده است. او عضو هیئت‌امنای مراکز فرهنگی شهید آیت‌الله مدرس و ۱۵ خرداد، مدیر عامل مؤسسه فرهنگی آیت‌الله شهید مدرس، مدیر مجتمع آموزشی صالحین به مدت دو سال، مدیرعامل سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان به مدت چهار سال، معاون فرهنگی شهردار اصفهان به مدت چهار سال، عضو هیئت‌مدیره سازمان‌های فرهنگی تفریحی، زیباسازی و عضو کمیته عالی ناژوان، پروژه شرق و تخت فولاد، مشاور مدیرعامل سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران به مدت یک سال، عضو هیئت‌منصفه مطبوعات، مشاوره دبیرستان شهیداژه‌ای اصفهان، دبیرستاد اصفهان پایتخت فرهنگی جهان اسلام به مدت پنج دوره و ریاست ستاد هفته نکوداشت اصفهان را هم در کارنامه دارد. قاسم‌زاده برای اداره شهر اصفهان تصمیم دارد فضا و فرصت را برای حضور حداکثری مردم در عرصه تصمیم‌سازی و مشارکت فعال آن‌ها در پیشرفت و آبادانی شهر را فراهم کند. در الگوی پیشنهادی او نخبگان، بخش خصوصی و تشکل‌های مردم‌نهاد نقش فعالی را در شهر ایفا خواهند کرد. در چکیده برنامه پیشنهادی قاسم‌زاده برای اداره شهر آمده است: «شهرداری با ایمان به فهم و توانایی مردم به تدریج از نقش متولی به سمت سیاست‌گذار و ناظر تسهیلگر و مشاور تغییر نقش خواهد داد.»

اگر شما یک گردشگر حرفه‌ای باشید یا اینکه کتاب یا متنی راجع به جزئیات سفر یک گردشگر خوانده باشید، متوجه می‌شوید که داشتن یک دستگاه مسیریاب قوی چه تأثیر بسزایی بر آسودگی سفر شما خواهد داشت.
نیم‌نگاه

راهنمای سیاحان «جی‌پی‌اس» گردشگران!

برج های رادکان خراسان و سیستان، برج میل گنبد و مناره‌های ساربان و دارالضیافه اصفهان چگونه راهنما می شدند؟

محمدجواد نصیری
معمار و نویسنده

اگر شما یک گردشگر حرفه‌ای باشید یا اینکه کتاب یا متنی راجع به جزئیات سفر یک گردشگر خوانده باشید، متوجه می‌شوید که داشتن یک دستگاه مسیریاب قوی چه تأثیر بسزایی بر آسودگی سفر شما خواهد داشت. اگر می‌خواهید بدانید که سیاحان در گذشته چگونه مسیریابی می‌کردند، جهانیان چگونه زیبایی نصف جهان را در آسمان شهر خود دیده‌اند و شبگردها چگونه تاریکی جاده را درمی‌نوردند، تاریخچه مسیریابی را در متن پیش رو مطالعه کنید.

اگر روزی به قصد کنکاش در محله‌ها به گردش در بافت قدیمی اصفهان بپردازید، در هنگام گذر از محله جوباره عنصری عمودی در میان گذرهای این محله چشم شما را به تماشای خویش می‌کشاند و شما را در بحر تفکر فرو می‌برد. این عنصر عمودی به واسطه ناهمخوانی به وجود آمده در پی ساخت و سازهای جدیدتر نسبت به تولد خود، توجه‌ها را به سوی خود کشانده و ذهن شما را درگیر تاریخچه و کاربری خود در میان این ساختمان‌ها می‌کند: آیا این محله در گذشته هم دارای بافتی مسکونی بوده است؟ اگر چنین بوده، وجود این عنصر عمودی آن هم با بلندای ۴۸ متر در میان منازل مسکونی چه خدماتی ارائه می‌کرده است؟ این میل ساربان است که توجه گردشگران را به سوی خود جلب می‌کند و با وجود آرایه‌های متنوع و دو تاج بر روی خود، پادشاهی مناره‌ها را به دست گرفته است. آیا این مناره‌ها بخشی از ساختمان‌ها در گذشته‌اند که اکنون به جای مانده‌اند؟ ساخت مناره تنها برای ایستایی و هویت مساجد بوده است؟ میل و مناره تاریخچه تحولی بسیار متنوع نسبت به سایر عناصر معماری دارد که بازدیدکنندگان بناهای تاریخی را به داستان جذابی برای کاوش دعوت می‌کند.

میل و رفاقت با جاده‌گردها

مسافران در گذشته بسیار دور برای آگاهی از مسافت‌ها و داشتن راهنما برای مسیریابی از عناصر طبیعی مانند کوه و جنگل و رودخانه و سایر این موارد استفاده می‌کردند و با افزایش دانش جغرافیایی و نشانه‌گذاری روی طبیعت، راهنمایی برای مسیریابی پدید آوردند. اساسی‌ترین روش برای شناسایی جهات جغرافیایی، به‌خصوص برای دریانوردان و شبگردان، بهره‌گیری از رموز ستارگان و تصاویر آسمانی بود که پایه علم نجوم را تشکیل داد؛ اما با گذر زمان و پیشرفت و نبوغ در مسائل مختلف، به‌ویژه ساختمان‌سازی، انسان توانست برای راهنمایی و مسیریابی جاده‌ها خدماتی در اختیار مسافران قرار دهد. میل‌ها راهنماهایی بودند که در کنار جاده‌ها و همچنین نزدیک به ورودی و دروازه شهرهای کهن به‌واسطه آسمانه بلند خود مسافران را به حرکت به سوی شهر دعوت می‌کردند. با گذر زمان امروزه کاربرد میل و مناره تغییر کرده است؛ به طوری که به عنوان بخشی از آرامگاه‌ها و مساجد معرفی می‌شوند. این تلفیق در آرامگاه‌هایی که مناره‌شان با فاصله‌ای از ساختمان اصلی قرار گرفته به آسانی قابل درک است. مشخص است که پیش از به‌کارگیری ویژگی ایستایی مناره‌ها برای ابنیه و جلوگیری از رانش جداره‌ها، راهنمایی برای ابنیه محسوب می‌شدند. با گذر از راه‌های بیابانی و جنگلی درمی‌یابیم که داشتن راهنمایی برای مسافران در این نواحی بسیار ضروری بوده است؛ از این رو در این مناطق بیشترین و بهترین نمونه‌های میل و مناره ساخته شده است.

مناره و آبادی نورها

برج رادکان در نزدیکی مشهد از نمونه میل‌های راهنما است که به واسطه فرم متفاوت از دیگر میل‌ها، توجه بسیاری را به سمت خود جلب کرده است. این برج که در ادامه، به طور مفصل به آن پرداخته می‌شود از دو پوسته تشکیل شده است. با بررسی آثار به جامانده درون این پوسته‌ها مشاهده می‌شود که از آتش برای روشنایی این مناره‌ها به‌منظور خدمات‌دهی در شب استفاده می‌شده است. برای مشاهده نمونه‌ای دیگر از این نوع عملکرد می‌توان به برج نورآباد ممسنی در شاهراه اصلی استان فارس اشاره کرد که برگرفتگی نام شهر نورآباد از این برج به خوبی نشان‌دهنده اهمیت بالای این میل برای آبادانی شهر است. در برخی از برج‌ها با نمونه‌هایی جالب توجه مواجه می‌شویم که آن، آرامگاه بودن همین میل‌ها است. برج‌های «لاجیم» و «رسکت» از آن دسته برج‌هایی هستند که مهرازان و سازندگان آن‌ها بنا بر وصیتشان در برج خاک شده‌اند و خواسته‌اند که پیرو ساخت این بناهای خدماتی و ایجاد بنایی خدمت‌رسان به مردمشان، اذنی برای خاک‌سپاری آن‌ها در برج‌ها صادر شود. برج لاجیم علاوه بر این ویژگی، از آرایه‌ها و جزئیات بسیار زیبایی برخوردار است. این برج که در نزدیکی سوادکوه و در روستایی به نام لاجیم ساخته شده است، روی کتیبه مدور خود، دو کتیبه به زبان‌های کوفی و پهلوی دارد. بر بالای این کتیبه‌ها طاقک‌های کوچکی قرارگرفته است. این کتیبه‌های آجرتراش با استفاده از رنگ قرمز روی زمینه‌ای سفید مزین شده‌اند.

«راد» و «راه» رادکان را می‌سازند

واژه «راد» در کنار «رد» در زبان پهلوی به معنای نظم و ترتیب است. این واژه که همبستگی زیادی با واژه راه دارد، تأثیر بسزایی بر نام‌گذاری برج‌های رادکان داشته است. رادکان بیشترین نام استفاده شده برای برج‌ها است. برج‌های رادکان خراسان و گرگان نمونه‌های بسیار مشهوری از این نوع میل به شمار می‌روند. میل رادکان خراسان رضوی در راه قوچان به مشهد واقع شده و گمان می‌رود که مقبره یکی از بزرگان مغول باشد. این میل که زمینه‌ای هشت‌ضلعی دارد به واسطه قرارگیری ۳۶ پبلک و نیم‌ستون روی نما به فرمی مدور تبدیل شده است. این برج با ۳۵ متر ارتفاع، قطر داخلی ۱۴ متر و خارجی ۲۰ متر و دو ورودی، احتمالا از یک سو به مسجد جامعی در آن نقطه راه داشته است. نمای این برج به‌وسیله اندود گچ و آهک به شکل نسبتا ساده‌ای کار شده و ساخت مایه آن آجری است. این بنا هم علاوه بر گچ بری، با دو کتیبه کوفی و پهلوی در قسمت فوقانی نمای خود تزیین شده است. نحوه قرارگیری درها و دریچه‌های این بنا طوری طراحی شده است که در راستای ورودی بتوان آغاز زمستان و تابستان را به زیبایی مشاهده کرد؛ از این رو این بنا دارای عملکرد نجوم‌شناسی نیز بوده که پژوهش‌های انجام‌شده تنها گوشه‌ای از رموز آن را کشف کرده است. برج رادکان غربی در استان گلستان، نمونه‌ای از میل‌های ساخته‌شده روی تپه و در میان جنگل است. این برج از بدنه‌ای تماما آجری ساخته شده و ملات آن را گچ تشکیل می‌دهد. در گذشته و تا زمان قاجار، کتیبه‌های کوفی روی نمای ساختمان وجود داشته که به گمانی، قسمتی از آن در این زمان به سرقت رفته است. بنای رادکان در استان خراسان نیز با نام رادکان شرقی شناخته می‌شود که این موضوع بیانگر وجود ارتباط‌هایی میان بناها است.

آرامگاه‌هایی که راهنما بودند

با مرور آثار پیش از اسلام، نمونه‌ای از آرامگاه‌های چهارطاقی به چشم می‌خورد که بر سر راه‌ها قرار دارند. نکته حائز اهمیت این است که این آرامگاه‌ها که محل دفن افرادی است که پس از اسلام می‌زیستند، در جهت قبله نبوده و در اصل، برج راهنمایی برای مسافران بوده‌اند. دکتر پیرنیا در این باره چند نشانی دقیق ذکر می‌کند. در نمونه اول اشاره می‌کند: «در آبشوریزد و در کنار خیابان قیام و در راستای شمالی آن، آرامگاهی است که اینک به نام "سید فتح" نام‌آور است و ضریح و قبر دارد و امروز بی‌گمان گور است؛ ولی به هیچ‌رو در راستای قبله نیست.» در نمونه‌ای دیگر بیان می‌کند: «در کنار باغ دولت‌آباد، از سوی دری که به رودخانه باز می‌شود، چهارطاقی است که باروی باغ را بدان بسته‌اند. چگونگی جانمایی آن‌ها به خوبی نشان می‌دهد که ربطی به دیگر ساختمان‌های باغ ندارند. سه گنبد یادشده راستای راه فارس به خراسان را نشان می‌دهند» (پیرنیا، محمد، معماری ایرانی، ۱۳۹۵، ص۵۰۰). در نگارگری‌های یافت‌شده از تاریخ کهن ایران، نمونه‌ای در اطراف دماوند به چشم می‌خورد که وجود میل روی تپه‌ای در این ناحیه را نشان می‌دهد. در این نگاره که دورنمایی از شهر دماوند است، در سمت راست، بقعه امامزاده عبدالله و در سمت چپ، مسجد جامع و روی تپه‌ای در میان درختانی که سر به فلک کشیده‌اند، یک برج راهنما دیده می‌شود. وجود میل‌های راهنما در راستای مسیر، راه‌های بین‌شهری را به خوبی نشان می‌دهد. آرامگاه «سهل‌بن‌علی» در اراک نمونه دیگری از میل‌های راهنما است که در گذر زمان به آرامگاه تبدیل شده‌اند.

قابوس راهنمای مسافران می‌شود

در نزدیکی گرگان روی تپه‌ای دست‌ساخته بزرگ‌ترین برج آجری جهان ساخته شده است. این برج که ارتفاعی ۵۵ متری دارد با نام میل گنبد هم شناخته شده است. این بنا در سال ۳۹۷ هجری قمری در زمان حکومت آل زیار احتمالا با کاربری رصدخانه و راهنما ساخته شده است. این برج به سبک رازی و خراسانی ساخته شده و در نمای خود ۱۰ پشت‌بند دارد که از پایه تا زیر گنبد این برج را پوشانده‌اند. گنبد این میل به شکل مخروطی و از دو پوسته ساخته شده است که شیب بسیار زیادی دارد. گمان می‌رود که قابوس یا کاووس، سازنده برج، در این بنا دفن شده باشد؛ اما یکی از قدیمی‌ترین میل‌های شناخته‌شده در تاریخ ایران متعلق به دوران ساسانیان است. شهر گوریا جور که امروزه فیروزآباد نام گرفته است، در مرکز خود میلی پلکانی شکل داشته است که این پلکان‌ها در اطراف میل و به صورت مارپیچ، پیرامون آن می‌چرخند و به سوی آسمان سیر می‌کنند. این میل که در زمان اردشیر ساسانی ساخته شده بود ۲۶ متر ارتفاع داشته که واقع شدن آن در مرکز شهر ولایتی «اردشیر خوره» نشان از اهمیت بالای این میل در زمان خود دارد.

اصفهان؛ شهر مناره‌های ایران اسلامی

برخلاف ساخت و سازهای امروزی، در گذشته مناره‌ها با فاصله‌ای از مساجد ساخته می‌شدند که این نشان می‌دهد این مناره‌ها تنها نشانه یک مسجد نبوده‌اند، بلکه نشانی برای یک محله یا شهر بوده‌اند. مناره «دارالضیافه» و مناره «ساربان» در اصفهان نمونه‌ای از این نوع میل‌ها محسوب می‌شوند. مناره ساربان که حدود ۴۸ متر ارتفاع دارد، در انتهای محور شمالی محله جوباره ساخته شده است. این مناره سلجوقی از زیباترین مناره‌های اصفهان محسوب می‌شود. روی آن کتیبه‌های متعددی یافت می‌شود که با خطوطی زیبا نمایان شده‌اند. این مناره دارای دو تاج بسیار زیبا است که یکی از دیگری کوچک‌تر است و زیر هر دو تاج با مقرنس‌کاری‌های بسیار زیبا تزیین شده است. وجه تسمیه این مناره از آنجا گرفته شده است که در روزگاران قدیم که سیاحان با شتر به سیاحت می‌پرداختند، پس از گذر از سراب‌ها و امید و ناامیدی‌ها، با دیدن این مناره متوجه می‌شدند به ورودی شهر اصفهان رسیده‌اند. ساربان که معنی شتربان را می‌دهد، نام بسیار خوبی برای خدمات‌رسانی این میل به شتربانان محسوب می‌شود. آجرکاری‌های روی این مناره در نوع خود منحصربه‌فرد است: آجرچینی ساده، آجرچینی تزیینی، مقرنس‌های آجری و ترکیب آجر و کاشی‌های فیروزه‌ای تزیینات این مناره را شکل می‌دهند. مناره مسجد علی که یکی دیگر از زیباترین مناره‌های شهر اصفهان محسوب می‌شود، در دوره سلجوقی ساخته شده است. این مناره که ۵۱ و نیم متر ارتفاع دارد، با آجرکاری‌های متعدد تزیین شده و سر کوچه و ورودی مسجد قرار گرفته است. نه تنها این مناره، بلکه مناره‌های دیگر هم مسیرهایی جهت رسیدن به تاج خود دارند. این مسیرها به‌وسیله راه‌پله‌های مارپیچ در درون و مرکز مناره‌ها تعبیه شده‌اند. مدخل ورودی مناره مسجد علی درون مسجد قرار دارد. کاهش ارتفاع مناره از زمین به سمت تاج به خوبی به چشم می‌خورد. قطر این مناره روی زمین ۶ متر است که در آن ناحیه قطر جداره‌ها ۱ متر و ۴۵ سانتی‌متر است. این قطر در انتهای طبقه اول به ۲ متر و ۸۶ سانتی‌متر و ضخامت ۵۸ سانتی‌متر می‌رسد. در ارتفاع ۴۰ متری مناره قرنیزی بیرون زده و پس از آن قطر مناره کاهش می‌یابد. در مرکز و درون این مناره، ستونی قرار دارد که پلکان‌ها حول محور آن می‌چرخند. این مناره به‌وسیله پنج کتیبه مزین شده است؛ کتیبه اول در خط بام مسجد قرار گرفته که شعارهای مذهبی آجری روی زمینه‌ای گچی آن را شکل داده‌اند. کتیبه دوم خطوط گچی بر زمینه‌های شطرنجی، کتیبه سوم خط کوفی و کاشی فیروزه‌ای، کتیبه چهارم در زیر تاج مناره با جمله «الملک‌الله» و کتیبه پنجم با خط کوفی و کاشی فیروزه‌ای کلمه «لااله‌الاالله» را نمایان می‌سازند. تمامی این کتیبه‌ها در وصف کلمه «الله» است. شاید جهانیان اصفهان را با نام شهر گنبدهای فیروزه‌ای بشناسند؛ اما برای سیاحان و شتربانان کهن نصف جهان شهر مناره‌ها محسوب می‌شود.

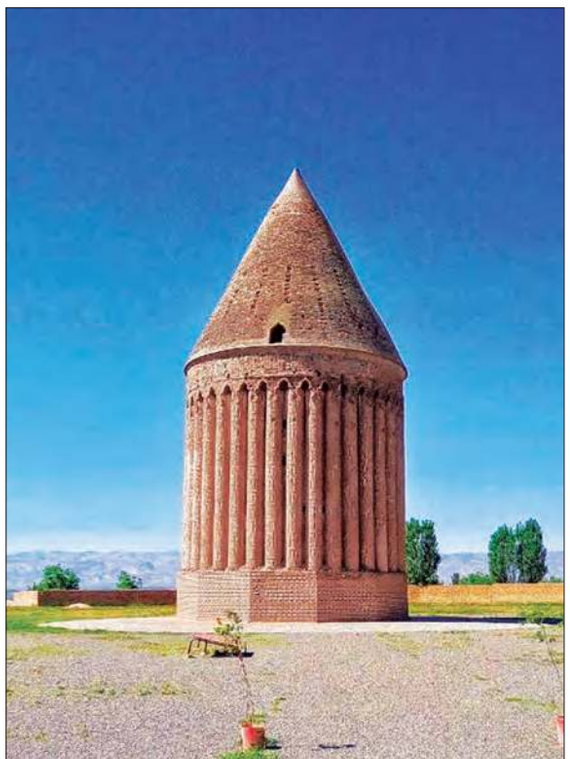

دیدبان گردشگری

ستاد کرونا ورود گردشگران خارجی را وتو کرده است؟

معاون گردشگری کشور قبلا اعلام کرده بود که با توافق اولیه کمیته‌های زیرمجموعه ستاد ملی کرونا، صدور ویزای ایران برای گردشگران خارجی از نیمه تیرماه ۱۴۰۰ از سر گرفته می‌شود؛ اما با گذشت یک ماه و نیم از زمان وعده داده شده، ستاد ملی مدیریت کرونا هنوز چنین مصوبه‌ای را صادر نکرده است.

گمان متولیان گردشگری بر این است که هم‌زمانی این تصمیم‌گیری با آغاز پیک‌های کرونا در کشور مانع از صدور این مصوبه بوده است؛ اما بنا بر اعلام وزارت امور خارجه، ویزای ایران از فروردین‌ماه ۱۳۹۹ برای گردشگران خارجی صادر نمی‌شود؛ این درحالی است که اتباع خارجی برای درمان، تحصیل، کار یا به صورت ترانزیت همچنان در تردد با ایران هستند و مانعی برای سفر ندارند؛ حتی این مسیر برای اتباع کشورهای همسایه که در مقاطعی وضعیتی مشابه با ایران به لحاظ شیوع ویروس کرونا داشته‌اند، باز بوده است. آمارهای گمرک نیز تأیید می‌کند سال گذشته با وجود محدودیت‌های صدور ویزا، ۵۱۲ هزار و ۶۹۹ نفر خارجی به ایران سفر کرده‌اند. معاون گردشگری نیز چندی پیش اعلام کرد که در سه ماهه نخست امسال، ۲۷ هزار گردشگر به انگیزه درمان به ایران سفر کرده‌اند. ولی تیموری، در این باره به ایسنا می‌گوید: حدود چهار ماه در مهم‌ترین کمیته‌های ستاد ملی کرونا، از جمله کمیته امنیتی، اجتماعی و انتظامی که نمایندگان دستگاه‌های مهم و مؤثر حضور دارند، درباره چگونگی ازسرگیری سفر گردشگران خارجی به ایران و صدور ویزای توریستی بحث کردیم و موافقت‌ها و تأییدها صادر شد. قرار بود مصوبه ستاد ملی کرونا برای تیرماه صادر شود؛ اما به نظر می‌رسد این طرح حذف یا وتو شده است.

مدیرکل بازاریابی و توسعه گردشگری خارجی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی نیز به ایسنا می‌گوید: در جلسه‌ای که در رابطه با صدور ویزای ایران در فرصت شش ماهه اکسپو دبی با وزارت امور خارجه برگزار شد، نمایندگان حاضر با کلیت طرح موافق بودند و نامه‌نگاری انجام شد تا مسئول ستاد اکسپو در ایران پیگیری‌های لازم را انجام دهد. امیدواریم با پیگیری‌های معاون اول رئیس جمهور این بار به نتیجه برسیم. لیلا اژدری بیان می‌کند: ما از ستاد ملی کرونا ناامید شده‌ایم؛ چراکه با وجود موافقت نمایندگان وزارت بهداشت، کشور، اطلاعات و امور خارجه با کلیت طرح ازسرگیری صدور ویزای ایران برای گردشگران خارجی و تأیید این طرح، در صحن ستاد کرونا که با حضور رئیس جمهور برگزار می‌شود، مصوبه صادر نمی‌شود.

اژدری اضافه می‌کند: تصور ما این است وقتی در کمیته‌های عالی ستاد ملی کرونا که معاونان و مسئولان اصلی حضور دارند و با طرحی موافقت می‌کنند، ستاد ملی کرونا مصوبه آن را حتما صادر خواهد کرد؛ چون قبلا نمایندگان همان دستگاه‌ها طرح را تأیید کرده و حتی نظرات مخالف و موافق را بیان کرده و به توافق رسیده‌اند. تعلل در صدور این مصوبه، به صنعت گردشگری آسیب زیادی وارد می‌کند. بسیاری از افرادی که در این صنعت شاغل هستند، جزو اقشار ضعیف جامعه‌اند که بیش از یک سال و نیم است بیکار شده‌اند و معیشتشان دچار چالش شده است.

دیدبان میراث

یونسکو خواستار حفظ آثار باستانی افغانستان شد

آدری آزولای، مدیرکل یونسکو، خواستار «حفظ میراث فرهنگی افغانستان با رعایت کامل قوانین بین‌المللی و اتخاذ کلیه اقدامات احتیاطی لازم برای حفظ و حفاظت از میراث فرهنگی در برابر آسیب و غارت» است. به گزارش مهر، در سال ۲۰۰۱ آن‌ها بوداهای بامیان را که در میراث جهانی یونسکو ثبت شده بود، تخریب کردند. نابودی بوداها با ارتفاع ۳۸ متر و ۵۵ متر و با قدمتی ۱۵۰۰ ساله واکنش جهانیان را برانگیخت و موجب محکومیت گسترده بین‌المللی این گروه افراطی شد. درعین‌حال، موزه ملی افغانستان از ایمنی اشیای تاریخی خود ابراز نگرانی کرده و خواستار حفاظت از آن‌ها در برابر غارت و قاچاق شده است. این موزه که مجموعه‌ای از ۸۰ هزار اثر باستانی را در خود جای داده است، روز شنبه در فیس‌بوک خود اعلام کرد: «تسخیر این کشور توسط طالبان منجر به "هرج و مرج بی‌سابقه" در کابل شده است و قاچاقچیان از این فرصت برای غارت اموال خصوصی و عمومی استفاده می‌کنند.»

در ادامه این بیانیه آمده است: «کارکنان موزه و اشیای تاریخی در امنیت به سر می‌برند؛ اما تداوم این وضعیت آشفته باعث افزایش نگرانی‌ها درباره امنیت کارکنان موزه و اشیای تاریخی آن می‌شود.»

تأسیس شهر هرات به حدود ۲۵۰۰ سال قبل بازمی‌گردد که ۱۵۰ سال پس از آن توسط اسکندر مقدونی تصرف شد. معماری باقی‌مانده آن نه تنها متعلق به آن دوره، بلکه متعلق به امپراتوری‌های عباسی، تیموری و غوری است که بیانگر فرهنگ عمیق و تاریخ کشور افغانستان است.

نیم‌نگاه

علامه محمدرضا حکیمی به عنوان فقیه، مجتهد شیعه، فیلسوف، متفکر و نویسنده شناخته می‌شود؛ مجاهدی خستگی‌ناشناس و مدافع آرمان‌ها و تعالیم مکتب وحی که زندگی‌اش در تبیین علمی مفهوم عدالت‌خواهی و مبارزه برای ستم‌زدایی از جوامع بشری سپری شد.

در جست‌وجوی عدالت

علامه حکیمی: سطح زندگی، چندان ارجمند نیست، اگر عمق آن، ارجمند نباشد

علامه محمدرضا حکیمی به عنوان فقیه، مجتهد شیعه، فیلسوف، متفکر و نویسنده شناخته می‌شود؛ مجاهدی خستگی‌ناشناس و مدافع آرمان‌ها و تعالیم مکتب وحی که زندگی‌اش در تبیین علمی مفهوم عدالت‌خواهی و مبارزه برای ستم‌زدایی از جوامع بشری سپری شد.

«روزی زاده می‌شویم و روزی می‌میریم. این، وجه مشترک همه انسان‌ها و بلکه همه کائنات است؛ اما زندگی راستین در سرنوشت جسم خاکی خلاصه نمی‌شود و سرشتی دیگر دارد.

در مطالعه احوال بزرگان، باید به این نکته، توجه داشت. هر انسانی را آغازی است و انجامی. کودکی و جوانی، میان‌سالی و پیری در زندگی همه بنی‌آدم تکرار می‌شود. این‌ها حیات ظاهری است و صورت زیستن. در ورای این سیر طبیعی، سلوک روحی هر شخص است که او را به کام مرگ ابدی می‌کشاند یا زندگی جاودانه می‌بخشد. هرچند حیات ظاهری و سلوک روحانی، ارتباطی متقابل دارند؛ لیکن اولی با مرگ جسم، متوقف می‌شود و دیگری، فناناپذیر است. سطح زندگی، چندان ارجمند نیست، اگر عمق آن، ارجمند نباشد.» این‌ها بخشی از نوشته محمدرضا حکیمی، فرزانه و حکیم نامدار خراسان است؛ فردی که امام خمینی (ره) او را «جناب مستطاب ثقة‌الاسلام» خطاب می‌کنند و رهبر معظم انقلاب او را دانشمندی جامع، ادیبی چیره‌دست، اندیشه‌ورزی نوآور و اسلام‌شناسی عدالت‌خواه می‌نامند.

روزی زاده می‌شویم و روزی می‌میریم. این، وجه مشترک همه انسان‌ها و بلکه همه کائنات است؛ اما زندگی راستین در سرنوشت جسم خاکی خلاصه نمی‌شود و سرشتی دیگر دارد

تولد و تحصیلات

محمدرضا حکیمی، فرزند حاج عبدالوهاب، در ۱۳۱۴ خورشیدی در مشهد چشم به جهان گشود. پس از گذراندن دوران دبستان به حوزه علمیه «نواب» وارد شد و در میان هم‌درسانِ خویش، خوش درخشید. به زودی در بسیاری از شاخه‌های علوم حوزوی و معارف دینی، «مرجع تحقیق» طلاب جوان و کثیری از دانشجویان و جوانان در بیرون از حوزه شد.

او از محضر عالمانی چون ادیب نیشابوری، آیت‌الله حاج سید محمدهادی میلانی، شیخ هاشم و شیخ مجتبی قزوینی، حاج میرزا احمد مدرس، شیخ غلامحسین محامی بادکوبه‌ای و... کسب علم کرد و با بزرگانی همچون علامه امینی، سید ابوالحسن حافظیان، شیخ علی‌اکبر الهیان و... مأنوس شد.

انس با محافل ادبی

حکیمی در بسیاری از محافل ادبی خراسان مانند انجمن ادبی قهرمان و فردوسی عضویت داشت.

او در ۲۳ سالگی از آقابزرگ طهرانی اجازه نقل حدیث گرفت. حکیمی از همان دوران، سری پرشور داشت و در راه تحقق عدالت مبارزه می‌کرد.

مهدی اخوان ثالث از دوستانش، او را «سربدار امروز خراسان» نامیده و شعری را در نخستین مجموعه انتشاریافته خود، با نام «ارغنون»، به او تقدیم کرده و مهرداد اوستا در وصفش سروده است: «در گلشن کلام «حکیمی» بین / آیات رشک حکمت یونان را».

او با شاعرانی چون غلامرضا قدسی، عماد خراسانی، امیری فیروزکوهی و شهریار همنشینی داشت و در ۱۳۴۹ خورشیدی و در بحبوحه عصر اختناق، با همکاری علامه سیدجعفر شهیدی، یادنامه علامه امینی، صاحب «الغدیر»، را منتشر کرد.

آثار و تألیف‌ها

آثار این استاد فرزانه را می‌توان به چند بخش دسته‌بندی کرد که به این شرح است:

* آثاری که در معرفی و شناساندن مکتب تفکیک نگاشته شده‌اند: همچون «مقام عقل، اجتهاد و تقلید در فلسفه، معاد جسمانی در حکمت متعالیه، الهیات الهی و الهیات بشری و مکتب تفکیک»؛
* آثاری که درزمینه روایات اهل‌بیت (ع) و ترجمه احادیث تألیف شده است؛ ازجمله دائره‌المعارف «الحیاة، گزارش و انذار»؛

* آثاری که شناساننده اسلام نجات‌بخش و آموزنده دستورهای فردی و اجتماعی این آیین آسمانی هستند؛ همچون «کلام جاودانه، خورشید مغرب، امام در عینیت جامعه، مرام جاودانه، جامعه‌سازی قرآنی، پیام جاودانه، ادبیات و تعهد در اسلام»؛
* آثاری که در تجلیل از زحمات و مجاهدات مفاخر اسلام نوشته شده و تصویرگر چهره روشنی‌بخش این رادمردان است؛ چونان «سپیده باوران، بیدارگران اقالیم قبله، حماسه غدیر، شیخ آقابزرگ، میرحامد حسین و شرف‌الدین»؛
* آثاری که مجموعه‌ای از مقالات او را دربرمی‌گیرد؛ مانند «عقل سرخ، آنجا که خورشید می‌وزد، نان و کتاب و عاشورا و غزه»؛ همچنین اشعار فارسی و عربی حکیمی را نیز می‌توان به این‌ها افزود.

امتناع از دریافت جایزه فارابی

این عالم و متفکر برجسته، در ۱۳۸۸ در جشنواره فارابی از دریافت جایزه خود امتناع کرد؛ سپس علل آن را در نامه‌ای تشریح کرد. او در توضیح دلایل خودداری از دریافت جایزه فارابی نوشت:

«باسمه الحکیم. اطلاع یافتم که به‌عنوان یکی از برگزیدگان جشنواره فارابی انتخاب شده‌ام. ضمن سپاسگزاری از اظهار لطف داوران، به استحضار می‌رساند که اینجانب در جشنواره‌ها حضور نمی‌یابد. در جشنواره اخیر نیز حضور نیافته و جایزه‌ای دریافت نکرده است. همان‌گونه که پیش‌تر هم یادآور شده‌ام، بار دیگر تأکید می‌کنم تا هنگامی که در جامعه ما فقر و محرومیت مرئی و نامرئی بیداد می‌کند، برگزاری چنین جشنواره‌هایی، از نظر اینجانب در اولویت نیست. در این جشنواره از فاضلان و استادانی، به نام خدمت ۵۰ ساله به علوم انسانی تجلیل شده است. پرسش این است: آیا این علوم برای ثبت در کتاب‌ها و در دنیای ذهنیت است یا برای خدمت به انسان و حفظ حقوق انسان و پاسداری از کرامت انسان است در واقعیت خارجی و عینیت؟ نصاب مقام انسان در معیشت و زندگی به منظور رشد متعالی، رسیدن به اقامه «قسط قرآنی» در حیات اقتصادی است (لیقوم الناس بالقسط) و برخوردار بودن انسان‌ها از حیثیت و کرامت و آزادی در حیات اجتماعی و سیاسی (ولقد کرمنا بنی آدم). آری، باید بکوشیم تا جامعه ما چنان نباشد که درباره‌اش بتوان گفت: "از دو مفهوم انسان و انسانیت، اولی در کوچه‌ها سرگردان است و دومی در کتاب‌ها!" محمدرضا حکیمی.»

زندگی شخصی

علامه حکیمی در الحیاة می‌گوید: «انسان ممکن است در دام دو اسارت گرفتار آید: نخست، اسارت کالاها و اشیا و اموری بیرون از حوزه وجود خود؛ چون مال، مقام و... و دیگر، خواسته‌ها و امیال درونی و خواهش‌های لذت‌طلبانه که انسان را اسیر خود می‌سازد و فرد در بند میل‌های خویش گرفتار می‌شود و زندانی شهوات و کاموری‌های درونی خویش می‌گردد... بندهای این دو اسارت (ظاهری و باطنی) اگر گسسته و دیوارهای این دو زندان اگر شکسته شد، خود انسانی انسان شکوفا می‌شود و ماهیت انسان زمینه ظهور و بروز می‌یابد و به تعالی و عروج می‌رسد....» (الحیاة، جلد ۷، ص ۲۰۳) براساس همین دیدگاه و نگرش، او در زندگی شخصی خویش نیز بر همین روال می‌زیست.

ارتحال

این فقیه شیعه با همه‌گیرشدن ویروس کرونا به این عارضه مبتلا شد. چند روزی بنا به تشخیص تیم پزشکی پس از دریافت دُز دوم واکسن کرونا در بیمارستان بستری بود. در ۱۰ تیر ۱۴۰۰ خورشیدی از بیمارستان مرخص شد؛ اما با شدت‌گرفتن بیماری این استاد فرزانه بار دیگر به بیمارستان منتقل و در بخش ICU بستری شد.

او همچنان دچار ضعف جسمی شدید بود؛ تا اینکه سرانجام حدود ساعت ۲۲ در ۳۱ مرداد ۱۴۰۰ خورشیدی چشم از جهان فروبست.

گفته‌اند وقتی حال او رو به وخامت نهاد، کاغذ و قلمی خواست و روی آن نوشت: السلام علی مولانا صاحب‌الزمان و لختی بعد با وخامت حالش به بخش مراقبت‌های ویژه رفت. او پس از بهبود نسبی و بازگشت به خانه به نزدیکان گفته بود که می‌داند از این بیماری سر سالم بیرون نخواهد گذاشت.

منابع: ایرنا، جام جم، الحیاة

کتاب‌شناسی

مروری بر مهم‌ترین آثار علامه حکیمی

الحیاة چه می‌گوید؟

معروف‌ترین اثر مرحوم علامه حکیمی الحیاة است؛ اما به جز الحیاة، تألیف‌های مهم دیگری نیز داشته است. تاکنون حدود پنجاه اثر از محمدرضا حکیمی منتشر شده است که ازجمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

منهای فقر، «الحیاة» پیرامون مسائل اسلامی با همکاری دو برادرش: محمد حکیمی و علی حکیمی (ترجمه به فارسی: احمد آرام)، خورشید مغرب، شیخ آقا بزرگ تهرانی، دانش مسلمین، بیدارگران اقالیم قبله، هویت صنفی روحانی، مکتب تفکیک، آنجا که خورشید می‌وزد، اجتهاد و تقلید در فلسفه، ادبیات و تعهد در اسلام، الهیات الهی و الهیات بشری (مدخل)، الهیات الهی و الهیات بشری (نظرها)، امام در عینیت جامعه، انذار، پیام جاودانه، جامعه‌سازی قرآنی، حماسه غدیر، سپیده باوران، سرود جهش‌ها، شرف‌الدین، عقل سرخ، فریاد روزها، قصد و عدم وقوع (نامه‌ها)، قیام جاودانه، گزارش (برگرفته از الحیاة)، کلام جاودانه، معاد جسمانی در حکمت متعالیه، مقام عقل، میرحامد حسین، نان و کتاب، یکصدوپنجاه سال تلاش خونین، عاشورا: مظلومیتی مضاعف، مرام جاودانه، علی (علیه‌السلام)، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، از زندگی تا ابدیت، ای آفتاب، عاشورا؛ عدالت، فاطمی‌ات، عاشورا؛ غزه، استغفار، سه یار خراسانی در انقلاب، امواج غدیر، نان و کتاب.

درباره الحیاة

الحیاة کتابی ۱۲ جلدی به زبان عربی، نوشته علامه محمدرضا حکیمی، و دو برادرش علی و محمد حکیمی است. آغاز نگارش این کتاب در سال ۱۳۵۳ ش بوده و آخرین جلد آن در سال ۱۳۹۴ ش منتشر شده است. هدف نویسندگان، ارائه سیمای اسلام و تشیع، بر محور عدالت اجتماعی و آزادگی فردی بوده و منبع اصلی خود را قرآن و حدیث دانسته‌اند. احمد آرام شش جلد اول را به فارسی ترجمه کرده است. به نوشته ویکی شیعه، نقدها و نظراتی درباره این کتاب منتشر شده است؛ رسول جعفریان، الحیاة را در جهت رهایی از التقاط‌های چپ و راست دانسته، ابراهیم فیاض آن را در ادامه نهضت پاکدینی و پالایش دین از اسلام تاریخی قلمداد کرده است. مؤلفان الحیاة در صفحات نخستین هر جلد آورده‌اند که این کتاب دائرة المعارفی اسلامی، علمی، پژوهشی است که روش زندگی فردی و اجتماعی آزاد و پیشرو را ترسیم می‌کند و انسان‌های سراسر جهان را به پی‌ریزی یک نظام مردمی شایسته فرامی‌خواند. بنا به نوشته مؤلفان، الحیاة سعی در ترسیم سیمای ویژه‌ای از اسلام و تشیع دارد؛ اسلامی که بر محور عدالت در اجتماع و آزادگی فرد می‌چرخد. در مجلدات نخستین، تلاش شده الگوهای عملی تبیین شود و جلدهای پایانی، بیشتر به دنبال تبیین مبانی نظری است. به گفته نویسندگان، تعالیم اسلام در الحیاة، بر پایه قرآن و حدیث گردآوری و تدوین شده است. به باور مولفان این کتاب، توجه الحیاة به چهار رکن عمده مذهب، انسان، زمان، و زندگی است و در این کتاب ۱۲ جلدی، از زاویه نگاه قرآن و سنت، به این چهار رکن پرداخته شده است.

چنانکه محمد حکیمی گفته است، وی پس از رهایی از زندان در دوره پهلوی، در سال ۱۳۵۳ ش، با سردرگمی و یأس از فضای سیاسی، نامه‌ای به برادرش محمدرضا حکیمی نوشته و از او پرسیده که «چه باید کرد؟»، محمدرضا حکیمی هم در پاسخ، از قصد خود برای تالیف کتابی خبر داده است که پس از آن با همکاری سه برادر و با مطالعه و جست‌وجو در بحارالانوار آغاز شد و کتاب‌های کافی، وسائل الشیعه، وافی، تُحَف العُقول و مستدرک هم مورد مطالعه قرار گرفت. به گفته محمد حکیمی، از ابتدا هم پیش‌بینی نویسندگان این بوده که کتاب مورد نظرشان مجلدات فراوانی خواهد داشت. از سال ۱۳۵۳ ش تا ۱۳۶۵ ش، شش جلد از این مجموعه آماده و منتشر شد. تألیف کتاب‌ها تا جلد ششم به صورت گروهی انجام شد، اما از جلد ششم به بعد، بیشترِ کارها فردی انجام شده است. به گفته محمد حکیمی، از نویسندگان کتاب الحیاة، هدف از تالیف کتاب، پاسخ دادن به دردهای بشر از نگاه اسلام بوده است؛ به ویژه در مسائلی مانند فقر، مالکیت، بیکاری و کارگری. او در همین زمینه از آشنایی نویسندگان با جواب‌های مکاتب فکری و اندیشمندان مختلف مانند مارکس هم سخن گفته است. به باور او، این کتاب، جهت‌گیری مکتبی قوی و مطابق با نیازهای انسان معاصر دارد. وی می‌گوید که راه نجات بشریت، همان راه الحیاة است که راه اسلام است. و باز محمد حکیمی گفته است که ایدئولوژی‌هایی که در فرهنگ دهه ۱۳۵۰ شمسی مورد توجه و مطالعه نسل جوان بوده، اصالت را به عمل می‌داده، نه شناخت و باور. بر همین اساس محمد حکیمی در پاورقی یکی از بحث‌های کتاب، اشاره‌ای به برخی مسائل شناخت از دیدگاه مکاتب معاصر می‌کند، اما محمدرضا حکیمی بیان این موارد را غیرلازم می‌داند و تنها به ذکر اینکه «به نوشته‌های غربی نیازی نداریم.»

پیام تسلیت

پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب در پی درگذشت علامه محمدرضا حکیمی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پیامی درگذشت عالم و متفکر برجسته جناب آقای محمدرضا حکیمی را تسلیت گفتند. متن پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم الله الرّحمن الرّحیم

با تأسف و تأثر خبر درگذشت عالم و متفکّر برجسته جناب آقای محمدرضا حکیمی قدّس الله نفسه را دریافت کردم. ایشان دانشمندی جامع، و ادیبی چیره‌دست، و اندیشه‌ورزی نوآور، و اسلام‌شناسی عدالت‌خواه بودند. ایشان عمر را فارغ از آرایه‌ها و پیرایه‌های مادی، در خدمت معارف والای قرآن و سنّت گذرانده و آثاری ارزشمند از خود به جا نهادند. بهره‌گیری از محضر پرفیض و نفس گرم استادان معرفت و معنویت در مشهد مقدس، ذخیره‌ای از توکل و تعبّد و غنای نفس در دل و جان این شخصیت عزیز به جا نهاده بود که تا آخر عمر با برکتش وی را استوار می‌داشت.

این جانب فقدان اندوهبار این رفیق دیرین را به خاندان مکرّم حکیمی و بازماندگان به‌ویژه برادر بزرگوار ایشان و نیز به همهٔ دوستان و علاقمندان آن مرحوم تسلیت عرض می‌کنم و رحمت و مغفرت الهی را برای وی مسألت می‌نمایم.

سیّدعلی خامنه‌ای

۱ شهریور ۱۴۰۰

یادداشت

در ستایش آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهی

تأملاتی درباره علامه محمدرضا حکیمی

محمود فروزبخش
نویسنده

کسانی که به جریان اندیشه در حرکت نظام اسلامی یاری می‌رسانند، دو دسته هستند؛ کسانی که مشخصا درون این حرکت قرار گرفته‌اند و معیار خوبی یا بدی اقدامات خود را مشخصا اهداف نظام اسلامی دانند، دسته دوم عالمان و متفکرانی هستند که حرکت شخصی خود را بیرون از حرکت نظام اسلامی تعریف کرده‌اند، اما به واسطه نوع حضور اندیشه و درخشش معرفتی آنان به طور غیرمستقیم نظام اسلامی از آنان بهره می‌برد. استاد محمدرضا حکیمی از دسته دوم بود. محمدرضا حکیمی را چه از حیث نظر و چه در زندگانی عملی بی‌شک باید از آرمان‌گرایان و عدالت‌خواهان به حساب آورد. او در تمامی عمر خود به آرمان عدالت اشاره داشت و ذره‌ای در این خوانش در زبان و قلم کوتاه نیامد. او توانست آثار زیادی در این زمینه تنظیم کند که مشهورترین آنان الحیاة بود.

مؤلفان الحیاة در صفحات نخستین هر جلد آورده‌اند که این کتاب دائرة‌المعارفی اسلامی، علمی، پژوهشی است که روش زندگی فردی و اجتماعی آزاد و پیشرو را ترسیم می‌کند و انسان‌های سراسر جهان را به پی‌ریزی یک نظام مردمی شایسته فرامی‌خواند. حکیمی در آثارش به حقیقت‌گرایی اشاره دارد و کمتر متوجه واقعیات می‌شود. او متفکری است که با تمام وجود، قله را نشان می‌دهد. در کتاب‌هایش از سیمای اجتماعی صحبت می‌کند که در فقر، فساد و تبعیض نیست و در این راه در عمر با برکتش توانست، منظومه‌ای را فراهم سازد.

کسانی که روی آرمان‌ها از جمله عدالت اجتماعی پافشاری دارند و به صورت مشخص حرکت تدریجی، ساختاریافته و نظام‌مندی برای رسیدن به این هدف ارائه نمی‌دهند، در طول زمان به کسانی تبدیل می‌شوند که برای رسیدن به آن هدف والا قصد پرش دارند. برای همین در کلام آنان «باید» بسیار دیده می‌شود. آن‌ها می‌توانند احادیثی از اهل بیت (ع) را مدنظر قرار دهند و مدام جامعه فعلی را با آن بسنجند. برای مثال می‌توانند عهدنامه مالک اشتر را معیار قرار دهند و ما را متوجه اختلافمان با آن کنند. حال به همان تقسیم‌بندی اول کار می‌رویم. آنان که شخصیت و تفکر خود را در راستای ماجرای نظام اسلامی تعریف کرده‌اند و در آن چهارچوب قرار گرفته‌اند، معیار موفقیتشان یک چیز است و آن هم بیان مطالبی که بتواند جامعه را به سمت اهداف عالی جلو ببرد. اما کسانی که با فاصله و از دور در مورد کلیت عدالت صحبت می‌کنند، الزامی ندارند که وارد جزئیات شوند و برای مثال به طور مستقیم حکومت را یاری نمایند که دقیقا چه کار باید بکند. آن‌ها مانند خورشیدی هستند و حرارت می‌دهند و یا مانند ستاره‌ای در شب که راه گم نشود. حتما و حتما باید باشند کسانی که از جنس خالص صحبت کنند. جنسی که امروز کمیاب است. رسالت آن‌ها این است که هیچ‌گاه نباید جنس اعلا را کمتر از حد خود برای مخاطبانشان ترسیم کنند. قله باید قله بماند و انسان باید همیشه آرمان‌گرا باشد. این جایگاهی است که حکیمی برای نظام جمهوری اسلامی دارد و لو آنکه در این سال‌ها به یاری و مدد چنین نظام و حکومتی نیامده باشد. اما باید بدانیم که حکیمی با بیرون نگه داشتن خود از ماجرا و تأکید بر عدالت و تلاش منظومه‌وار برای تشریح عدالت اقتصادی، خدماتش را انجام داده است. برخی دیگر می‌گویند که حکیمی منتقد الهیات صدرایی بود و آن را بشری می‌نامید حال آنکه بزرگان انقلاب اسلامی این گونه نیستند. در این باره هم باید بگوییم هر گفتمانی که بدون غرض باشد و خالصانه به میدان بیاید و طرفین درگیر را به فکر کردن وادار کند، مفید است و آن را هم در بلندمدت می‌توان در راستای حرکت نظام سازی دید، هرچند که گروه‌های درگیر در آن ابدا چنین نظری نداشته باشند، اما این فرایندی است که به صورت طبیعی رخ می‌دهد. در پایان یادآور می‌شویم که لازم است کسانی همواره از بیرون ماجرا، جنس اصل را دنبال کنند و تذکرات آنان در قالب بیانات معرفتی در رفت‌وآمدهای علمی رایج باشد. ممکن است نگاه ایدئولوژیک با تصلب خود به میدان بیاید و بخواهد همه را به یک خط کند. این دقیقا همان زنگ خطری است که متفکران اصیل، آزاداندیش و نوآور را به حاشیه می‌برد. نمی‌توان همه اندیشمندانمان را به دادگاه انقلاب ببریم و از آن‌ها بپرسیم که مشخصا برای نظام سازی و پیشبرد اهداف عالی حکومت چه کرده‌اید؟ متفکر همیشه متفکر است و فضای آزادی می‌خواهد که برای ساختن جامعه آرمانی خود در آن بیندیشد و از گرمای حرارت اندیشه او، اطرافیان نیز گرم شوند.

اصفهان زیبا

* تریبون اصفهانی صبح ایران *

اصفهان، میدان امام حسین علیه‌السلام
خیابان طالقانی، مقابل ارگ جهان‌نما
تلفن ۳۲۲۱۸۱۸۲
فکس ۳۲۲۱۹۰۷۰
حرف مردم ۱۰۰۰۳۱۳۲۲۱۸۱۸۲
امور آگهی‌ها ۳۲۲۲۹۵۱۲
اشتراک ۹۵۰۱۲۰۴۱

صاحب امتیاز شرکت فرهنگی هنری مطبوعاتی پیام اصفهان زیبا
مدیرمسئول قدرت‌اله نوروزی مدیرعامل و سردبیر امیر طاهری

شورای سردبیری امیر طاهری، محسن حیدری‌فرد، عاطفه صفری، محمدحسن لطیفی، زهراسادات ماهری، امیر محزونیه
مدیر گروه بازرگانی نازنین شیخ‌صراف مسئول روابط عمومی حسین نخجوان‌نیا

دبیران سرویس زینب تاج‌الدین (جامعه)، کمند چوبینه (سیاست)، نفیسه حاجاتی (میراث و گردشگری)، مریم قدسیه (فرهنگ و هنر)، زهره قندهاری (مدیریت شهری)، مهری مصور (ورزش)، حمیدرضا نیکومرام (عکس)، امیرحسین واعظ (اقتصاد و بورس)

روزنامه اصفهان زیبا ارگان رسمی شهرداری اصفهان است که ضمن تحلیل رویدادهای شهری، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به اطلاع رسانی حرفه ای به همه مخاطبان فارغ از دسته بندی‌ها مقید است و بازتاب دیدگاه های مختلف را رسالت خود می‌داند. مطالب مندرج در این روزنامه الزاما دیدگاه رسمی شهرداری اصفهان نیست، بلکه در راستای تحقق شعار «دانستن حق شهروندان است» به انتشار خبرها و گزارش های محلی و ملی می‌پردازد.

سال هفدهم | شماره ۴۰۹۶ | سه‌شنبه ۲ شهریور ۱۴۰۰

isfahanziba.com * isftimes.ir ISFAHAN-E-ZIBA NEWSPAPER gardeshgarmag.com * hammahale.com

گفت و گو

تأثیر مد بر فرهنگ اسلامی-۱

گفت‌وگو با مرتضی مساح، استاد دانشگاه آزاد اسلامی (خوراسگان)

عاطفه راعی
خبرنگار

پدیده مد، یکی از دستاوردهای دنیای مدرن است. مواجهه با این پدیده، ظرافت ها و پیچیدگی های خاص خود را دارد. در این باره، گفت‌وگو کرده ایم با صاحب نظران و استادان این حوزه. گفت‌وگوی پیش رو، با مرتضی مساح است؛ استاد دانشگاه آزاد اسلامی.

ایرانی ها چقدر درگیر مد هستند؟

اگر در جامعه امروز دقت کنیم، می بینیم همه دنبال مد هستند؛ اما در خانم ها و نسل جوان این پدیده پررنگ‌تر دیده می‌شود. از دوره پیش از اسلام تاکنون، ایرانی ها در رابطه با ظاهر در سطح بین‌الملل حرف برای گفتن داشتند و دارند.

چه شد که حجاب و پوشش اسلامی وارد دنیای مد شد؟

تبادل فرهنگی در ایران چه در صادرات و چه در واردات وجود دارد. در تاریخ کشورمان نباید از این موضوع غافل بود که ایرانیان به دلیل تعاملات بین‌المللی که داشتند، جامعه‌ای زنده را تشکیل می‌دادند. در دوره بعد از اسلام، گونهٔ جدیدی برای پوشش زن و مرد درست شد. دیدگاه های عقیدتی، مکملی بر تمدن ایرانی پیشنهاد داد که چون ایرانی ها شخصیت های باعفت و حیا و شیک‌پوشی در تاریخ بودند، از حجاب اسلامی استقبال کردند.

چند درصد جامعه ما به سمت مد اسلامی رفته اند؟

درصدی نمی‌توانم اعمال کنم؛ چون یک کار تحقیقی پژوهشی است. آنچه که می‌توانم با اطمینان بگویم، این است که ما دست‌کم در چهل و چند سال پیش یک برنامه دقیق و پیوسته فرهنگی ارزشمندی برای مد اسلامی ترتیب ندادیم.

نظرتان در مورد مدگرایی اسلامی چیست؟

مدگرایی اسلامی جزو یکی از مدهایی است که به خصوص از دوران صفویه به بعد جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ کشور پیدا کرد. به دلیل خصلت‌های فردگرایی و نوع تفکر ایرانی، شکل‌گیری مد به بعد از اسلام برمی‌گردد و مورد توجه شهروندان تمدن اسلامی بوده است.

چه کنیم تا بتوانیم مدگرایی را به سمت مثبت سوق دهیم؟

چند کار باید در چندجبهه هم‌زمان انجان بشود تا بتوانیم مدگرایی را به سمت اسلام سوق دهیم. اول اینکه سیاست کلان کشور باید در حمایت از فرهنگ ایرانی-اسلامی باشد. یعنی در سطح کلان کشور سیاست هایی اتخاذ شود که شهروند ایرانی انگیزه‌ای برای حرکت به سمت مدگرایی اسلامی پیدا کند. در بخش فرهنگی هم نیاز به برنامه‌ریزی های بزرگ داریم؛ مثل انواع همایش ها و اقسام برنامه های مدرن نمایش مد اسلامی و ایرانی، انواع و اقسام سمینارهای علمی در ارتباط با اینکه اصلا مد و مدگرایی، مد اسلامی و ایرانی چیست و شهروندان چگونه می‌توانند استفاده بکنند یا اینکه چه تأثیری بر ایجاد شخصیت متعالی ایرانی دارد یا می‌تواند در بخش فرهنگی تأثیرگذار باشد. در بخش اقتصادی هم بی‌گمان توجه به ارائه مدهای باکیفیت و ارزان با دسترسی آسان مردم به مدهای اسلامی با قیمت‌های مناسب می‌تواند مدگرایی را به سمت مثبت سوق دهد. در مجموع باید هم در عرصه سیاسی هم در عرصه فرهنگی و هم در عرصه اقتصادی اقداماتی هم‌زمان انجام بشود تا بتوانیم این حرکت مثبت را شاهد باشیم.

مدگرایی اسلامی در حال حاضر در چه وضعیتی است؟

با توجه به اینکه به یک نوع ولنگاری و وادادگی فرهنگی دچار هستیم، به خصوص در این سال های اخیر، بی‌گمان خطر بزرگی مد اسلامی را تهدید می‌کند. علتش هم واضح هست؛ چون دنبال تعامل فرهنگی با فرهنگ های خُرد و کلان کل دنیا هستیم؛ بنابراین فرهنگ در خلأ نیست، سیال هست و اگر خلأ فرهنگی به وجود آید بلافاصله با دیگر فرهنگ ها پر می‌شود. ما چون هیچ برنامه فرهنگی مدگرایانه ایرای-اسلامی نداریم، بنابراین دیگر فرهنگ ها این خلأ را با سرعت پوشش می‌دهند و به همین علت خطر زیادی در کشور احساس می‌شود.

چگونه می‌شود مردم را به پوشش مد اسلامی سوق داد؟

اینکه یک استاد بتواند به تنهایی چنین کاری را انجام دهد در حد ظرفیت یک شخص به عنوان یک نخبه می‌تواند مؤثر باشد. اگر عناوین درسی مرتبط باشد خیلی می‌تواند کمک کند یا اگر استادهایی در رشته هایی غیر از علوم انسانی و غیرمرتبط با رشته های فرهنگی، ابراز عقیده کنند و یا چشم اندازهای تاریخی‌مان را برای اطرافیان و دانشجویان مطرح کنند بسیار تأثیرگذار است. اما تأثیر کلان را باید در سیاست‌گذاری اقتصادی، فرهنگی و سیاسی انجام دهند.

درمورد مدگرایی اسلامی به مردم پیشنهادی دهید.

باید اتاق فکری تخصصی درمورد مدگرایی اسلامی و مدگرایی تعریف بشود. علاوه‌براین، اگر دیدند بخش‌های دولتی به‌تنهایی جواب نمی‌دهد، باید در هر کاری از بخش‌های خصوصی و همچنین از نخبگان فرهنگی کمک گرفته شود. درمجموع با یک حرکت منسجم و ملی می‌توان اقدامات مؤثری را عملی کرد.

عکس روز

عکس از فاطمه صفری

زندگی نوشت

کمال نفس در اوج‌گیری روح است

انسان در دو حال ممکن است خدا را بخواند: یکی، در وقتی که دچار سختی و اضطرار شود و یکی، در وقتی که روح خودش اوج بگیرد و خود خویشتن را از اسباب و علل منقطع کند. در حال اضطرار و انقطاع اسباب، انسان خود به خود به طرف خدا می‌رود، احتیاج به دعوت ندارد و البته این کمالی برای نفس انسان نیست. کمال نفس در این است که خودش خود را منقطع سازد و اوج بگیرد.

استاد شهید مرتضی مطهری

داستان

همسایه ما

مرضیه گرجی
نویسنده

چه کسی گفته است که این روزها همسایه از همسایه خبر ندارد؟ هنوز هم همسایه ها از هم با خبرند. من به شما می گویم نه تنها از حال همسایه بالایی‌مان، آقای یقینی که مرد تنهایی است، با خبرم بلکه می‌دانم او چه زمانی مهمانی می‌گیرد، یا اینکه چه زمان‌هایی می‌خوابد، یا چند نوبت در هفته بیرون می‌رود و یا در خانه تنهاست. در طول مدت یک شبانه‌روز، از روی کارهایی که می‌کند آگاه می‌شوم که آیا زنده است نه. در ابتدای صبح از صدای تالاپ تولوپ راه رفتنش می‌فهمم که چه ساعاتی بیدار می‌شود چه زمان از خانه بیرون می‌رود، چه زمان برمی‌گردد و چه ساعتی از شب می‌خوابد.

مهمانی های فراوانی که می‌گیرد و شنیدن صدای جیغ و فریاد بچه ها و قهقهه خودشان از کانال کولر حاکی از آن است که آقای یقینی بسیار اهل بریز و بپاش و مهمانی گرفتن و همینطور عاشق سبک موسیقی جاز است. در حقیقت من مانند رمال ها زیر و بم همسایهٔ بالایی خود را بیرون می‌کشم، با این تفاوت که رمال با کمال میل و با گرفتن پول آن هم به مدت فقط چند دقیقه به مشتری خود می‌پردازد، ولی من به مدت چند سال باقیمانده زندگی‌ام، بی هیچ مواجبی و بدون داشتن اختیار در این بازی رمالی شرکت می‌کنم.

ای کاش همه خانه ها مانند خانه پدری‌ام بود با آن حیاط بزرگ و آن باغچه گلدار، به روح آدم صفایی می‌داد. در آنجا طور دیگر از حال همسایه خود با خبر بودیم. مثلا زن همسایه بغلی‌مان سری می‌زد به مادرمان و دو پیاز از مادرمان قرض می‌گرفت یا مادرمان مدتی بعد چند عدد گوجه از او می‌گرفت و در این میان احوال پرسی ها فراموش نمی‌شد.

در این فکرم که همسایه پایینی‌مان با این اوصاف چقدر از من شناخت دارد.

جدول

نادر رفیعی

افقی

۱- بمان - جرقه آتش - نام پسرانه
۲- رودی در فرانسه - گوهری سبز رنگ - نت ششم موسیقی - بورس درهم
۳- گناه - ابزار هندسی - ترسیده
۴- بیماری تنفسی - از مناطق کشور انگلستان - بندگی
۵- ریشه درخت خرما - تمرد
۶- مجموعه پلات های مختلف - تو مردی - زدنی آدم بهانه‌گیر
۷- پوشیده نگه‌داشتن - حس بویایی - همراه چفت
۸- ایوانان مایه عبرت است که در عراق قرار دارد - از بازیکنان اسبق تیم پورتو
۹- لشکر - حرف انتخاب - مرطوب
۱۰- مادر عرب - وسیع و پهن - گل سرخ
۱۱- آب پس‌دادن ظرف - جمع آسمان
۱۲- مقیاس طول - سوا - خشمگین
۱۳- هابیل درهم - آهنین - هامون
۱۴- شهره آفاق است - رده - واحد پول نروژ - شن وارونه
۱۵- جانوری شبیه سوسمار - استواری - ترسناک

عمودی

۱- تیز و قاطع - خاشاک - بزرگی - کشک
۲- پاشیدن - غذای ظهر
۳- من و تو - هم نام - آرزو
۴- افاده - تسمه عقب پالان - ظاهرشونده
۵- بی خطر - خوردنی تابستان - لکه سفید روی ناخن
۶- بیماری زردی - شهر تاج محل - ریختن آب
۷- وسیله کشاورزی - آغوز - استوارساختن - ترمیم فرش
۸- تکیه دادن - شترمرغ امریکایی
۹- هنگامه - نام ترکی - چشم درد - قطره باران
۱۰- گام بی ته - انبوه - شهر اصفهان
۱۱- ناسیونال - پیکارکننده - برنامه ورزشی
۱۲- کوزه پرآب - زگیل - عدد منفی
۱۳- یک چهارم - رقیبان - رایحه
۱۴- اضطراری - سربلندان
۱۵- پیش‌تر - از حروف اضافه - همنشین گنده - نماز واپسین

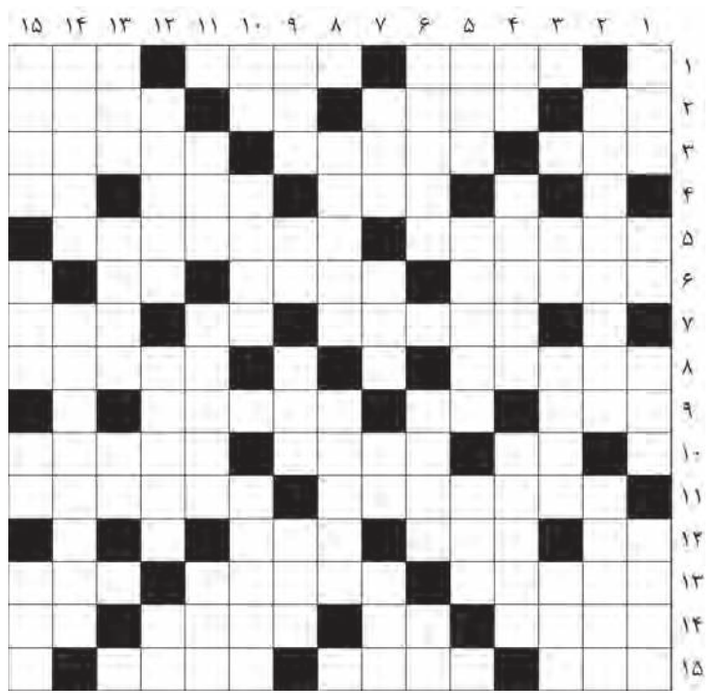

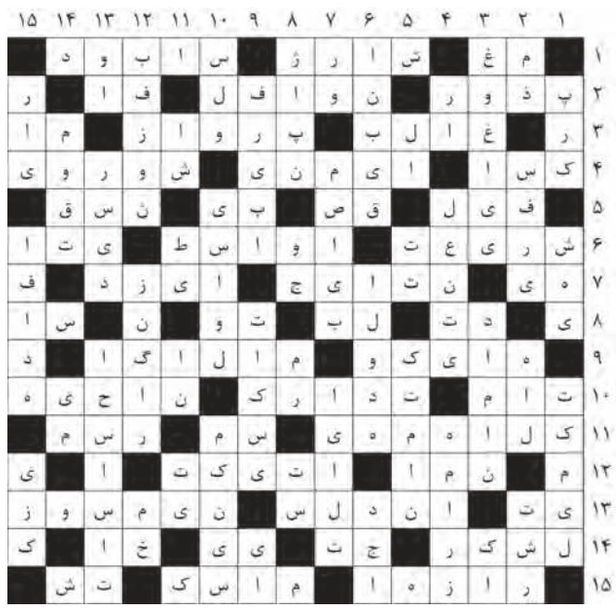

حل جدول شماره ۴۰۹۵

فناوری

جمع‌آوری خودروهای برقی جنرال موتورز

شرکت جنرال موتورز از جمع‌آوری تمامی خودروهای برقی بولت خود به علت امکان وقوع آتش سوزی در باتری آن‌ها خبر داده است. این روند در سراسر جهان اجرا می‌شود.

پیش از این، در نوامبر سال ۲۰۲۰ شرکت جنرال موتورز بیش از ۶۸ هزار خودروی برقی شورولت بولت برقی خود را جمع‌آوری کرده بود. علت این امر آتش‌سوزی باتری ۵ دستگاه از این خودروها از سال ۲۰۱۷ تا سال ۲۰۱۹ بود.

در دور جدید فراخوان تمامی این خودروها که در سال های مختلف تولید شده‌اند، از اولین مدل تا آخرین مدل بررسی خواهند شد. بنابراین در فراخوان تازه ۷۳ هزار خودروی جدید در کنار مدل های قبلی بررسی می شوند.

جنرال موتورز در بررسی های قبلی خود از شناسایی یک نقص فنی در باتری های تولیدی کارخانه شیمیایی ال جی در کره جنوبی خبر داده بود که مسئولیت تولید باتری های خودروهای این شرکت را بر عهده دارد. این شرکت قصد دارد بررسی مدل های تازه را بعد از پایان بررسی‌های مدل های سال ۲۰۱۹ به قبل آغاز کند. تا به حال در مجموع ۱۰ مورد آتش‌سوزی باتری‌های خودروهای برقی بولت شناسایی شده است.

جنرال موتورز برای جلب رضایت و اطمینان خریداران خودروهای برقی بولت تصریح کرده که تولیدات جدید خود را با هشت سال یا صد هزار مایل ضمانت عرضه می‌کند. این شرکت به خریداران خودروهای بولت خود توصیه کرده تا زمان بازدید از باتری‌های مذکور حداکثر ۹۰ درصد از ظرفیت آن‌ها را شارژ کنند و خودروی خود را در محیط باز پارک کنند.

Instagram | Esfzibanews
Telegram | @Esfzibanews

پابه‌پای اصفهان

پرونده‌ای برای حشمت‌الله انتخابی، فعال فرهنگی اجتماعی، محیط‌زیست و مدیرعامل نشر نقش مانا

۲ و ۳

برای تماشای فیلم مربوط به این خبر، بارکد را اسکن کنید.

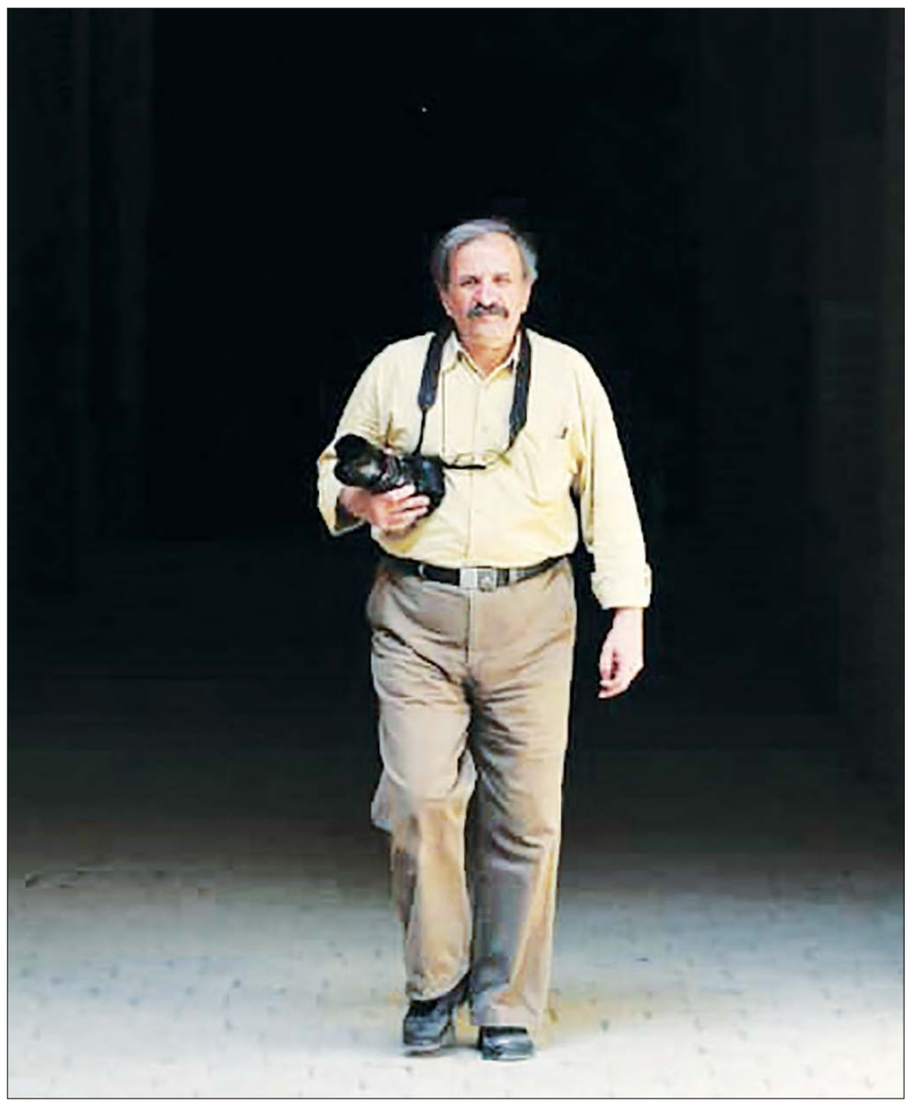

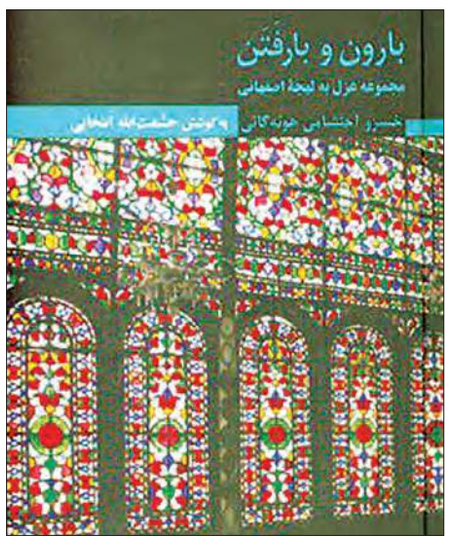

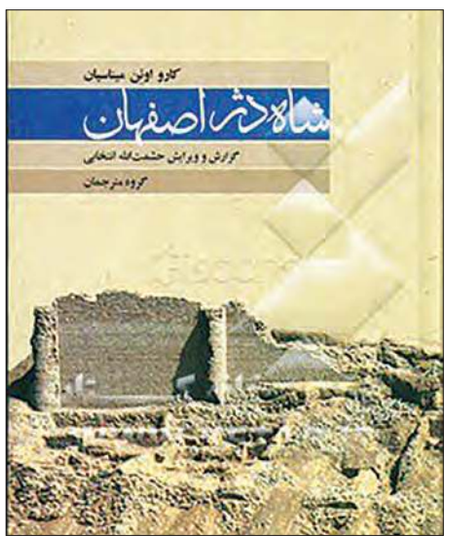

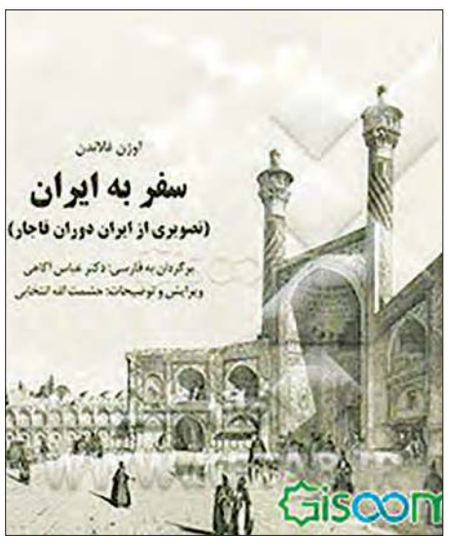

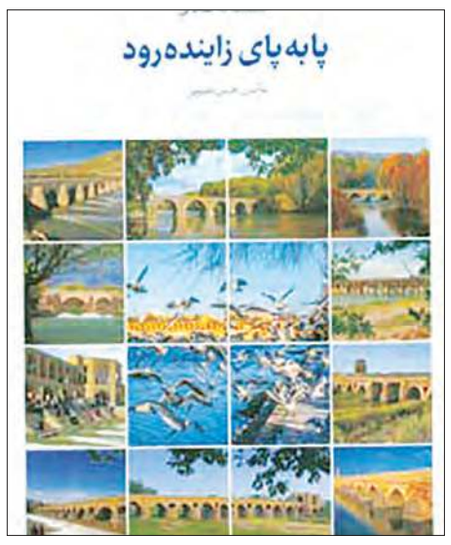

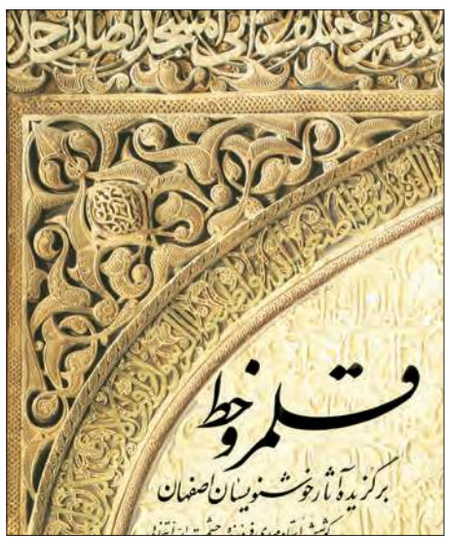

پا به پای

گفت‌وگو با حشمت‌الله انتخابی، فعال فرهنگی اجت

مریم قدسیه
دبیر خانه روشنان

قصه‌هایش تمامی ندارد. جمله‌ای می‌گویم؛ حتی کلمه‌ای، سرریز خاطره‌ای می‌شود و زمان و مکان به طرزی غریب در محضرش بی‌معنی. نقل‌ها دارد که بگوید؛ از تجربه پذیرش اولین مسئولیت‌های اجتماعی به یمن فعالیت در رسد پیشاهنگی تا کشف لذت انجام اولین کمک داوطلبانه در ۱۴ سالگی در زلزله گناباد و نخستین مسافرت مستقل عمرش.

از آمدن «پا به پای زاینده رود» که اول بار هوایش در نوجوانی طوری افتاد توی سرش تا موتورسیکلت پدر را بردارد و تک و تنها بزند به دل جاده، فقط برای اینکه بفهمد گاوخونی کجاست؟ و اولین جرقه‌های دل سپردن به کتاب با الکساندر دوما و سه تفنگدارش تا پناه بردن به کتابخانه فرهنگ در ضلع جنوب غربی مدرسه چهارباغ در دهه ۴۰ و زندگی در هوای صمد بهرنگی و علی اشرف درویشیان و بعدها چشیدن طعم کتابداری روستایی.

از سال‌های دوری از کتاب به اجبار زمانه و دوباره پیوستن به آن با نقشی که ماناست. از عهدی که با طبیعت در دلِ بست و به جمعیت طبیعت یاران رسید و داستان دوستی‌اش با دوستداران اصفهان تا لذت همراهی و کمک به دوستداران ادبیات کودک و نوجوان، دوستداران زاینده‌رود و دیگر عاشقان اصفهان....

در آستانه گفت‌وگویی که فقط به گواه زمان طولانی است و خستگی در آن بی‌معنی، تکه‌ای از پیشگفتار کتاب «قلمرو خط» را که در سال ۸۷ منتشر کرده می‌خواند: «من اما عاشق‌تر از او در تمام عمر ندیده‌ام... این عبارتی است که استاد منوچهر قدسی در توصیف شادروان عباس بهشتیان. که همه عمر را بی‌هیچ مزد و منتی صرف شناختن و شناساندن اصفهان کرده بود. در مقدمه کتاب «بخشی از گنجینه آثار ملی» به‌کاربرده بود. من امروز ادای دین می‌کنم و آن را به زنده‌یاد منوچهر قدسی برمی‌گردانم. من اما عاشق‌تر از او در تمام عمر ندیده‌ام....» حشمت‌الله انتخابی با صدایی آرام و شوقی در چشمان این سطرها را برایم می‌خواند و حالا وقتی من سیاهه فعالیت‌ها، شمار متنوع کارها و شرح عشق‌بازی‌هایش با اصفهان را دوره می‌کنم دلم می‌خواهد جسارت کنم و به رسم ادای دین به او و فعالیت‌های خودجوش، چندوجهی و داوطلبانه‌اش این عبارت را به او برگردانم: «من اما عاشق‌تر از او در تمام عمر ندیدم.»

مردی با قصه‌ها و غصه‌های ناتمام و رنج‌ها بردل به کام اصفهان که حالا داستان‌های شنیدنی شهرم را در سینه دارد؛ گاهی که تلخی ناگزیر به کلامش می‌آید مکثی می‌کند، دستی در موها می‌کشد و صدایش اندکی بالا می‌رود، اما نقل‌هایش همچنان شیرین است و چنان با شوق از اصفهان و رؤیای انجام کاری برای آن می‌گوید که باورم می‌آید «آیین چراغ خاموشی نیست.»[1] بخش‌هایی از گفت‌وگوی ما را با این ناشر مستقل و فعال و کنشگر فرهنگی اجتماعی پرکار و چندسویه اصفهان بخوانید.

از خودتان بگویید. کی و کجا متولد شدید و کودکی‌تان چطور گذشت؟

حشمت‌الله هستم فرزند شاه‌بیگم و سیف‌اله هر دو اهل روستای اسماعیل‌ترخان مبارکه؛ محل تولد بروجن به تاریخ اول فروردین ۱۳۳۳ در اتاق رو به آفتاب خانه صاحب‌جان کنار چشمه خینی. از بروجن چیزی در خاطر ندارم. کهن‌ترین خاطراتم مربوط به ۴-۳ سالگی از خانه نوسازمان در سه راه حکیم نظامی محله علی‌آباد است، که همیشه نامش تحت‌الشعاع محله حسین‌آباد بوده است. در مورد نام خانوادگی، آن چنان که عموی بزرگم می‌گفت: حدود سال ۱۳۰۸ مأمور ثبت احوال به روستای پدری ما می‌آید و درحالی‌که روی تشکچه کنار منقل درخانه کدخدا نشسته بوده و مردان بزرگ فامیل و خانواده‌های متعدد برای گرفتن شناسنامه آمده بودند، از پدربزرگم می‌پرسد لقب شما را چه بنویسم؟ پدربزرگم که موضوع را خیلی جدی نمی‌گرفته می‌گوید یک چیز انتخابی بنویسید و آن مرد هم که انگار سرش حسابی داغ بوده می‌نویسد: «انتخابی» و همین باعث شد که ما انتخابی بشویم.

ریشه‌های علاقه‌مندی به کتاب از کجا در شما شکل گرفت؟

در دبستان تمام معلم‌هایم برایم یکسان نبودند. معلم کلاس اولمان مرحوم صلاحی خودش خوشنویس بود و در ضلع جنوبِ شرقی میدان جلفا مغازه داشت. او روی خط من اثر گذاشت که نسبتا خوش خط باشم. معلم کلاس چهارم آقای معمارمرد روشن‌بینی بود، مرا به کتاب و روزنامه خواندن علاقه‌مند کرد. کلاس چهارم بودیم که آبونمان یک مجله شدیم. قیمتش ۵ ریال بود، ولی ما برای ۶ ماه با ۱۰ تومان آبونه می‌شدیم.

از همان زمان هم تقریبا به کتاب خواندن علاقه‌مند شده بودم. در مدرسه کتابخانه نداشتیم، ولی من با رمان و داستانِ بلند، با پاورقی‌های همان مجله آشنا شدم. یکی از قدیمی‌ترین پاورقی‌ها، پاورقی «گُرد امیرخیز» بود درباره ستارخان قهرمان مشروطه که باعث شد من آرام‌آرام به کتاب و به‌ویژه تاریخ بیشتر علاقه‌مند شوم. یادم هست همان سال‌ها یعنی کلاس پنجم و ششم کتاب‌های «شاهنامه»، «اسکندرنامه»، «امیرارسلان» و حتی «سه تفنگدار» اثر الکساندر دوما را که از کتاب‌های پدرم بود، خواندم. اگرچه چیز زیادی از آن نمی‌فهمیدم، ولی می‌خواندم. به خواندن معتاد شده بودم. یک بار تابستان خانه خاله مادرم که پسرش معلم و روزنامه‌خوان بود، طاقچه‌پوششان که روزنامه تاشده بود و رویش چرخ خیاطی قرار داشت، توجهم را جلب کرد، یواشکی چرخ را برداشتم و نشستم تا ظهر روزنامه را خواندم و دوباره چرخ خیاطی یا چراغ لامپا را سرجایش گذاشتم.

طبیعت و طبیعت‌دوستی چطور در شما ایجاد شد؟

من از نوجوانی به طبیعت علاقه داشتم و تمام تابستان‌ها را به روستای پدری‌ام اسماعیل‌ترخان کنار رودخانه زاینده‌رود می‌رفتم که در پیشگفتار کتاب پا به پای زاینده‌رود هم درباره این علاقه نوشته‌ام. البته فعالیت‌های پیش‌آهنگی هم در این علاقه مؤثر بود، اما علاقه به زاینده‌رود ویژه بود. احتمالا تابستان سال ۴۸ بود، وقتی پدر و مادرم به مشهد رفته بودند و خانه را به من سپرده بودند، موتورسیکلت پدرم را برداشتم و رفتم دنبال اینکه ببینم گاوخونی کجاست و این زاینده‌رود به کجا می‌رود؟

ورزنه را پیدا کردم و سراغ گاوخونی را گرفتم. یک جاده خاکی را آن‌سوی رود نشانم دادند، همان اول که از ورزنه رد می‌شدیم به یک مزرعه هندوانه می‌رسیدیم، ۵ ریال دادم و دو عدد هندوانه گرفتم و در خورجین گذاشتم و ادامه راه را گرفتم و پیش رفتم. به شمال گاوخونی و آخر کوه سیاه رسیده بودم، ارتفاع و انبوهی نیزار اجازه نمی‌داد آب گاوخونی دیده شود. باید پیش‌تر می‌رفتم تا گاوخونی را ببینم و آرزو را دربگیرم، یک‌دفعه بنزین موتورم تمام شد و در بیابان برهوت گیر افتادم. نزدیک ظهر تابستان بود و اثری از هیچ آبادی نبود. فکر کردم هیچ چیز بهتر از برگشت نیست. باید در آن گرمای ظهر پیاده می‌آمدم و موتور را هم با خودم می‌کشیدم. جاده هم جاده شوسه درست‌وحسابی نبود. ناگهان از دور گرد و خاک ماشینی پیدا شد، به دادم رسید و از داخل باک مقداری بنزین کشید و من توانستم خودم را به ورزنه برسانم و یک شیشه بنزین بخرم و در باک بریزم و برگردم. خلاصه که عشق به شناخت زاینده‌رود و علاقه به این دست‌کارها در تمام طول زندگی با من بوده و هنوز هم تمام نشده است.

دوران تحصیل کجا و چطور گذشت؟

مرا به دبستان پیشوا در محله سنگتراش‌های جلفا بردند. از زمان اواسط دبستان عضو رَسَد پیش‌آهنگی و کلاس اول دبیرستان عضو سازمان جوانان شیروخورشید سرخ شدم، دبیرستان شاه‌عباس در خیابان نظر و حاصلش آنکه وقتی در تابستان ۱۳۴۷ مشهد بودم و زلزله گناباد اتفاق افتاد، با هزار التماس خود را برای امداد به خواف گناباد مرکز زلزله رسانیدم.

من در دبیرستان شاه‌عباس وارد دسته پیش‌آهنگان سیار شدم و چون پایان سال اول، مربی پیش‌آهنگی ما از آن مدرسه رفت و من آن زمان «پایور» دسته بودم، در سال ۴۸ دوره مقدماتی مربیگری را در پیش‌آهنگی دیدم و احتمالا جزء جوان‌ترین کسانی بودم که دوره مقدماتی و دوره تکمیلی پیش‌آهنگی و همین‌طور دوره عالی یعنی «وودبج» را دیدم. همچنین اولین پیش‌آهنگی بودم که در اصفهان با گرفتن ۶ نشان لیاقت پیش‌آهنگ کاردان شدم. بعد به ۱۸ نشان رسید و پیش‌آهنگ ممتاز شدم. پیش‌آهنگان ممتاز نشان ممتاز را از دست ولیعهد می‌گرفتند، ولی این مقارن زمانی بود که کم‌کم کله من بوی قورمه سبزی می‌داد و چندان رغبتی به گرفتن این نشان از دست ولیعهد نداشتم و در این مراسم شرکت نکردم. نشان‌های لیاقت بعد از گذراندن دوره‌هایی داده می‌شد که شبیه کارگاه‌هایی بود که امروز برگزار می‌شود و افراد با یک فن، حرفه یا هنری در حد مقدماتی آشنا می‌شدند و بعد می‌توانستند امتحان دهند و نشان لیاقت بگیرند. مثلا رشته‌های عکاسی، نجاری، لوله‌کشی، برق‌کشی، کمک‌های اولیه، آتش‌نشانی، امداد، کوهنوردی، آمادگی بدنی، تیراندازی، ماشین‌نویسی، خیاطی، آشپزی، باغبانی و رشته‌های ورزشی.

سازمان پیش‌آهنگی تنوع فعالیت زیادی داشته، از دیگر تجربیاتتان به‌واسطه عضویت در این سازمان و تأثیراتش بر شخصیتتان در آینده بگویید.

سازمان ملی پیش‌آهنگی ایران با استفاده از تجربیات پیش‌آهنگی جهان، تشکیلات غیرسیاسی ارزشمندی برای پرورش کودکان، نوجوانان و جوانان بود و من بخش مهمی از مسئولیت‌پذیری، انسان‌دوستی، میهن‌دوستی، یاریگری، انضباط، قدرت رهبری، مشارکت‌پذیری و کنشگری اجتماعی را به‌واسطه تجربه پیش‌آهنگی به دست آوردم و مدیون کار در آنجا هستم. علاقه‌مندی به آثار تاریخی هم در همان دوران برایم اتفاق افتاد.

از طریق پیش‌آهنگی برای اینکه راهنمای گردشگری باشم به سازمان جلب سیاحان معرفی شدم و توانستم افتخار شاگردی استاد بزرگی مانند زنده‌یاد دکتر هنرفر را پیدا کنم. آن زمان سازمان جلب سیاحان به‌نوعی به جای سازمان میراث فرهنگی و گردشگری امروز بود. خانه شماره دو پیش‌آهنگی هم پشت هتل عباسی قرار داشت که بعدها در طرح توسعه هتل به آن الحاق شد، ولی ما در همان جا دوره آشنایی با آثار تاریخی و راهنمای جهانگردی را دیدیم.

تجربه خاص و ویژه‌ای از پیش‌آهنگی دارید؟

از آنجایی که من در آن سال‌ها شاید بیشترین امتیاز را در بین پیش‌آهنگان اصفهان داشتم، به‌عنوان یکی از پیش‌آهنگان برگزیده کشور برای اجتماع پیش‌آهنگان مسلمان در مکه انتخاب شدم. در تابستان آن سال یک اردوی یک‌ماهه در تهران در اردوگاه منظریه دیدیم که در آن با زبان عربی و جزئیات مباحث حج آشنا شدیم. ما یک سفر ۶۶ روزه در آذر و دی ۱۳۵۲ به عربستان رفتیم. در سه گروه ۲۰ نفره در شهرهای جده، مکه و مدینه مستقر شدیم. بیش از یک ماه تا موسم حج مانده بود و ما در مکه به بِعثه (اوقاف) مراجعه کردیم و پرسیدیم چه خدمتی می‌توانیم اینجا انجام دهیم. مسئول بعثه گفت بزرگ‌ترین مشکل این است که حاجی‌ها در اینجا براثر ناآشنایی و ازدحام گم می‌شوند و اگر شما بتوانید راهنمایی‌شان کنید، خیلی مؤثر خواهد بود. بنابراین ما تصمیم گرفتیم نقشه شهر مکه را تهیه و محل استقرار کاروان‌های حجاج ایرانی را از طریق مُطوِفین از جمله حسن جمال (که نقش تورگردان‌های امروزی را داشتند) روی نقشه مشخص نماییم. در شهر جایی برای فروش نقشه نبود، برای گرفتن نقشه سراغ اداره شُرطه (پلیس) رفتیم که گفتند نمی‌توانیم نقشه را به خارجی‌ها بدهیم، باید اوقاف درخواست کند که یک روند مکاتبات بوروکراتیک طولانی می‌شد. ما هم شروع کردیم کروکی قسمت اصلی مکه را به شکل دستی تهیه کنیم. زیرا یکی از مواردی که در پیش‌آهنگی یاد می‌گرفتیم، تخمین مسافت و جهت‌یابی و نقشه‌کشی بود. برای این کار نقشه را روی چهارمقوای ۱۰۰ در ۷۰ کنار هم روی دیوار سالن بعثه چسباندیم و شماره کاروان‌های حجاج را بر اساس نشانی که از مطوفین گرفته بودیم، روی نقشه با پونز پیاده کردیم. یادش به خیر آقای علی هاشمی آن زمان معاون سازمان پیش‌آهنگی بود. قرار شد ما با لباس پیش‌آهنگی و دستمال گردن به رنگ پرچم سه رنگ به استقبال حجاج برویم. بین خودمان پست‌های ۸ ساعته گذاشته بودیم که در تمام طول شبانه‌روز این استقبال ادامه داشته باشد. در محل «میقات حُدیبیه» به استقبال حجاج می‌رفتیم و به زبان فارسی می‌گفتیم: من پیش‌آهنگم، ایرانی‌ام، اگر احیانا گُم شدید به جای مراجعه به شُرطه‌ها به ما مراجعه کنید. فقط خواهش ما از شما این است شماره کاروان و اسم حمله‌دار و مُطوف را که روی کارت یا کاغذ نوشته، همراه داشته باشید.

من اولین بار و شاید تنها باری که نزدیک به ۶۰ ساعت بیدار ماندم و سه شب نخوابیدم همان جا بود: در مشعر و مِنا و عرفات، که حُجاج بعد از قربانگاه یا رَمیِ جَمَرات گم و سرگردان می‌شدند و ما آن‌ها را به چادرهایشان می‌رساندیم. به این ترتیب من در ۱۹ سالگی به حج رفتم که حج بسیار لذت‌بخشی هم بود؛ چون هم همراه با خدمت به خلق بود و هم من قبل از رفتن، کتاب حجِ شریعتی و خسی در میقات آل احمد و کتابی عرفانی فکر می‌کنم به اسم مناسک السالکین را خوانده بودم. کتاب‌هایی که آن زمان سخت می‌شد پیدایشان کرد.

از کی به کتاب‌های سیاسی و اجتماعی علاقه‌مند شدید؟

از اواسط دهه ۴۰ کتاب‌خوان شده بودم و به کتابخانه فرهنگ در ضلع جنوب غربی مدرسه چهارباغ می‌رفتم. از همان زمان کتاب خریدن را هم با رمان خواندن شروع کردم. با رمان‌های ابتدایی، پلیسی، عامه‌پسند و... ولی از سال ۵۰ کم‌کم کتاب‌خوان جدی شدم و تا حدی بینش سیاسی پیدا کردم و در سال ۵۴ آدمی بودم که دیگر نمی‌توانستم نسبت به مسائل اجتماعی اطرافم بی‌اعتنا باشم، بنابراین نگاهی انتقادی به همه‌چیز پیدا کرده بودم.

در دانشگاه چه خواندید؟

راستش من دبیرستان را نیمه‌کاره رها کردم و رفتم دنبال کارِ کارگری... بعد از خدمت سربازی تصمیم گرفتم تحصیلات نیمه‌کاره را تمام کنم و به دانشگاه بروم. آن زمان برای دانشگاه ملی که دانشگاه معتبری بود، فقط حق انتخاب یک رشته را داشتی و آن هم انتخاب اول. یادم است بعد از امتحان کنکور دانشگاه ملی سه برابر ظرفیت برای مصاحبه دعوت کرده بود. مصاحبه‌کنندگان هم اساتید بزرگی بودند. مصاحبه طولانی بود و با تعداد انتخاب‌های محدود می‌خواستند ببینند چرا تو فلان رشته را انتخاب کرده‌ای؟ از من پرسیدند چه کتابی خوانده‌ای، آن زمان زمینه جامعه‌شناسی و در آستانه رستاخیز آریان‌پور را خوانده بودم. کتابی که به سختی پیدا می‌شد. همچنین کتاب‌های زیادی در حوزه مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی خوانده بودم. درنتیجه نمره مصاحبه‌ام خوب شد و جزء اولین‌ها بودم و در رشته جامعه‌شناسی مشغول به تحصیل شدم.

تحصیلاتتان در دانشگاه به زمان انقلاب و انقلاب فرهنگی خورد، با توجه به این تعطیلی چه مسیر کاری را تجربه کردید؟

بعد از انقلاب، در فروردین ۵۸ دانشگاه‌ها باز شد تا پایان بهار ۵۹ که با بحث انقلاب فرهنگی دوباره تعطیل شد. با تعطیل شدن دانشگاه چون متأهل بودم، باید دنبال کاری می‌رفتم. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانانِ اصفهان آن زمان اعلام کرده بود کارشناس استخدام می‌کند. آن وقت زمان نخست‌وزیری شهید رجایی و بحث مقابله با مدرک‌گرایی داغ بود و ملاک کارشناسی مدرک نبود، بلکه کاربلدی بود. یک امتحان سخت می‌گرفتند که من در آن قبول شدم. و چون بیش از بقیه ادبیات کودکان و نوجوانان می‌دانستم، مسئولیت آموزشِ ادبیات کودکان و نوجوانان به بقیه کارشناسان هم به من محول شد.

خلاصه به کتابخانه شماره دو مقابل بیمارستان کاشانی رفتم، ولی زیاد آنجا ماندگار نشدم و دلم می‌خواست کتابدار روستایی شوم. از زمانی که کتاب‌های صمد بهرنگی و علی اشرف درویشیان را می‌خواندم و به‌ویژه از اوایل دهه ۵۰ که مناطق محروم سیستان و بلوچستان را دیده بودم و در آنجا با یک کتابدار روستایی آشنا شده بودم، مترصد فرصت بودم. همسرم، بهجت قریشی که همراه همیشگی‌ام است، آن زمان در شهرضا دبیر آموزش و پرورش بود و بالاخره من توانستم یک لندرور از کانون تحویل بگیرم و کتابدار روستایی منطقه شهرضا تا بروجن و مبارکه شوم با روزی ده چهارده ساعت کار، یکی از بهترین دوران زندگی‌ام بود.

طی مدتی که کتابدار روستایی بودید، چه فعالیت خاصی انجام دادید؟

در آن زمان در فاصله یک سال تحصیلی بیش از شصت کتابخانه در بیش از ۴۰ روستای آن منطقه تشکیل دادم. صبح زود قبل از آفتاب بلند می‌شدم، قابلمه غذای کوچکی را که همسرم برایم آماده کرده بود برمی‌داشتم و از آخرین روستا مثلا قمیشلو و حوض‌ماهی یا سفیددشت بروجن شروع می‌کردم و شب هنگام برمی‌گشتم. یادم هست در فصل بهار که روزها طولانی می‌شد ۱۴ تا ۱۶ ساعت کار می‌کردم. در فاصله یک ماه کتاب‌ها را عوض می‌کردم و بچه‌ها را به کتاب‌خوانی بیشتر تشویق می‌کردم. ۲۵۰۰ تومان حقوق می‌گرفتم، حقوقی بود که مرحوم بازرگان در سال ۵۸ برای کارد یپلمه‌ها تعیین کرده بود. سال دوم وقتی کتابدار روستایی شدم ۱۰ درصد یعنی ۲۵۰ تومان به حقوقم اضافه شد. همسرم هم از آموزش و پرورش نزدیک به ۵۰۰۰ تومان حقوق می‌گرفت و ما دو اتاق اجاره‌ای به ماهی ۱۰۰۰ تومان داشتیم و یک فرزند، بنابراین حقوق ایشان برای کل مخارج زندگی‌مان کافی بود و من با بیشتر حقوقم از کتاب‌های کانون می‌خریدم و به کتابخانه‌ها و مدارسی می‌بردم که می‌رفتم. به بچه‌ها می‌گفتم قصه بگویید و کتاب جایزه بگیرید. بعضی از بچه‌ها به نوشت‌افزار نیاز داشتند و من بخشی از حقوقم را نوشت‌افزار، وسایل نقاشی و حتی کفش ورزشی می‌خریدم و برایشان می‌بردم. یکی از بهترین دوره‌های زندگی‌ام همین یک سال و اندی بود که کتابدار روستایی بودم. کاش این فرصت را از ما نمی‌گرفتند.

از کی به کارنشر کتاب روی آوردید؟

بعد از بیکارشدن از کانون، با پیکان پدرم مسافرکشی می‌کردم. سال ۶۲ به تهران کوچ کردم. از سال ۶۸ دو سالی در یک شرکت ساختمانی در تهران مشغول به کار شدم. تا اوایل سال ۷۰ که آقای علی عسگری یکی از دوستان دوران دبیرستانم به سراغم آمد تا برای نشر مجموعه کتاب‌های «کنگره بزرگداشت اصفهان» مرا به کار دعوت کند. البته کنگره بزرگداشت اصفهان برگزار نشد، ولی خوشبختانه کتاب‌هایش به همت دبیر کنگره آقای دکتر فضل‌الله صلواتی منتشر شد و شهرداری اصفهان هم در زمان آقایان مهندس عظیمیان و مهندس جوادی پشتیبانش بودند. آن زمان هنوز نشر رومیزی نیامده بود و کتاب‌ها به این شکل تایپ کامپیوتری نمی‌شد. بلکه با دستگاه لاینوترون تصویرش به شکل طومارهای روی کاغذ عکس چاپ و بعد ورق‌ورق چیده و صفحه‌بندی می‌شد. چند تا از کتاب‌ها را به من نشان داد. متوجه شدم کتاب‌ها تعدادی غلط تایپی و ویرایشی دارد. مطرح کردم. بعد از این بود که من را به کار دعوت کرد و دوباره با خانواده‌ام به اصفهان برگشتم. آمدیم اصفهان و با ویرایش کتاب‌های مجموعه کنگره، کار در انتشارات گل‌ها را شروع کردم.

اولین کتابی که صفحه‌آرایی کردید خاطرتان هست؟

فکر می‌کنم از اوایل یا اواسط سال هفتاد یک نرم‌افزار فارسی غیراز «وُرد» به بازار آمد و در دفتر انتشارات گل‌ها با آن برنامه مشغول کار شدیم. اولین کتابی که علاوه بر ویرایش من بر صفحه‌آرایی آن نظارت داشتم کتاب آشنایی با شهر تاریخی اصفهان اثر زنده‌یاد دکتر لطف‌الله هنرفر بود. می‌شود گفت اولین کتابی که در اصفهان شناسنامه‌اش به صورت یک صفحه حقوق کامل تنظیم شده، به احتمال زیاد همین کتاب است. در آن زمان معمولا در کتاب‌ها نام نویسنده و ناشر می‌آمد، ولی اثری از نام‌های دیگر نبود و این کتاب از اولین کتاب‌هایی بود که نام ویراستار، صفحه‌آرا، عکاس، حروف‌نگار، لیتوگراف، چاپخانه، صحاف و... در آن آمد.

انتشارات نقش مانا کی و چطور شکل گرفت؟

از سال ۷۳ ما به دنبال این رفتیم که جداگانه برای خودمان کار کنیم و من درخواست مجوز نشر دادم. ۳.۴ سال طول کشید. تا سال ۷۷ که مجوز انتشارات نقش مانا را گرفتیم.

البته کار خدمات نشر مانا را که آماده‌سازی کتاب و نشریات بود، از سال ۷۴ شروع کردیم، ولی انتشارات نقش مانا رسما از سال ۷۷ آغاز به کار کرد و از اولین نشرهایی بود که برای خودش یک سازمان نشر کامل داشت. حداقل ۵ نفر کارمند داشتیم در دفتر کاری مستقل و برایشان بیمه رد می‌کردیم. حروف‌چین، نمونه‌خوان، صفحه‌آرا و ویراستار فنی و ادبی و محتوایی و نسخه‌پرداز داشتیم و به این ترتیب مجموعه کار نشر را در اختیار می‌گرفتیم. در انتشارات نقش مانا بیش از ۲۰۰ جلد کتاب آماده‌سازی، ویرایش و صفحه‌آرایی کرده‌ایم. علاوه بر کتاب‌های نشر مانا نیز برای خیلی از ناشران اعم از دانشگاه‌ها، مؤسسات و انتشاراتی‌ها و... کتاب آماده‌سازی کرده‌ایم.

در انتشارات نقش مانا از اصول خاصی هم پیروی می‌کردید؟

در انتشارات نقش مانا تلاش کردیم علاوه بر دقت و صحت کار، آنچه را که ناشران و کتاب‌فروشان به‌عنوان اخلاق حرفه‌ای این قشر برای ما باقی گذاشته بودند تقویت، رعایت و به دیگران منتقل کنیم. کسانی که با ما همکاری داشتند یا پیش ما کار یاد گرفتند و رفتند، بعدا جزء بهترین افرادی بودند که مؤسسه انتشاراتی دایرو کار کردند و افراد صاحب‌نامی شدند. البته این را هم بگویم ما چون مغازه و کتاب‌فروشی نداشتیم، تولیدکننده خوبی بودیم، ولی قطعا آخرین رتبه را در فروش داشتیم و یک انتشارات ناقص بودیم. درنتیجه باید بگویم من در اقتصاد نشر، آدم ناموفقی بودم، شاید رتبه آخر.

چه شد که در شکل‌گیری کتاب «قلمرو خط» مشارکت کردید؟

انجمن خوشنویسان اصفهان تصمیم گرفته بود آثار نزدیک به ۲۰۰ نفر از خوشنویسان را چاپ کند. استاد مهدی فروزنده که آن زمان مدیر انجمن بود و در برنامه‌ای باهم آشنا شده بودیم با اعتمادی که به کار ما داشت آن کتاب را به ما واگذار کرد. وقتی که آثار آمد من دیدم اگر ما این کتاب را فقط با تعدادی خط معاصران به اسم «قلمرو خط، برگزیده آثار خوشنویسان اصفهان» چاپ کنیم، پس تاریخ عظیم خوشنویسی اصفهان چه می‌شود؟ مثلا اگر ما از کار استاد فضائلی و استاد معین شروع کنیم و تا خوشنویسان جوان معاصر جلو بیاییم، اینکه تاریخ خط اصفهان نمی‌شود. گفتم اگر اجازه بدهید من این کتاب را کامل کنم. ایشان گفتند صاحب اختیارید. باتوجه به اینکه من یک دوره در خدمت زنده‌یاد

یادم هست در فصل بهار که روزها طولانی می‌شد ۱۴ تا ۱۶ ساعت کار می‌کردم. در فاصله یک ماه کتاب‌ها را عوض می‌کردم و بچه‌ها را به کتاب‌خوانی بیشتر تشویق می‌کردم. سال دوم وقتی کتابدار روستایی شدم ۱۰ درصد به حقوقم اضافه شد. همسرم هم از آموزش و پرورش نزدیک به ۵۰۰۰ تومان حقوق می‌گرفت. حقوق ایشان برای کل مخارج زندگی‌مان کافی بود و من با بیشتر حقوقم از کتاب‌های کانون می‌خریدم و به کتابخانه‌ها و مدارسی می‌بردم که می‌رفتم. به بچه‌ها می‌گفتم قصه بگویید و کتاب جایزه بگیرید. بعضی از بچه‌ها به نوشت‌افزار نیاز داشتند و من بخشی از حقوقم را نوشت‌افزار، وسایل نقاشی و حتی کفش ورزشی می‌خریدم و برایشان می‌بردم. یکی از بهترین دوره‌های زندگی‌ام همین یک سال و اندی بود که کتابدار روستایی بودم. کاش این فرصت را از ما نمی‌گرفتند.

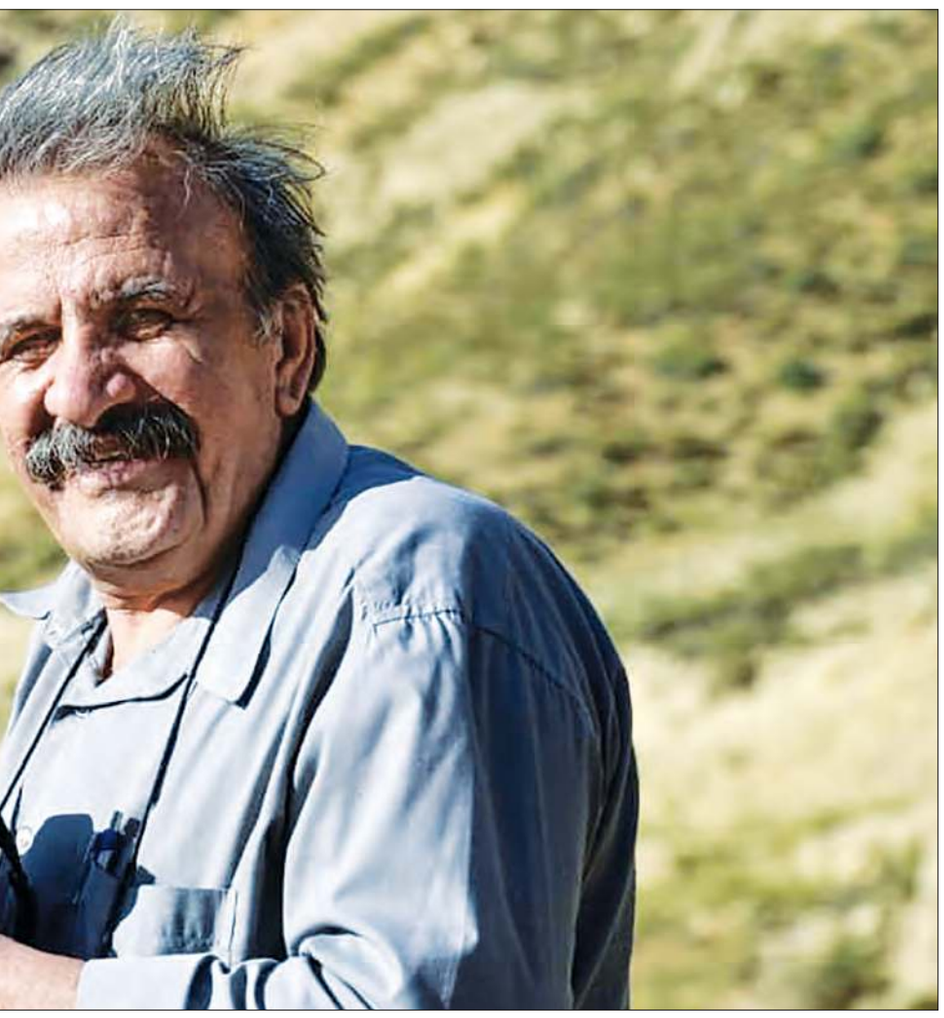

اصفهان

تماعی، محیط زیست و مدیرعامل نشر نقش مانا

استاد منوچهر قدسی کتاب خوشنویسی در کتیبه‌های اصفهان را کار کرده بودم، با همکاری فرزندم پیام، بیشتر کتیبه‌های بناهای تاریخی اصفهان و حتی بسیاری از سنگ قبرهای تخت پولاد را عکاسی کردیم و از کهن‌ترین نمونه خط اصفهان کتیبه سردر مسجد جورجیر در هزار و اندی سال پیش شروع کردیم تا آثار دوره قاجار. علاوه برآن ۶ ماه وقت صرف پژوهش کردم و یک پیشگفتار چهل صفحه‌ای درزمینه تاریخ خط با تأکید بر خوشنویسی اصفهان بر کتاب اضافه کردم. درزمان ویرایش کتاب خوشنویسی در کتیبه‌های اصفهان نه‌تنها افتخار آشنایی با استاد منوچهر قدسی را به دست آوردم، بلکه افزون بر آن ایشان چشم مرا بر دنیای عالی‌ترین نمونه‌های تجلی روح هنر اسلامی بر در و دیوار بناهای تاریخی این شهر گشود. برق شور و شوق چشم استاد در هنگام بازبینی این کتیبه‌ها همچون زایری در طواف....

به اتفاق پیام شروع به عکاسی از کتیبه‌ها کردیم. از جمله عکس روی جلد کتاب را خودم عکاسی کردم، که به شکل آنالوگ گرفته شده است. من روزهای زیادی به کنار محراب الجایتو در مسجد جامع رفتم و ماندم تا یک نور مناسب پیدا کنم. چون امکان و ابزار نورپردازی هم نداشتم و باید صبر می‌کردم تا بیشترین و بهترین نور را داشته باشم و احتمالا باید در اواخر خرداد یا اوایل تیر این عکس را گرفته باشم. بدون شک این عکس در زمان خود بهترین عکس از محراب الجایتو بود. آن زمان چاپخانه چهاررنگ خوب در اصفهان نمی‌شناختم و من این کتاب را در چاپخانه بهار آزادی در نجف‌آباد که به تازگی یک چاپخانه چهاررنگ خوب در آنجا دایر کرده بود، چاپ کردم.

کتاب «سفر به ایران» قبلا هم چاپ‌شده بود، چه شد شما دوباره آن را چاپ کردید؟

این کتاب علاوه بر یک چاپ بسیار نفیس قبلا دو بار با کیفیت نازل چاپ شده بود، ولی بعدا فرصت این پیش آمد که ما هم روی آن کار کنیم. در پیشگفتار کتاب نوشته‌ام: «نوروز ۶۸ بود و هوای تازه. در یک عید دیدنی در منزل دوستی با این گوهر بی‌بدیل آشنا شدم. پیچیده در لفافی به رنگ یشم....» من برای این کتاب نزدیک ۱۰۰ صفحه یادداشت نوشتم همراه با سند و بعضی تصاویر که در متن اصلی نبود و آن‌ها را در بخش انتهایی آوردم. دلم می‌خواست راهنمای گردشگری خوانندگان در حال خواندن کتاب و گشت زدن در تصاویر باشم و نمی‌توانستم از کنار آنچه نمی‌دانم به خاموشی بگذرم.... حدود سه سال روی این کتاب که فقط برای هزینه مواد و مصالحش قرارداد بسته بودم کار کردم تا اثری شایسته به دست خوانندگان برسد.

این‌ها را به این خاطر می‌گویم که تمام سعی خود را کردیم تا نوعی تفاوتِ نگاه به ویرایش کارِ محتوایی و علمی ایجاد کنیم. این کار اگرچه بازپرداخت اقتصادی نداشت، اما بهایش را خودم دادم، ولی از بابت انجام آن خشنودم، چون اثری به جا گذاشتیم که دیگران با دیدنش متوجه شوند ویرایش، فقط ویرایش رسم‌الخطی نیست و ویراستاران در قبال محتوای کار هم مسئول هستند.

یکی دیگر از آثار متنوع شما، کتاب «بارون و بارفتن، مجموعه غزل به لهجه اصفهانی» است. رشته تحصیلی شما ادبیات نبود. چرا در شکل‌گیری این اثر مشارکت کردید؟

از بخت یاری من این فرصتی بود که استاد خسرو احتشامی، شاعر این مجموعه در اختیار من گذاشت. همانطور که گفتید، رشته تحصیلی من ادبیات فارسی یا زبان‌شناسی نبود، به همین دلیل هم کار این کتاب بیش از هفت سال طول کشید. چنانکه در صفحه ۲۳ پیشگفتار کتاب آورده‌ام: «... من، ویراستار این مجموعه، زبان‌شناس و متخصص این متن نیستم و صرفا با دل‌بستگی و علاقه‌ای که به فرهنگ این دیار داشتم و با انگیزه و پشتوانه‌ای عاطفی، بدین کار سنگین‌تر از توان، دست یازیدم... وقتی برای این کار تعدادی کتاب و مقاله تخصصی را مطالعه کردم، تازه متوجه شدم که دلیری کرده‌ام و قدم در وادیِ صعب‌العبوری گذاشته‌ام...» به هر حال با مطالعه بیش از چهل اثر منتشرشده درخصوص زبان‌شناسی، گویش‌ها و لهجه‌های زبان فارسی و بهره‌مندی از راهنمایی استادان گران‌قدری چون دکتر علی‌اشرف صادقی، خانم دکتر ایران کلباسی، دکتر جلیل دوستخواه، دکتر حبیب برجیان، استاد مصطفی جیحونی، محمدعلی موسوی فریدنی و عزیزانی دیگر که این اثر را پیش از چاپ خواندند و راهنمایی‌های ارزنده کردند. فکر کنم کتاب به سرانجام مطلوبی رسید.

شما چندین سال مسئولیت چاپ نشریه روزانه جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان و همین طور ویرایش و آماده‌سازی چند نشریه دیگر را داشتید. از فعالیت‌های مطبوعاتی‌تان بگویید؟

واقعیت این است که فعالیت من در حوزه روزنامه‌نگاری در کنار کار انتشارات نقش مانا بود و به عبارتی بخشی از کار ما در این نشر آماده‌سازی نشریاتی بود که عمدتا ماهنامه و فصلنامه بودند و گاهی اوقات هم ممکن بود نشریه روزانه باشند، البته به‌صورت محدودتر.

اولین نشریه‌ای که کار آماده‌سازی‌اش را انجام دادم فصلنامه زنده‌رود بود که ۱۰ شماره اولش را از سال ۱۳۷۱ تا ۷۳ ویرایش و آماده‌سازی کردم. البته از شماره دوم، چون شماره اول در تهران کار شده بود. بعدا فصلنامه آموزش را در سال ۱۳۷۴ کار کردم که البته دورانش طولانی نبود و آن را به‌طور کامل از تایپ تا زمان تحویل آماده می‌کردم. در سال‌های ۷۵ و ۷۶ زنده‌یاد دکتر محمدعلی جعفریان از من برای ویرایش مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم) دعوت کرد و من طی دو سال آن مجله را ویرایش می‌کردم. در فاصله سال‌های ۷۸ تا ۸۹ من آماده‌سازی مجله مطالعات و پژوهش‌های دانشکده ادبیات و علوم انسانی را انجام می‌دادم که به عبارتی مجله دانشکده ادبیات اصفهان بود و آنجا هم کار آماده‌سازی از تایپ، ویرایش، نسخه‌پردازی و صفحه‌آرایی را انجام می‌دادم تا زمانی که دوران مدیریت دانشگاه و دانشکده ادبیات تغییر کرد و طبیعتا آن کار هم متوقف شد.

برای دانشگاه خوراسگان از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۵ فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی را به‌طور کامل آماده می‌کردیم و همین‌طور یکی دو سال بعد دانش و پژوهش در علوم تربیتی هم اضافه شد و در آخر چند شماره از فصلنامه دانش و پژوهش در آموزش زبان انگلیسی که تا وقتی به شکل کاغذی کار می‌شد و نشر الکترونیک نشده بود، آماده‌سازی آن با ما بود. برای دانشگاه شهرضا هم فصلنامه علوم سیاسی را کار می‌کردیم، زمانی که دکتر محمود کتابی سردبیرش بود که دو سال انجامش دادیم. از شماره دوم فرهنگ اصفهان تا آخرین شماره که فکر کنم سال ۹۸ بود به جز ۳.۴ شماره بقیه را از ویرایش و آماده‌سازی تا مرحله چاپ ما در انتشارات نقش مانا انجام می‌دادیم که تقریبا می‌توان گفت جزء طولانی‌ترین نشریاتی بود که کار کردیم. حتی چند شماره از فصلنامه فرهنگ کردستان را هم ما کار کردیم. همین طور نشریه دریچه که در آغاز نام فصلنامه حسنات داشت تا آخرین شماره به جز سه چهار شماره از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۸ ویرایش و آماده‌سازی کردیم.

فصلنامه جستارهای شهرسازی را هم از آغاز یعنی سال ۱۳۸۳ تا سال ۹۹ تمام مراحل ویرایش، آماده‌سازی و چاپش را به عهده داشتم و به این ترتیب در این فصلنامه هم تقریبا ۱۶ سال همکاری داشتم. اما زنده‌یاد زاون قوکاسیان بین سال‌های ۸۰ تا ۸۳ مسئولیت نشریه روزانه جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان را برعهده داشت و کار انتشار نشریه روزانه‌اش به اسم پروانک را به ما سپرد که در دفتر ما از صبح کارش شروع می‌شد و تا نیمه‌شب ادامه داشت و من تازه نیمه‌شب دنبال کار لیتوگرافی، چاپ و صحافی‌اش می‌رفتم تا در ساعت ۹ صبح تحویل دهیم و این یکی از سخت و مهم‌ترین کارهای نشر ما بود.

اما مهم‌ترین کاری که ما طی این سه، چهار سال انجام دادیم و قبل از آن نشده بود، این بود که ما در روز آخر یک مجلد صحافی شده شامل تمام ۸ شماره نشریه روزانه جشنواره را آماده می‌کردیم و تحویل مهمانان جشنواره می‌دادیم.

همچنین نشریه روزانه چند همایش و جشنواره دیگر از جمله نشریه روزانه همایش بین‌المللی قرطبه و اصفهان در اردیبهشت سال ۱۳۸۱ به اسم گزارش و نیز نشریه روزانه دومین نمایشگاه کتاب اصفهان در فروردین ۱۳۸۴ را با کیفیت خوب از کار درآوردیم. در بعضی از جشنواره‌ها عهده‌دار تهیه ویژه‌نامه یا گزارش کامل جشنواره در یک جلد کتاب می‌شدیم که مدتی بعد از جشنواره تحویل می‌دادیم. مثل ویژه‌نامه جایزه ادبی اصفهان، جشنواره تئاتر، جشنواره فیلم کوتاه اصفهان، جشنواره ملی فیلم حسنات و نظایر آن. امروزه این نشریات و کتاب‌ها یگانه اثر ماندگار از آن همه شور و تلاش است.

بخش مهمی از فعالیت‌های شما مربوط به شکل‌گیری تشکل‌های مردم‌نهاد و فضاهای اجتماعی است. این جریان از کجا و در چه بستری آغاز شد؟

اواخر دهه ۷۰ رویکرد جدیدی به سازمان‌های غیردولتی (NGO ها) شکل گرفت. پیش‌تر از آن، ما با NGO به مفهوم امروزی‌اش یا با تعاریف مدرنش آشنایی نداشتیم. انجمن‌های مختلف مثل انجمن‌های فرهنگی، انجمن‌های شعر، انجمن‌های وابسته به ورزش، انجمن‌های جامعه محلی و روستایی و تعاونی‌ها و انجمن‌ها و هیئت‌های مذهبی را داشتیم، ولی رویکرد جدید نبود که با عنوان سازمان‌های غیردولتی و NGO شناخته می‌شد. مقارن با همین ایام بود که شهرداری اصفهان برای فرزندان کارکنانش در تابستان، کلاس‌های اوقات فراغت را تدارک دید. در این کلاس‌های اوقات فراغت آموزش‌های مختلفی داده می‌شد و از جمله از من دعوت کردند که با بچه‌ها خلاقیت ادبی کار کنم. بعد هم از من خواستند که یک برنامه گردشگری بگذارم. در این بازدیدها من تلاش می‌کردم این بچه‌ها را با زیست بوم‌ها در بطن فرهنگی آن یعنی هم میراث طبیعی و هم میراث فرهنگی آشنا و وقتی که صحبت از میراث فرهنگی می‌شود هم با میراث ملموس و هم ناملموس آشنا کنم و احتمالا برنامه‌ها را زمانی برگزار کنیم که آیین و مراسمی هم در حال اجرا باشد. هم‌زمان با آغاز این برنامه خانه کودک و نوجوان در سال ۷۷ شکل گرفت. خانه کودک و نوجوان روبه‌روی هتل کوثر بود که به همت خانم فهیمه عقیلی، فعال شده بود و بیشتر همان بچه‌های کلاس‌های اوقات فراغت هسته اصلی‌اش بودند.

جمعیت طبیعت‌یاران چطور شکل گرفت؟

ادامه بازدید و اردوهای اصفهان‌شناسی باعث شکل‌گیری جمعیت طبیعت‌یاران شد. چون ما تا مدت‌ها طبیعت‌گردی داشتیم، اگرچه بعدا اصفهان‌گردی را هم اضافه کردیم. آذرماه سال ۷۸ بعد از یک سالی که گروه فعالیت کرده بود، بچه‌ها برای خانواده‌هایشان از طبیعت‌گردی تعریف می‌کردند، خانواده‌ها هم علاقه‌مند شدند که در برنامه‌ها شرکت کنند. درنتیجه به‌جای اینکه برنامه فقط برای کودکان و نوجوانان باشد، خانواده‌ها هم اضافه شدند و نهایتا سال ۷۸ وقتی که داشتیم اساسنامه جمعیت را می‌نوشتیم، اگرچه رویکرد ما کودک و نوجوان و جوانان بود، کم‌کم زنان و گروه‌های دیگر هم مخاطب ما شدند. اولین مجمع عمومی طبیعت‌یاران نیز در آذرماه سال ۷۸ شکل گرفت و اساسنامه جمعیت نوشته شد.

محورهای فعالیت طبیعت‌یاران چه بود؟

وقتی اساسنامه جمعیت را می‌نوشتیم، فعالیتش را حول سه محور تعریف کردیم. حفاظت از محیط زیست با رویکرد ترویج اصول زندگی پایدار که نگاه ما را نسبت به مصرف و مصرف‌زدگی عوض می‌کند. یعنی ما باید پایداری را در همه زندگی ببینیم. دومین محور، حمایت از صلح پایدار بود. صلح در اینجا فقط در معنایِ مقابله با جنگ نیست. صلح پایدار از رابطه زن و مرد، از رابطه والدین و فرزندان، رابطه فرد با همکاران، همسایگان و... شروع می‌شود و به روابط اجتماعی و درنهایت بین‌المللی می‌انجامد. درعین حال ما باید بحث احترام به تنوع فرهنگی و درک تنوع فرهنگی را آموزش می‌دادیم؛ بنابراین محور سوم، پاسداری از ارزش‌های فرهنگی با احترام به تنوع فرهنگی و آموزش درک تنوع فرهنگی و دگرپذیری و رواداری بود که این بحث هم در زمان خودش بحث تازه‌ای بود. این سه محور اساس آموزش‌های جمعیت شد و بحث مهم بعدی این بود که چطور این محورها را به درستی آموزش دهیم. یکی از بهترین راه‌ها، آموزش میدانی بود که در خود طبیعت انجام می‌شد و همین شد که بچه‌های طبیعت‌یاران تمام استان اصفهان و آثار میراث طبیعی و میراث فرهنگی. تاریخی درجه ۱ و ۲ آن را دیدند و با آن آشنا شدند. برای شناخت حوضه زاینده‌رود یک برنامه ۱۲ ماهه تدوین کردم که بعدا در عمل ۷ سفر برای آن انجام دادیم. یعنی زاینده‌رود را به ۷ بازه تقسیم کردم، یک بار رفتیم سرچشمه‌ها تا تونل‌ها و تا نزدیک سد زاینده‌رود، یک بار از سد زاینده‌رود شروع کردیم تا سد چم‌آسمان و... تا برسیم به تالاب بین‌المللی گاوخونی. تا قبل از آن، خیلی‌ها نمی‌دانستند که گاوخونی دقیقا کجاست یا فکر می‌کردند که زاینده‌رود از یک سرچشمه شروع می‌شود و در همان سفرهایی که ما می‌رفتیم آن‌ها با بیش از سی سرشاخه زاینده‌رود آشنا شدند. یکی از مهم‌ترین کارهای طبیعت‌یاران دیده‌بانی نسبت به شهر بود. در همین جهت همایش‌هایی مثل همایش‌های «بافت تاریخی چهارباغ و مترو» را برگزار کردیم یا به ساختمان جهان‌نما، تخریب کارخانه‌های ریسندگی چهارباغ و بلندمرتبه‌سازی در کنار پل مارنان اعتراض کردیم. نجات جایی مثل مدرسه میسیونرهای فرانسوی وابسته به کلیسای کاتولیک‌ها که بعدا دانشگاه هنر شد، ولی حیاط آن را واگذار کرده بودند. از این نمونه‌ها زیاد داشتیم، یعنی دیده‌بانی نسبت به مسائل شهر.

برگزاری همایش‌ها و مراسم مختلف برای شما اهمیت خاصی داشته. از مهم‌ترین آن‌ها بگویید..

بله، برگزاری آیین‌ها و مراسم‌های مختلف برای ما خیلی مهم بود، یکی از کارهای باارزشی که طبیعت‌یاران انجام داد، تقریبا بیش از بیست سال پیش این بود که ما بزرگداشت فردوسی را در طبیعت‌یاران در ۲۵ اردیبهشت ماه سال ۷۹ برگزار کردیم و این مراسم از آن سال به بعد همه‌ساله برگزار شد تا به یک همایش بزرگ تبدیل شد، که به غیر از دو سال گذشته که با اپیدمی کرونا مواجه شدیم در سطح خیلی وسیع برگزار می‌شد و تمام تلاشمان این بود که در حد قابل قبولی برگزار شود. این همایش به همت و پایمردی برادران احمدی توسعه پیدا کرد و بزرگانی چون استاد خالقی مطلق از آلمان، یا دکتر دوستخواه از استرالیا و عزیزانی از نقاط مختلف کشور دعوت شدند. به‌طوری‌که این جلسه به یکی از مهم‌ترین جلسات نکوداشت فردوسی در سطح کشور تبدیل شد. یا برای مناسبت‌های زیست‌محیطی مثل روز زمین پاک، روز جهانی محیط زیست، هفته هوای پاک، روز درختکاری، روز مقابله با بیابان‌زدایی و... برنامه تدارک دیدیم و فعالیت میدانی کردیم. یکی از کارهای باارزشی که طبیعت‌یاران در بنیاد آن مشارکت و نقش مؤثری داشت و بعد به شکل‌گیری انجمن دوستداران اصفهان منجر شد، بحث نام‌گذاری روز اصفهان بود. تلاش‌های زیادی شد تا اینکه سرانجام در سال ۹۷ شورای شهر اصفهان رسما اول آذر را به عنوان روز اصفهان به همراه نماد اصفهان به رسمیت شناخت. یکی دیگر از کارهای باارزشی که طبیعت‌یاران انجام داد همایش پویش حیات برای نجات جان دو محیط‌بان زندانی محکوم به پرداخت دیه سنگین بود که با گسترش این پویش به سراسر کشور، به آزادی آن‌ها در اسفند سال ۹۴ منجر شد و گزارش آن در کتابی با عنوان ناگفته‌های تلخ و شیرین دنا مستندسازی شد. همچنین ما نمایندگان فعالی در اکثر همایش‌ها، گردهمایی‌ها، اجتماعات زیست‌محیطی و فرهنگی ملی و بین‌المللی در سطح کشور و استان داشته‌ایم.

حاصل فعالیت‌های جمعیت هم این بوده است که طبیعت‌یاران به عنوان دیده‌بان اصفهان شناخته شود و همواره براساس سه اصل مهم کسب آگاهی و آگاهی‌بخشی، جلب اعتماد عمومی، گسترش امید و ترویج ضرورت مشارکت اجتماعی برای بهبود وضعیت عمومی جامعه حرکت کند.

شکل‌گیری جمعیت طبیعت‌یاران باعث پاگرفتن انجمن‌های دیگری هم شد. از آن‌ها نام می‌برید؟

بله طی این سال‌ها در جوار تنه سبز طبیعت‌یاران جوانه‌های برومندی از جمله انجمن دوستداران ادبیات کودک و نوجوان، انجمن زنان شاهنامه‌خوان، انجمن دوستداران اصفهان، مدرسه طبیعت کندوکاو رویید که هرکدام اثربخشی ویژه‌ای در حوزه فعالیت خود داشتند و ما امیدواریم هربهار، شکوفه‌های جدیدی بر تنهٔ تناور این جنبش اضافه شود و بتوانیم اثربخشی بیشتری داشته باشیم.

شما اقدامات ویژه‌ای در حوزه زاینده‌رود دارید. یادتان هست اولین بار که زاینده‌رود خشکید چه تصوری از این جریان داشتید؟

یادم است اولین سالی که زاینده‌رود خشکید من مسئول داوران کودک و نوجوان در جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان بودم و خانه کودک مرکز و محل استقرار بچه‌ها بود؛ سینما ساحل هم یکی از سینماهایی بود که فیلم‌ها در آن نمایش داده می‌شد. قرار بود ما بچه‌ها را ببریم آن‌طرف و دیرمان شده بود و چون فرصت نداشتیم سی و سه پل را دور بزنیم، من به بچه‌ها گفتم اشکال ندارد از وسط رودخانه رد می‌شویم که آن زمان تازه خشک شده بود. در وسط رودخانه توقف کردیم. گفتم بچه‌ها مکث کنید و این تصویر را در حافظه خود ضبط نمایید، چون ممکن است بعدها هیچ‌وقت شما رودخانه را خشک نبینید، همان‌طور که من در نزدیک به پنجاه سال از عمرم ندیده بودم و هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم رودخانه یک روزی این‌طور خشک شود که بشود از وسطش رد شد. هر وقت این خاطره یادم می‌آید، همچون حالا اشک در چشمم حلقه می‌زند. بعد از این بود که من بخش عمده‌ای از وقتم را برای کار روی زاینده‌رود گذاشتم و کتاب پا به پای زاینده‌رود حاصل بیش از بیست سال کار درباره این رگ حیاتی اصفهان است. افسوس رودخانه‌ای که با رگ و پی و سلول‌های این مردم پیوند دارد را خشکاندند. رودخانه‌ای که تمدن‌های چند هزارساله در کنارش شکل گرفته است از جمله باغشهری چون اصفهان که لقب نصف جهان و «تصویر بهشت» گرفته است. بی‌شک اگر تدبیر جدی صورت نگیرد شهری چون اصفهان با خشکاندن رودخانه ویران می‌شود.

به جز کتاب «پا به پای زاینده‌رود» بازهم در مورد زاینده‌رود کار کردید؟

برای زاینده‌رود برنامه گردشگری گذاشتم از سرچشمه تا پایاب. خیلی‌ها مثل اعضای شورای شهر، خبرنگاران، هنرمندان، فیلم‌سازان و... را با خودم به این برنامه‌ها بردم تا ببینند در بالادست چه خبر است و چرا رودخانه خشک شده است.

به دیگر فعالیت‌های زیست‌محیطی خود اشاره کنید؟ تأکیدتان در این زمینه چه بود؟

از مهرماه ۱۳۸۰ به تبعیت از انجمن حفظ محیط زیست کوهستان تهران بحث پاک‌سازی کوه‌ها را مطرح کردیم و تلاش کردیم در این زمینه فرهنگ‌سازی کنیم. درزمینه بازیافت و تفکیک پسماند از مبدأ با شهرداری مکاتبه‌های مختلف داشتیم، روی توزیع سطل‌های بازیافت در اماکن مختلف کار کردیم، ما از مرکز بازیافت و کارخانه کمپوست بازدید می‌کردیم و درواقع به اعضای جمعیت می‌گفتیم بیایید و ببینید اگر این زباله‌ها در خانه تفکیک نشود، چه اتفاقی می‌افتد. این همان آموزش میدانی است که می‌گویم. اعضای جمعیت ما در محله‌ها خانه به خانه رفتند و بروشور یا کیسه پارچه‌ای توزیع کردند و توضیح دادند که چرا ما نباید از کیسه‌های پلاستیکی استفاده کنیم. با چالش نه به پلاستیک همراهی کردیم و این چالش را بین مردم بردیم. کارهایی از این‌دست زیاد انجام دادیم.

در مورد انجمن دوستداران اصفهان بیشتر توضیح می‌دهید؟

پیش از اینکه این انجمن شکل بگیرد، یکی از دوستان ما، آقای دکتر شاهین سپنتا پیشنهاد داد که ما روزی را به نام اصفهان داشته باشیم. پیش از آن ما به اتفاق تعدادی از دوستان در اواسط دهه هفتاد یک گروه مطالعاتی درزمینه اصفهان‌شناسی راه انداخته بودیم که آن گروه شد هسته اولیه انجمن. در اوایل دهه هشتاد دکتر سپنتا پیش‌قدم شدند و اطلاعیه‌ای در نشریات محلی نشر دادند که پیشنهادها را جمع‌آوری کنند، پیشنهادهای مختلفی هم داده شد. روزی همگی در منزل استاد مهریار جمع شدند و براساس بیشترین آرا که روی برج قوس مطابق با اول آذرماه بود به جمع‌بندی رسیدند و اول آذر به عنوان روز بزرگداشت اصفهان معرفی شد. همین طور نقش سردرِ قیصریه به عنوان نماد اصفهان که زنده‌یاد استاد هنرفر پیشنهاد آن را داده بودند.

بعد از این همه سال و این همه فعالیت به عشق اصفهان در سال ۱۴۰۰ چه خواست و آرزویی برای شهر اصفهان دارید که از همه پررنگ‌تر هست؟

سال‌ها پیش یک خانم خبرنگار دورگه ایرانی.فرانسوی برای مصاحبه به دفتر ما آمد و از من درمورد زاینده‌رود پرسید که در همان زمان خشک بود. گفت احساستان چیست؟ همراه این خانم، یک بطری آب‌معدنی بود که روی آن تصویری بود که نشان می‌داد سه چهارم بدن را آب تشکیل می‌دهد. به تصویر روی بطری آب‌معدنی اشاره کردم و گفتم اگر سه چهارم بدن انسان را آب تشکیل می‌دهد، پس سه چهارم وزن بدن من از آب زاینده‌رود تشکیل شده، یعنی تمام استخوان و سلول‌های گوشت و پوست من با این آب شکل گرفته، پس زاینده‌رود در تمام رگ‌های من جاری است. چیزی که همین امسال در اندک زمانی که آب باز بود آن را در مردم اصفهان دیدم. چند سال پیش یک سخنرانی درمورد نقش زاینده‌رود و مادی‌های اصفهان در زیست‌بوم اصفهان داشتم. آنجا بر این نکته تأکید کردم که پیش از اینکه ما پمپ آب داشته باشیم، آب بسیاری از خانه‌ها، مغازه‌ها، مساجد و مدارس قدیمی، حمام‌ها، یخچال‌ها و... از همین مادی‌ها که در شهر جاری بوده تأمین می‌شده است. خیلی از این مادی‌ها را خشکاندند، چون نمی‌دانستند که این مادی‌ها چه نقش مهمی در پایداری زیست‌بوم شهر ما دارد. درحالی‌که پایداری زیست‌بوم وابسته به آب است و اگر این آب نباشد، زیست‌بومی هم وجود ندارد و فرومی‌ریزد. این هشدارها اصلا شوخی نیست. فرونشستی که در اصفهان اتفاق افتاده است، اصلا شوخی‌بردار نیست، ۱۶۰ میلی‌متر در سال شوخی نیست. همه خانه‌های ما را می‌تواند روی سر ما خراب کند، همه این بناهای ارزشمند و جواهرات گران‌قدر را می‌تواند روی سرمان آوار کند. اگر آب در زاینده‌رود جاری نباشد این فرونشست در اصفهان شدت بیشتری پیدا می‌کند. ما درواقع داریم با دست خودمان شهر را روی سر خودمان آوار می‌کنیم و به همین دلیل من بسیار نگران شهرمان و آیندگانمان هستم، نگران آیندگانی که ما امانت‌دار خوبی برای آن‌ها نبودیم.

۱- دیالوگی از فیلم «حاجی واشنگتن» ساخته علی حاتمی

سال‌ها پیش یک خانم خبرنگار دورگه ایرانی.فرانسوی برای مصاحبه به دفترما آمد و از من درمورد زاینده‌رود پرسید که در همان زمان خشک بود. گفت احساستان چیست؟ همراه این خانم، یک بطری آب‌معدنی بود که روی آن تصویری بود که نشان می‌داد سه‌چهارم بدن را آب تشکیل می‌دهد. به تصویر روی بطری آب‌معدنی اشاره کردم و گفتم اگر سه‌چهارم بدن انسان را آب تشکیل می‌دهد، پس سه‌چهارم وزن بدن من از آب زاینده‌رود تشکیل‌شده، یعنی تمام استخوان و سلول‌های گوشت و پوست من با این آب شکل‌گرفته، پس زاینده‌رود در تمام رگ‌های من جاری است. چیزی که همین امسال در اندک زمانی که آب باز بود آن را در مردم اصفهان دیدم

نوشتن و گفتن از «حشمت‌الله انتخابی» به خودیِ خود کاری دشوار است. این کار دشوارتر هم می‌شود اگر آن را محدود کنیم به بررسی و بازگویی صرفا یکی از ابعاد این چهره فرهیخته چندبُعدی اصفهانی که هر کجای این شهر اتفاقی فرهنگی در حال رقم خوردن باشد، نام و حضور او زینت‌بخش مجلس است.

نیم‌نگاه

مردی برای همه فصول

چهار فصل از کنشگری‌های حشمت‌الله انتخابی برای اصفهان

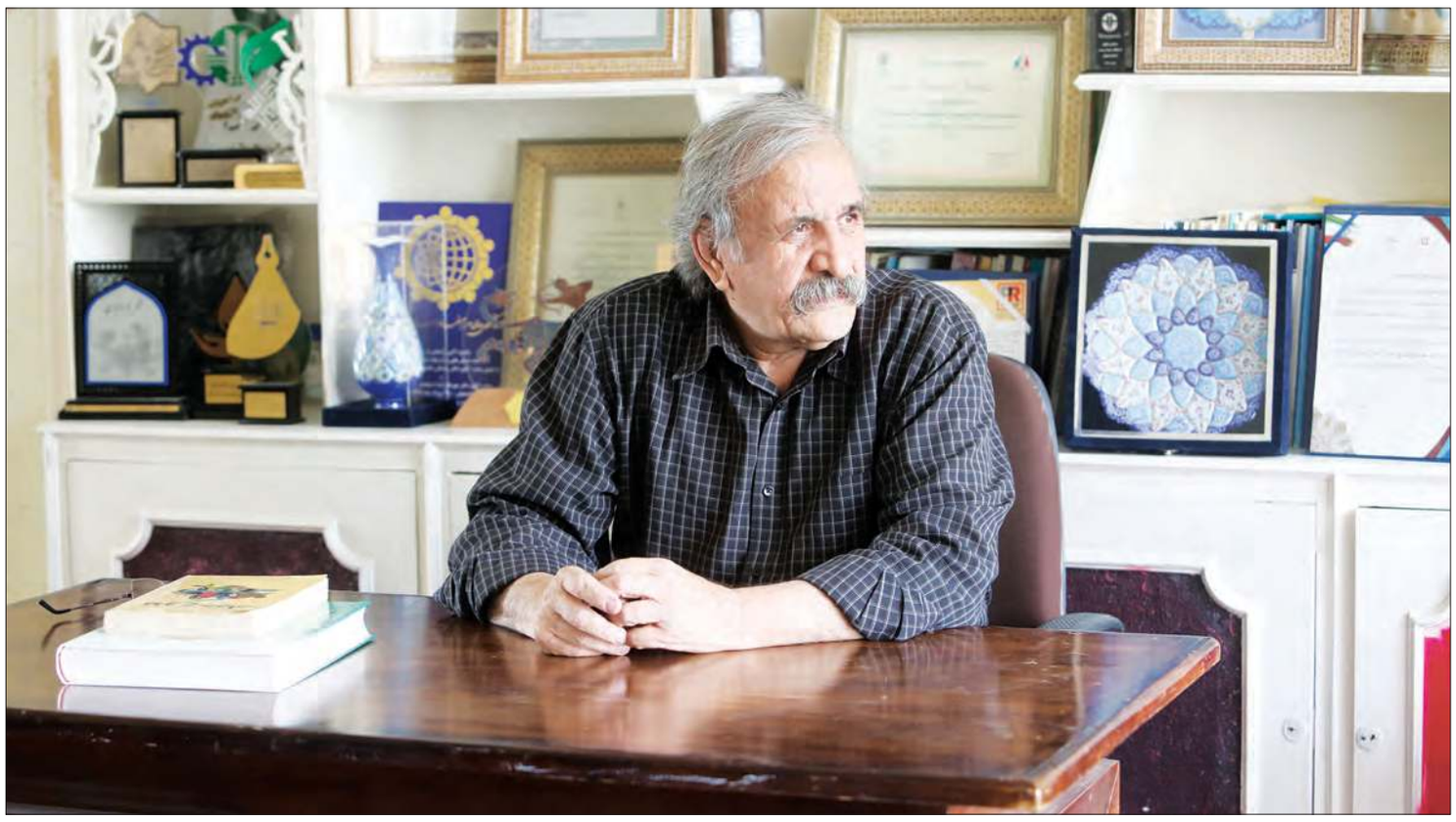

شاهین سپنتا
نویسنده و اصفهان‌شناس

«اگر بهشت عدن در زمین خواهد بود، به زمین اصفهان باشد و گر بر آسمان است، برابر اصفهان است؛ به هرحال اصفهان نمودار بهشت است.»

سخن را با این جملات یکی از فضلای اصفهان در کتاب راحه‌الصدور اثر محمد راوندی (۵۹۹ق.) آغاز می‌کنم که آقای حشمت‌الله انتخابی همواره در آغاز سخنانش در همایش‌ها یا گردهمایی‌ها نقل می‌کند و نشانه‌ای از عشق فزاینده او به اصفهان است.

اصفهان در دوران معاصر، چهره‌های شاخص فرهنگی و اجتماعی برجسته‌ای را در دامان خود پرورانده است که هریک به نوبه خود، سهم مهمی در پاسداشت هویت تاریخی و فرهنگی این شهر داشته‌اند.

کوشندگانی چون جلال‌الدین همایی، لطف‌الله هنرفر، عباس بهشتیان، امیرقلی امینی و محمد مهریار هریک برگی زرین از تاریخ افتخارات فرهنگی اصفهان را به خود اختصاص داده‌اند و کارنامه درخشانی در پاسداشت میراث فرهنگی این شهر از خود به یادگار گذاشته‌اند.

خوشبختانه، مشعلی که به دست این پیشگامان برافروخته شد، امروز در دست رهروانی چون دوست دانشمند و اصفهان‌پژوه برومند آقای حشمت‌الله انتخابی، چراغ راه ماست.

اما آنچه که در این رهگذر درخور ستایش است و آن را نسبت به فعالیت‌های پیشگامانی که نام برده شد، متمایز می‌کند، کنش چندسویه، فراگیر و فرانگر فرهنگی و اجتماعی آقای حشمت‌الله انتخابی هم‌زمان در چند عرصه متنوع است که در چهار فصل به اختصار به آن‌ها اشاره می‌کنم:

فصل مهم دیگری از کارنامه پربار آقای حشمت‌الله انتخابی به گونه‌ای دیگر از فعالیت‌های دواطلبانه فرهنگی اختصاص دارد

فصل نخست: میراث طبیعی و محیط زیست

فعالیت‌های داوطلبانه آقای حشمت‌الله انتخابی در دوران نوجوانی و جوانی در گروه‌های پیشاهنگی و خدمتگزاران بشر، و تلاش برای عمران و آبادانی تجربه‌ای ارزشمند در اختیارش نهاد که در میان سالی او را به عنوان یکی از شاخص‌ترین چهره‌های فعال در عرصه پاسداشت صلح سبز، محیط زیست، توسعه پایدار و میراث طبیعی در اصفهان و ایران مطرح کرد.

تبلور این فصل از فعالیت‌های او را می‌توان در برپایی جمعیت دوستداران محیط زیست (طبیعت‌یاران) و مدرسه طبیعت کندوکاو برای کودکان و همچنین فعالیت به عنوان دبیر شورای هماهنگی سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی استان اصفهان مشاهده کرد.

جمعیت طبیعت‌یاران با هدایت حشمت‌الله انتخابی از سال ۱۳۷۸ تاکنون توانسته است گام‌های استواری در حفاظت از محیط زیست اصفهان و ایران و حمایت از صلح پایدار و ارزش‌های فرهنگی بردارد و جریان اجتماعی تأثیرگذاری را در این عرصه به حرکت درآورد و شمار زیادی از شهروندان و کنشگران را با خود همراه سازد.

کتاب ارزشمند «پابه‌پای زاینده‌رود» حاصل دو دهه پژوهش میدانی حشمت‌الله انتخابی و عکس‌هایی از حسین مقیمی، یکی از تازه‌ترین دستاوردهای علمی او در معرفی و پاسداشت زاینده‌رود به عنوان شاهرگ زندگی‌بخش اصفهان است.

فصل دوم: میراث فرهنگی و اصفهان‌پژوهی

فصل مهم دیگری از کارنامه پربار آقای حشمت‌الله انتخابی به گونه‌ای دیگر از فعالیت‌های دواطلبانه فرهنگی اختصاص دارد.

فعالیت‌های متنوع فرهنگی او در قالب ایراد سخنرانی، انجام مصاحبه، نگارش مقاله، برپایی اردوها و هدایت تورهای تاریخی و گردشگری طی چنددهه اخیر فرصتی خوبی را در دسترس علاقه‌مندان قرار داده‌است که از دانش و اطلاعات گسترده او در زمینه‌های مختلف فرهنگی، ادبی، تاریخی و به‌ویژه در مباحث گردشگری و اصفهان‌پژوهشی بهره‌مند شوند.

پس از پیشنهاد نگارنده برای گزینش روزی به عنوان روز نکوداشت اصفهان و تصویب یکم آذرماه به‌عنوان روز اصفهان از سوی شماری از اصفهان‌شناسان، فعالیت‌های چشم‌گیر آقای حشمت‌الله انتخابی در معرفی هرچه بیشتر این روز و همسو شدن مردم و مسئولان در ارج‌نهادن به آن، نقشی مؤثر و یگانه داشت.

نتیجه این هم‌افزایی به تشکیل انجمن دوستداران اصفهان انجامید که با گردهم‌آوردن شماری از کنشگران و دوستداران اصفهان، از سال ۱۳۸۸ تاکنون، ۱۰ دوره همایش اصفهان‌شناسی را به مناسبت یکم آذرماه روز نکوداشت اصفهان، با موضوعات متنوع میراث فرهنگی و طبیعی اصفهان برگزار کرده و همه ساله آیین سپاس از سرآمدان سپاهان را به جا آورده است.

آنچه در این رهگذر درخور ستایش است و آن را نسبت به فعالیت‌های پیشگامانی نام‌برده، متمایز می‌کند، کنش چندسویه و فرانگر فرهنگی و اجتماعی آقای انتخابی در چند عرصه متنوع است

فصل سوم: ویرایش و نشر کتاب و مجلات

فعالیت‌های فرهنگی آقای حشمت‌الله انتخابی به کنشگری داوطلبانه در فصل دوم محدود نمی‌شود.

مدیریت انتشارات نقش مانا به دست توانای او و همسر فرهیخته‌اش سرکار خانم بهجت قریشی‌نژاد، زمینه انتشار آثار ارزشمند و نفیس متعددی در زمینه‌های مختلف فرهنگی، ادبی، تاریخی، زیست‌محیطی، علمی، اجتماعی و کودکان در قالب کتاب، مجله، و کتاب گویا را فراهم آورده است.

سال‌ها فعالیت آقای حشمت‌الله انتخابی در عرصه نشر و آموزش ویراستاری و مسئولیت ویراستار علمی مجموعه کتاب‌های کنگره بزرگداشت اصفهان، او را به عنوان ویراستار توانمند کتاب‌های اصفهان‌شناسی مطرح کرده است.

ویژگی بارز این فصل از فعالیت‌های او به عنوان ویراستار، دایره گسترده اطلاعات او در زمینه‌های فرهنگی، تاریخی، زیست‌محیطی و ... است. یادداشت‌هایی که او به عنوان ویراستار به حاشیه متن کتاب‌ها افزوده است از چنان عمق و وسعتی برخوردار است که ضمن وفاداری به متن اصلی نویسنده، بار علمی و ادبی کتاب را دوچندان کرده است.

برای نمونه می‌توان به گزارش و ویرایش عالمانه او بر ترجمه کتاب «شاه‌دژ اصفهان» نوشته کارو اوئن میناسیان و یا افزوده‌های خواندنی او بر کتاب «سفر به ایران» اثر اوژن فلاندن با ترجمه دکتر عباس آگاهی و یا آوانگاری علمی و تهیه فرهنگ‌نامه برای مجموعه غزل‌های خسرو احتشامی به لهجه اصفهانی با عنوان «بارون و بارفتن» اشاره کرد.

فصل چهارم: کنشگری اجتماعی

پیشگامی در مسائل اجتماعی و هدایت کنشگران در فعالیت‌های گروهی از دیگر فصول سبز کارنامه پرافتخار آقای حشمت‌الله انتخابی است.

گلریزان برای رهایی محیط‌بانان دربند و در خطر اعدام، برپایی پویش‌های متعدد در حفاظت از محیط زیست و میراث فرهنگی، جمع‌آوری کمک‌های نقدی و غیرنقدی مردمی برای کادر درمان اصفهان در اوج بحران شیوع ویروس کرونا، فراخوان گردهمایی‌های زیست‌محیطی و برنامه‌های گروهی درختکاری و پاکسازی کوهستان تنها گوشه‌ای از فعالیت‌های اجتماعی گسترده اوست.

حشمت‌الله انتخابی، فرزند برومندی است که از بطن اصفهان زاده شد، در دامان کوه صفه پرورش یافت، در رگ‌هایش زاینده‌رود جاری است و در ریه‌هایش هوای ناژوان جریان دارد.

نگاه دیگر

ناشری به شرط عشق

مجتبی شاه‌مرادی
مدیر نشر آرما

زمانی که من و دوستم تصمیم گرفتیم به کار نشر بپیوندیم نیاز بود حتما یکی دو نفر از ناشران معتبر صلاحیت ناشرشدنمان را تایید کنند؛ یکی از بهترین گزینه‌ها که برای گرفتن این تایید به ذهنمان آمد، آقای حشمت‌الله انتخابی بود که آن زمان دفتری در خیابان حکیم نظامی داشت.

همین شد که من به اتفاق مجتبی مجلسی یک روز نزدیکی‌های غروب به دفتر آقای انتخابی رفتیم. دفتر انتشارات آقای انتخابی فضای بسیار دلچسبی داشت. دور تا دور دفتر قفسه‌های فلزی و پر از کتاب بود. یک فضای ایدئال و با خلقِ ما عشق کتاب‌ها سازگار که جفتمان را خیلی تحت تأثیر قرار داد.

نشستیم و درخواستمان را که قبلا هم تلفنی طرح کرده بودیم بازگو کردیم. آقای انتخابی گفتند من به دو شرط صلاحیت شما را تأیید می‌کنم. وقتی از شرط صحبت کردند ما ابتدا جا خوردیم و خیلی تعجب کردیم چون قبلش درباره ماجرا با ایشان گفت‌وگو کرده بودیم و به‌واسطه دیدارهای گذشته و صحبت‌های طولانی با ایشان فکر می‌کردیم به ما تأیید می‌دهند.

تجربه همکاری با آقای انتخابی به کار نشر به جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان می‌رسید؛ زمانی که ما یک مجموعه آتلیه طراحی داشتیم و ایشان لطف کردند و کارهای ویژه جشنواره را آوردند آنجا تا انجام دهیم. من در آن دوره خیلی کارها خصوصا در زمینه ویرایش، چینش حروف و... را از ایشان یاد گرفتم.

خلاصه منتظر شنیدن شروطشان شدیم. گفتند اولین شرط این است که واقعا بخواهید ناشر بمانید نه اینکه صرفا مجوز نشر بگیرید. بعدش گفتند خیلی کارهای دیگر می‌توانید بکنید که ساده‌تر است ولی ناشر بودن واقعا عشق می‌خواهد و به طور مفصل درباره سختی‌های کار نشر و مشکلات فضای آن صحبت کردند و تذکراتی به ما دادند. شرط دیگر این است که شرافت ناشری را رعایت کنید. این را که گفتند مکثی کردند و خنده‌ای و ادامه دادند این شرافت یعنی که فقط برای پول کتاب چاپ نکنید درست است که باید چرخ نشر بچرخد ولی این نباید هدف شما باشد. صحبت‌های ایشان واقعا گوشه ذهن من بود و ما واقعا با همین ذهنیت به میدان کار نشر آمدیم و طبق توصیه ایشان سعی کردیم؛ با همان عشقی که باید کار کنیم. پس تلاش کردیم خودمان هم مثل ایشان به متون کتاب‌ها مسلط باشیم و با کتاب‌ها ارتباط بگیریم. این خاطره شیرین و فراموش‌نشدنی به جز انتقال تجربیات فوق‌العاده ایشان به ما بود. آقای انتخابی هم درباره موفقیت‌ها و هم شکست‌هایشان با ما سخن گفتند و این صحبت‌ها بسیار آموزنده بود.

تکه‌ای از کتاب «پابه‌پای زاینده‌رود» نوشته حشمت‌الله انتخابی

حدود پنجاه و پنج سال پیش بود که گرفتار زاینده‌رود شدم، اولین روز بعد از امتحانات که به ده رفته بودم، یک بعدازظهرِ داغ تابستان، در پیچ رودخانه مقابل اسماعیل ترخان. آن روزها، اینجا پارک و هتل نبود، حتی پل هم نبود، باریکه راهی بود کنار رودخانه، تا بالای سورد که زیرش گرداب عمیقی بود. بچه‌های ده با سر و صدای زیاد مشغول شنا بودند و من هم بی‌تأمل لباس درآوردم و پریدم توی آب. آب چرخید و چرخید و مرا سخت به آغوش کشید. حالا دنیا با سرعت می‌چرخید و کسی صدای مرا نمی‌شنید. آب می‌چرخید و می‌چرخید و مرا بیشتر به آغوش می‌کشید. ناگهان انگار پشیمان شد و مرا پس زد.

«پسر تو که دس ملو نداری چرا جفت می‌زنی تو گرداو؟»

حیدر پسر حج محمد بود که مرا بیرون کشیده بود. رنگ پریده و یخ‌کرده از ترس، با چانه لرزان گفتم «شنا بلدم. اما اینجا خیلی گود بود.» همچنان می‌لرزیدم. لباس‌هایم را که می‌پوشیدم با غیظ به رودخانه نگاه می‌کردم و به چرخش هول‌انگیز آب در گرداب.

روز بعد، زودتر از بچه‌های ده کنار رودخانه بودم. نمی‌خواستم بگویند: «بچه شهری» از آب ترسید. اما ظاهرا گرفتار شده بودم، گرفتار رودخانه. اثری از غیظ و خشم در نگاهم نبود. انگار همان آنی که رودخانه مرا سخت در آغوش کشید، دلبسته‌اش شدم. شاید از اینکه مرا «به زندگی پس داد» مهرش به دلم نشست. حالا زاینده‌رود در تمام رگ‌های من جاری است.

نمی‌دانم ماجراهای «تام سایر» و «هاکلبری فین» را خوانده‌اید یا فیلم آن را دیده‌اید؟ برای من آن داستان‌ها خیلی آشنا بود. با این تفاوت که تمام ماجراجویی‌های دوران نوجوانی و جوانی من، کنار زاینده‌رود اتفاق افتاد. دلم می‌خواست بدانم این آب از کجا می‌آید و به کجا می‌رود. این گاوخونی که این همه آب را قورت می‌دهد، چه شکلی است. روزهای بسیاری را در کناره زاینده‌رود پیاده‌روی کردم. اولین بار از مزراء یا اسماعیل ترخان، روستای آبا و اجدادی‌ام که بیشتر تابستان‌ها به آنجا می‌رفتم تا درچه کلماران. در آن روزگار، بیشتر مسیر، بیشه‌های انبوه کبوده بود. روز بعد، از وینیچه، روبه‌روی درچه تا دیزیچه و بیشه، از سمت چپ رودخانه برگشتم و در آخر چون هنوز اینا پل نبود، از گدار به آب زدم. اواخر تابستان همان سال، با یک تیوپ تراکتور کلک درست کردیم و صبح زود از اسماعیل ترخان به آب زدیم، به این امید که مثل «بستنی» سواران تا اصفهان بیاییم. اما شب که شد، نرسیده به فلاورجان، در گارماسه پابرهنه گلیم از آب کشیدیم. کیسه کفش و لباسمان را آب برده بود!

در آن روزگار که سقف بیشتر خانه‌ها با تیرچوبی بود و امکان تردد کامیون به بیشه‌های انبوه حاشیه رود نبود، دیده بودم که درخت‌های کبوده را بعد از بریدن و زدن سرشاخه‌ها با طناب به هم می‌بستند و برای حمل به اصفهان روی آب می‌انداختند، بر آن سوار می‌شدند و «بستنی» را در پل مارنان از آب می‌گرفتند. سال‌ها بعد به اتفاق دوستی از اسماعیل ترخان تا اصفهان را پای پیاده، به قول ابن بطوطه «از میان باغ‌ها و آب‌ها و انبوه درختان و دیه‌های زیبا، از کنار برج‌های کبوترطی کردیم ...» و چنین شد که طی سالیان دراز، نمی‌گویم «وجب به وجب» یا «گام به گام» اما می‌توانم بگویم «ده به ده» از سرآب تا پایاب رودخانه را گشته‌ام ... .

نظرگاه

در ستایش دهه‌ها فعالیت فرهنگی

بهمن فروزنده
مدیرمسئول نشر آموخته و
مؤسس پردیس کتاب اصفهان

نوشتن و گفتن از «حشمت‌الله انتخابی» به خودیِ خود کاری دشوار است. این کار دشوارتر هم می‌شود اگر آن را محدود کنیم به بررسی و بازگویی صرفا یکی از ابعاد این چهره فرهیخته چندبُعدی اصفهانی که هر کجای این شهر اتفاقی فرهنگی در حال رقم خوردن باشد، نام و حضور او زینت‌بخش مجلس است.

مگر می‌شود از حشمت‌الله انتخابی نام برد و درباره کنشگری او در فرهنگ، تاریخ و جغرافیای اصفهان سخن نگفت؟ مگر می‌شود تلاش ستودنی او برای محیط زیست را ارج ننهاد؟ مگر می‌شود از فعالیت او برای جاودانه‌کردن زاینده‌رود سخنی به میان نیاورد؟

اما چه می‌شود کرد که قرار است در این نوشتار فقط بر یکی از این وجوه تمرکز شود. وجهی که از قضا سنگ بنای آشنایی و استمرار سال‌ها رفاقت و همکاری در طول این سالیان شده است و چه چیزی بهتر از «کتاب» که نقطه اتصال این رفاقت و بهانه این ارتباط درازمدت باشد.

آشنایی بنده با ایشان باز می‌گردد به سال‌های دور که برای آماده‌سازی سومین ترجمه‌ام، سر از دفتری کوچک و صمیمی در کوچه پس‌کوچه‌های حکیم نظامی در آوردم. از آن سال‌ها تا به امروز هر کسی در اصفهان به دنبال آماده‌سازی یا انتشار اثرش باشد بعد از حداکثر دو یا سه جا پرس‌وجو کردن ناگزیر مقصد دیگری نمی‌یابد. مقصد همه در نهایت همین دفتری است که در آن واژه‌ها جان می‌گیرند. آن هم با وسواس، حساسیت و سخت‌گیری مثال‌زدنی.

اما همه هم مسرور و شادمان از این دفتر بیرون نمی‌آیند. او همه چیز چاپ نمی‌کند و همه را تشویق به چاپ اثر نمی‌کند، حتی اگر بهترین پیشنهادهای مالی را داشته باشد. هم به این دلیل که هر کسی را لایق نمی‌داند که نام نویسنده و مترجم را یدک بکشد و هم اینکه هر اثری را آن قدر با ارزش نمی‌داند که برای انتشارش چند درخت قطع شود.

حشمت‌الله انتخابی به راستی یک تنه در ترازِ یک مؤسسه پژوهشی برای اصفهان و فرهنگ کشور قدم برداشته است. این تلاش وقتی ستودنی‌تر می‌شود که نه خبری از بودجه‌های کلان است و نه فروش‌های چند هزار تایی آثار زرد، سطحی یا کمک‌آموزشی. انتخابی می‌نویسند و می‌کوشد، انگار برای ثبت در تاریخ. انگار که دارد فرهنگ، تاریخ و جغرافیای این زمانه را برای آیندگان ثبت می‌کند. و به همین دلیل است که هرچه بیشتر پیش می‌رویم عیار او بیش از پیش عیان می‌شود.

ویژگی انسان‌های بزرگ همین است که بعضی اوقات خودشان هم نمی‌دانند چه تأثیری روی اطرافیانشان می‌گذارند. آن‌ها بی‌وقفه تلاش می‌کنند برای آنچه فکر می‌کنند درست است و در این مسیر هر کجا قدم می‌گذارند بذری از آگاهی می‌کارند. امروز ناشران، کتاب‌فروشان، انجمن‌ها و کنشگران بسیاری در اصفهان هستند که خود را وام‌دار حشمت‌الله انتخابی می‌دانند، حتی اگر خودش نداند.

امروز اگر نشر آموخته به پیشنهاد ایشان در حوزه‌ای تخصصی قدم برمی‌دارد و با راهنمایی او در سطح کشور دوشادوش ناشران طراز اول حرکت می‌کند و اگر پردیس کتاب اصفهان طی مدت کوتاه فعالیتش جایگاه مطلوبی کسب کرده، وام‌دار کسی است که بدون چشم‌داشت برای افشاندن بذر آگاهی تلاش می‌کند و از هیچ کوشش و حمایتی برای روشن شدن یک چراغ فرهنگی جدید در این شهر دریغ نمی‌کند.

جایی دیدم که گفته است «بین کتاب‌فروش شدن و ناشر شدن، ناشری را برگزید، چون سرمایه آن یکی را نداشت.» اما او سرمایه‌ای دارد که این روزها بیشتر افراد حسرت آن را می‌خورند: «سرمایه اجتماعی». انتخابی نیازی ندارد خیابانی به نام او گذاشته شود، میدانی مجسمه او را در آغوش بکشد، یا ساختمانی بر سردرش نام او را یادآوری کند. حشمت‌الله انتخابی در قلب فرهنگ اصفهان و فرهنگ دوستان اصفهانی جا دارد. او در تمام رگ‌های فرهنگی این شهر جاری است ... .

پاراالمپیکی‌ها

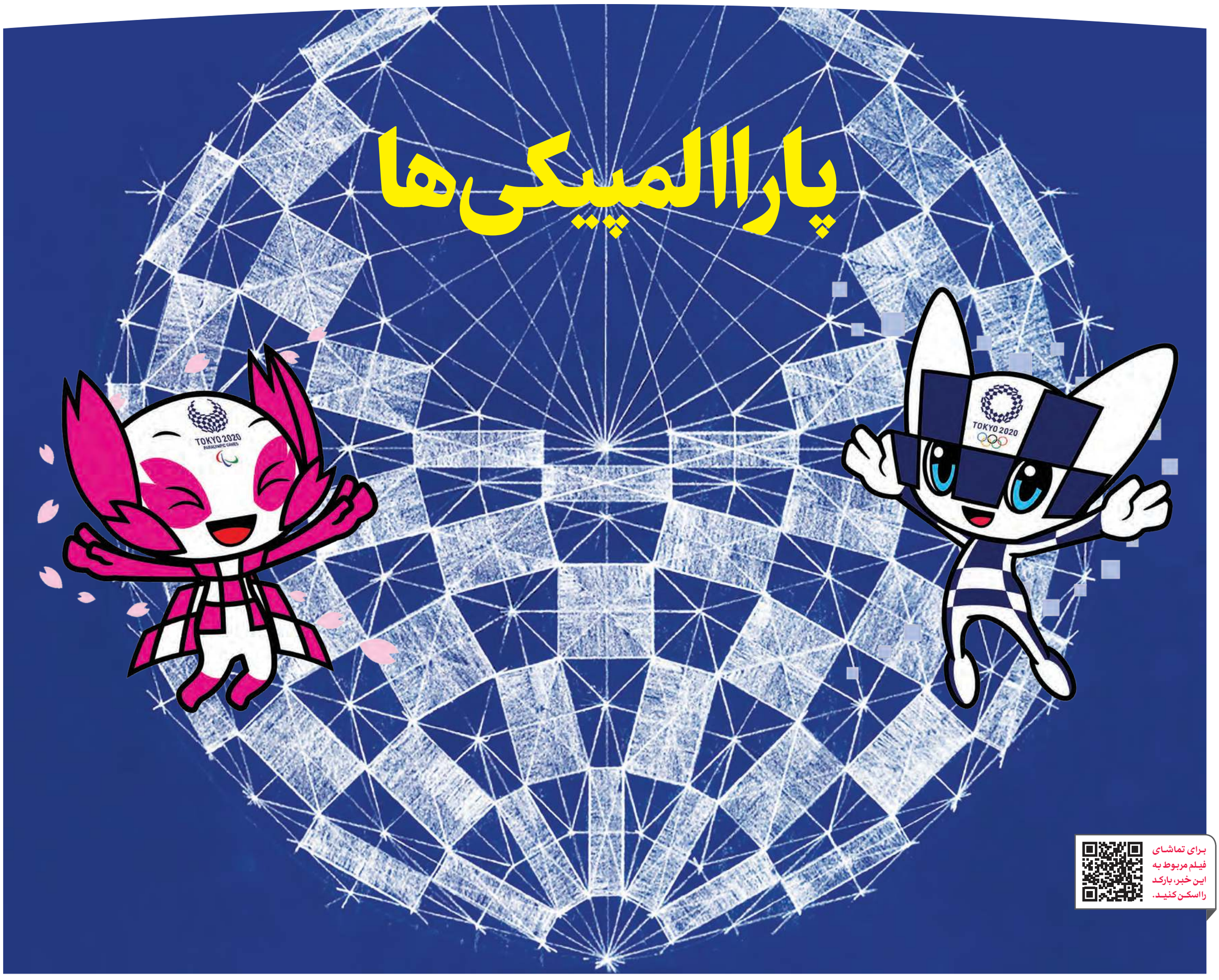

برای تماشای فیلم مربوط به این خبر، بارکد را اسکن کنید.

با توسل به ائمه اطهار(ع) قهرمان شدم

روایت علی نادری از کسب طلای پرتاب نیزه در پاراالمپیک آتن

مهری مصور
دبیر سرویس ورزش

علی نادری تنها مدال‌آور ورزش اصفهان در پاراالمپیک محسوب می‌شود که مدال افتخار جانبازی و قهرمانی را به طور هم‌زمان در اختیار دارد. نادری سال ۶۰ و در سن نوجوانی راهی جبهه شد و ۶ سال بعد در عملیات والفجر۱۰ در حلبچه براثر شیمیایی شدن و همچنین اصابت ترکش سه کیلویی از گلوله تانک مجروح و با قطع نخاع از ناحیه کمر، به درجه رفیع جانبازی نائل شد.

او پس از دوران جانبازی به ورزش روی آورد که ادامه‌دار نبود؛ اما یک تصمیم ناگهانی زندگی او را تغییر داد تا مدال طلای پرتاب نیزه در پاراالمپیک آتن و مدال طلای بازی‌های آسیایی گوانگجو در کارنامه افتخاراتش بدرخشد.

شروع رقابت‌های پاراالمپیک توکیو بهانه‌ای شد تا به سراغ این ورزشکار کهنه‌کار رفته و از تجربه حضور در این رویداد بزرگ و مدال‌آوری در آن با او به گفت‌وگو بنشینیم.

چطور شد که سمت ورزش رفتید؟

سال ۶۶ بعد از اینکه جانباز شدم، دو سال و نیم در بیمارستان‌های مختلف بستری بوده و به گفته پزشکان با وجود مصدومیت شدید، از قدرت بدنی فوق‌العاده‌ای برخوردار بودم که توانستم زنده بمانم. به دلیل طولانی شدن دوره درمانم، نتوانستم ادامه تحصیل بدهم و تصمیم گرفتم به سراغ ورزش بروم و رشته وزنه برداری را انتخاب کردم؛ اما به دلیل درد کمر این رشته را رها کردم و سمت رشته بسکتبال با ویلچر رفتم که به دلیل مشکلات مجروحیت این رشته را هم ادامه ندادم.

بعد از دو رشته سراغ دوومیدانی، آن هم به صورت حرفه‌ای رفتید؟

سال ۷۹ و زمانی که مسابقات پاراالمپیک سیدنی در حال برگزاری بود، نیمه‌های شب با تماشای مسابقات ورزشکاران که آن زمان بیشتر جانبازان بودند، احساساتی شدم و پس از ارزو نیاز با خداوند، قاطعانه با خودم عهد بستم که با موفقیت در عرصه ورزش برای کشورم افتخارآفرینی کنم. چند روز پس از این تصمیم، به آسایشگاه شهید مطهری رفتم و فعالیتم را در رشته دوومیدانی شروع کردم.

وقتی دوومیدانی را شروع کردید، به نیت قهرمانی و حضور در پاراالمپیک بود؟

من با توجه به شناخت و علاقه‌ای که پیدا کرده بودم، فعالیت در رشته‌های پرتابی را آغاز کردم؛ اما در آن زمان امکان فعالیت در این رشته وجود نداشت و با سختی و مشقت، وسایل مورد نیاز را تهیه می‌کردم.

به خاطر انگیزه زیادی که داشتم، یک سال و سه ماه بعد، به عضویت تیم ملی درآمدم و راهی مسابقات جهانی فرانسه شدم. اولین مدال من در مسابقات قهرمانی کشور برنز بود؛ اما بعدها در هر مسابقه‌ای که شرکت داشتم، به مدال طلا رسیدم.

برای حضور در پاراالمپیک آتن سهمیه گرفتید یا فدراسیون نفرات اعزامی را تعیین می‌کرد؟

من در مسابقات جهانی فرانسه در پرتاب نیزه به مدال طلا و در پرتاب دیسک به مدال برنز رسیدم. در مسابقات جهانی نیوزیلند هم در سه رشته پرتاب نیزه، دیسک و وزنه شرکت کردم و با مدال‌هایی که در این رقابت‌ها کسب کردم، سهمیه حضور در پاراالمپیک را به دست آوردم.

شرایط آماده‌سازی ملی‌پوشان برای حضور در پاراالمپیک آتن رضایت‌بخش بود؟

در آن زمان ورزشکاران شهرستانی در شهرهای خودشان تمرین می‌کردند و تنها یک مرحله اردوی چندروزه در تهران داشتم؛ اما حالا توجه‌ها به ورزشکاران پاراالمپیکی بیشتر شده و اردوهای متعددی را برگزار می‌کنند.

زمانی که به آتن اعزام شدید، تصور می‌کردید با قهرمانی برگردید؟

من تا پرتاب پنجم، نفر سوم گروه بودم؛ اما برای پرتاب ششم، خدا کمک کرد و به ائمه اطهار(ع) توسل کردم و پرتابی انجام دادم که حتی در تمرینات هم سابقه این پرتاب را نداشتم و حتی مرا برای تست دوپینگ هم بردند. با این پرتاب رکورد پاراالمپیک را شکستم که هنوز هم ورزشکار دیگری نتوانسته به آن دست پیدا کند. برای این پرتاب فشار زیادی به بدنم وارد شد که آسیب دیدگی‌اش هنوز در کتفم وجود دارد. قبل از مسابقات پاراآسیایی گوانگجو نیز، در حین تمرینات، کتفم از جا درآمد و خیلی از این بابت ناراحت بودم؛ اما در اصفهان پیش شخصی رفتم که کتفم را جا انداخت و توانستم به مسابقات پاراآسیایی اعزام شود.

زمانی که مسابقات پاراالمپیک برگزار می‌شود، چه احساسی دارید؟

(نادری با شنیدن این پرسش، دستخوش احساسات زیادی شد و قادر به پاسخ‌گویی نبود و به ناچار مصاحبه را با ده دقیقه تأخیر ادامه دادیم.)

می‌گویند یک ورزشکار دو بار می‌میرد؛ یک بار زمانی که در اوج از ورزش کنار می‌رود و مجبور به خداحافظی می‌شود و یک بار هم به مرگ طبیعی. حضور در پاراالمپیک افتخار بزرگی بود که نصیب من شد؛ اما هر بار که این مسابقات برگزار می‌شود، از لحاظ روحی به هم می‌ریزم که چرا نتوانستم در دوره‌های بیشتری در این مسابقات شرکت کنم. آخرین حضور من در مسابقات برون‌مرزی، رقابت‌های جهانی امارات بوده که به خاطر نامهربانی‌ها و کم‌لطفی‌های برخی مسئولان، دست خالی به ایران بازگشتم و از همان زمان ورزش را برای همیشه کنار گذاشتم.

در آن زمان پاداش ورزشکاران المپیکی و پاراالمپیکی تفاوت داشت؟

متأسفانه تبعیض نامناسبی وجود داشت که بعدها این قانون را تغییر دادند. من که طلای پاراالمپیک را گرفته بودم، ۱۵ میلیون پاداش گرفتم؛ اما ورزشکاری که در المپیک طلا گرفته بود، ۱۰۰ میلیون پاداش گرفت و از نهادها و ارگان‌های مختلفی نیز به وی پاداش دادند؛ در حالی که در استان اصفهان، فقط استاندار وقت دو سکه طلا به من داد.

پاراالمپیکی‌ها

با اصفهانی‌های حاضر در توکیو آشنا شوید

شانزدهمین دوره بازی‌های پاراالمپیک از ۲ تا ۱۴ شهریور به میزبانی توکیو برگزار می‌شود و کاروان ورزشی ایران با نام «سردار دل‌ها» با ۶۲ ورزشکار، نهمین حضور خود در پاراالمپیک را تجربه خواهد کرد.

اولین حضور ورزشکاران ایرانی در پاراالمپیک در رقابت‌های ۱۹۸۸ سئول ثبت شد و از آن دوره بدون وقفه ادامه داشته؛ اما حضور اصفهانی‌ها در میدان پاراالمپیک برای نخستین بار در آتن ۲۰۰۴ رخ داد و طی ادوار گذشته به جز المپیک لندن، نمایندگان نصف جهان در کاروان اعزامی ایران حضور داشته‌اند.

در آستانه شروع پاراالمپیک توکیو که با توجه به وضعیت کرونایی با شرایط ویژه و بدون حضور تماشاگر برگزار می‌شود، مروری بر حضور ورزشکاران استان در ادوار گذشته و همچنین نمایندگان نصف جهان در این دوره خواهیم داشت.

پاراالمپیک آتن ۲۰۰۴

علی نادری

اولین حضور اصفهانی‌ها در پاراالمپیک با کسب خوش‌رنگ‌ترین مدال برای همیشه جاودانه شد. علی نادری، جانباز ۷۰ درصد اصفهانی که سابقه قهرمانی در رقابت‌های جهانی و آسیایی را نیز دارد، در رشته پرتاب نیزه با ثبت رکوردی ویژه موفق به کسب قهرمانی شد و برسکوی اولی این مسابقات ایستاد. مدال نادری تنها مدال نصف جهان در این رویداد مهم محسوب می‌شود و ورزشکار دیگری از استان نتوانسته به مدال برسد.

فرهاد رایگا

فرهاد رایگا نیز که از جانبازان ورزشکار است و سابقه قهرمانی در بازی‌های آسیایی را دارد، یکی از اعضای تیم ملی دوومیدانی کشورمان بود؛ اما دستش از مدال کوتاه ماند و پرونده تنها حضورش با مقام چهارمی بسته شد.

قاسم جوانی

قاسم جوانی جانباز اصفهانی دیگری بود که در رشته تیراندازی، کاروان ایران را همراهی می‌کرد و با رتبه هفدهمی به کارش پایان داد. جوانی که سابقه فعالیت در چند رشته را دارد، در سال‌های گذشته در رشته ورزش زورخانه‌ای فعال بوده است.

پاراالمپیک پکن ۲۰۰۸

علی الهی

این ورزشکار اصفهانی یکی از باسابقه‌ترین دونده‌های بخش نابینایان و کم‌بینایان ایران است که سال‌ها نیز عضو تیم ملی بوده است. الهی در پاراالمپیک پکن در دو ماده ۵ هزار و ۱۰ هزار متر با حریفان به رقابت پرداخت و با وجود صعود به فینال، از کسب مدال بازماند.

محمد سرنجی

این ورزشکار کاشانی از باسابقه‌ترین بازیکنان تیم ملی گلبال ایران است که همچنان در تیم ملی حضور دارد و با این تیم در رقابت‌های متعددی شرکت کرده است. سرنجی در پاراالمپیک پکن، تیم ملی کشورمان را همراهی می‌کرد و با این تیم به رتبه نهمی رسید.

پاراالمپیک ریو ۲۰۱۶

علیرضا مختاری

این دونده اصفهانی که سابقه قهرمانی در بازی‌های پاراآسیایی اینچوان را دارد و با تجربه بین‌المللی چند ساله راهی پاراالمپیک ریو شده بود، برای پاراالمپیک ریو در ترکیب تیم ملی دوومیدانی قرار گرفت؛ اما فوت مادرش پس از اعزام او به ریو، باعث شد تا از لحاظ روحی افت کرده و در نهایت نیز در مسابقه پرتاب وزنه کلاس F۵۳ در رده چهارم قرار گرفت.

هادی نوری

این ورزشکار نجف‌آبادی پس از قهرمانی در بازی‌های پاراآسیایی، در رقابت‌های انتخابی نیز سهمیه حضور در پاراالمپیک را به دست آورد و راهی ریو شد. نوری که در رشته کامپوند تیراندازی با کمان فعالیت دارد، در میدان ریو تا مرحله یک شانزدهم صعود کرد؛ اما در مرحله یک هشتم از دور مسابقات کنار رفت.

زینب ملکی

تیم ملی والیبال نشسته بانوان با نایب‌قهرمانی در بازی‌های پاراآسیایی، برای نخستین بار سهمیه حضور در پاراالمپیک را کسب کرد و راهی این رویداد شد که زینب ملکی، ملی‌پوش باسابقه این رشته نیز تیم ملی را همراهی می‌کرد. ملکی به همراه تیم ملی والیبال نشسته به‌عنوان پنجمی جهان رسید.

ایمان بگ‌زاده

تیم ملی بسکتبال با ویلچر پس از مدتی وقفه یک بار دیگر فرصت حضور در پاراالمپیک را به دست آورد و ایمان بگ‌زاده نیز به‌عنوان نماینده ورزش اصفهان تیم ملی را همراهی می‌کرد. تیم ملی بسکتبال با ویلچر کشورمان در این رقابت‌ها به رتبه دهمی دست یافت.

علیرضا مختاری

پس از ناکامی در کسب مدال در پاراالمپیک ریو، مختاری طی سال‌های گذشته تمرکزش را روی مدال‌آوری در این رویداد بزرگ گذاشته است. در جدول پیش‌بینی کسب مدال کاروان ورزشی ایران، نامی از مختاری دیده نمی‌شود؛ اما تمام تلاشش را به کار گرفته تا با کسب مدال، نتیجه زحماتش در دوره‌های گذشته را بگیرد. ابراهیم مؤمنی نیز به‌عنوان مربی، مختاری را همراهی می‌کند.

دانیال ذاکری

پس از اینکه تیم ملی بسکتبال با ویلچر سهمیه پاراالمپیک را کسب کرد، مسئولان کمیته ملی پاراالمپیک، قصدی برای اعزام این تیم به این رقابت‌ها نداشتند؛ اما اعتراض اهالی این رشته و فشار رسانه‌ای باعث شد تا بسکتبال با ویلچر نیز در جمع رشته‌های اعزامی جای بگیرد و دانیال ذاکری و دیگر هم‌تیمی‌هایش فرصت شرکت در این رویداد مهم را به دست بیاورند.

ایمان بگ‌زاده

این ورزشکار باسابقه که طی سال‌های گذشته پای ثابت اردوهای تیم ملی بوده، پس از دوران کرونا نیز تلاش کرد تا با حفظ آمادگی لازم در ترکیب تیم ملی قرار بگیرد. بگ‌زاده با تجربه یک پاراالمپیک، یکی از ملی‌پوشان باسابقه در ترکیب تیم اعزامی است که برای موفقیت این تیم تلاش می‌کند.

TOKYO 2020

امید به تکرار لندن برای توکیو

سبا راد

TOKYO 2020
PARALYMPIC GAMES

برای کاروان پاراالمپیک ایران، چه پیش بینی مدالی شده است؟!

نهمین حضور کاروان ورزشی در پاراالمپیک در حالی محقق می شود که اعزام ورزشکاران با دیدگاه کیفی صورت گرفته و تکرار نتیجه پاراالمپیک لندن، بهترین عملکرد برای این تیم خواهد بود.
از دو سال قبل ورزشکاران جانباز و معلول روند کسب سهمیه برای پاراالمپیک توکیو را آغاز کردند و ورزشکاران زیادی نیز توانستند به ورودی تعیین شده دست پیدا کنند، با این حال براساس تصمیم اولیه کمیته ملی پاراالمپیک، تنها ورزشکارانی به توکیو اعزام می شدند که شانس کسب مدال داشتند؛ اما در ادامه چند رشته و نفرات بیشتری نیز به این جمع اضافه شدند. کاروان ورزشی ایران با ۶۲ ورزشکار راهی ژاپن شده که این تعداد نسبت به چهار دوره گذشته، کمترین میزان ورزشکار است که این ۶۲ ورزشکار توسط ۲۱ مربی در توکیو هدایت می شوند و در ۱۰ رشته رقابت خواهند کرد. والیبال نشسته و بسکتبال با ویلچر رشته های تیمی هستند و بقیه ورزشکاران در رشته های انفرادی حضور خواهند داشت.

رکورد لندن در توکیو شکسته می شود؟

تاکنون بهترین نتیجه تاریخ برای کاروان ایران در پاراالمپیک لندن به ثبت رسیده است. ۱۰ طلا، ۷ نقره و ۷ برنز در پاراالمپیک ۲۰۱۲ به نام ایرانی ها به ثبت رسیده که کاروان ایران را در رده یازدهم این رویداد قرار داده است. پیش بینی کمیته ملی پاراالمپیک که برمبنای نظر کارشناسان به دست آمده، حاکی از آن است که ۶۲ ورزشکار اعزامی صاحب ۲۸ مدال می شوند که این پیش بینی به صورت جزئی تر شامل ۱۱ مدال طلا، ۱۱ نقره و ۶ برنز می شود. براساس پیش بینی این کمیته که به صورت رشته ای نیز منتشر شده، در رشته تیراندازی یک طلا و یک نقره، در وزنه برداری سه طلا، یک نقره و یک برنز، در رشته دوومیدانی دو طلا، دو نقره نزدیک به طلا، سه نقره و چهار برنز، جودو دو نقره، تکواندو یک طلا و یک نقره و تیراندازی با کمان سه طلا، یک نقره و دو برنز و در رشته والیبال نشسته نیز یک مدال طلا به دست می آید.
اگر پیش بینی کمیته پاراالمپیک در این دوره تحقق پیدا کند، ایران با ۱۱ طلا می تواند رکورد بهتری را به ثبت برساند و شاید برای نخستین بار بین ۱۰ کشور برتر پاراالمپیک هم قرار بگیرد.
البته باید این موضوع را در نظر گرفت که پیش بینی براساس رکوردهای ثبت شده و عملکرد تیم هاست؛ اما در ورزش نمی توان روی پیش بینی حساب خاصی باز کرد و ممکن است هر اتفاقی رخ بدهد، بدین مفهوم که ممکن است این تعداد مدال به خصوص در بخش طلا به دست نیاید؛ اما این احتمال را نیز نمی توان از نظر دور داشت که نتیجه ای بهتر از پیش بینی ها رقم بخورد.
کاروان ایران در پاراالمپیک ریو صاحب ۲۴ مدال شامل ۸ طلا، ۹ نقره و ۷ برنز شد و طبق آنچه پیش بینی شده، تعداد مدال های طلای ایران در توکیو با ریو برابر است؛ اما در کسب مدال نقره و برنز به ترتیب به میزان ۳ و یک مدال، افزایش و کاهش مدال آوری خواهیم داشت.
تعداد ۸ مدال طلای مساوی در حالی پیش بینی شده که سیامند رحمان یکی از طلایی های کاروان ایران در ریو بود که اتفاقا برای پاراالمپیک توکیو هم کسب سهمیه کرد و یکی از شانس های مسلم قهرمانی در این دوره بازی ها هم بود؛ اما با وجودی که او در ترکیب تیم ایران حضور ندارد، پیش بینی شده که ۸ طلای ریو تکرار خواهد شد.
کاروان ورزش ایران در بازی های ۲۰۱۶ ریو در جایگاه پانزدهم قرار گرفت؛ اما کسب یکی از رده های اول تا دهم، پیش بینی مسئولان کمیته ملی پاراالمپیک برای این دوره بازی هاست که اگر این اتفاق رخ دهد، نتیجه ای بهتر از لندن به دست خواهد آمد.

دست خالی اصفهانی ها در پیش بینی

در پیش بینی های صورت گرفته، شانس مدالی برای ورزشکاران اصفهان در نظر گرفته نشده و علیرضا مختاری و وحید علی نجیمی در رشته دوومیدانی جزو مدال آوران محسوب نشده اند.
البته نجیمی ورزشکار اصفهان محسوب نمی شود و به عنوان ورزشکار همدان راهی پاراالمپیک شده است، این دونده جوان که سابقه قهرمانی در بازی های پارآسیایی را دارد، از انگیزه بسیار زیادی برای نتیجه گیری برخوردار است.
مختاری که دومین المپیک متوالی را تجربه می کند، انگیزه مضاعفی برای کسب مدال داشته و طی گفت وگویی که با او داشتیم، ضمن دل خوری از پیش بینی کمیته ملی پاراالمپیک، اعلام کرد که نتیجه واقعی در حین مسابقه مشخص می شود.
ورزش اصفهان در تیم ملی بسکتبال با ویلچر نیز دو نماینده دارد و براساس پیش بینی کمیته ملی پاراالمپیک، این تیم در رده هشتم جای می گیرد که به نسبت دوره گذشته، پیشرفت دو پله ای را تجربه می کند؛ اما کماکان دستش از مدال کوتاه است.

جای خالی سیامند رحمان

جای خالی سیامند رحمان، در پاراالمپیک توکیو بیش از هر زمان دیگری احساس می شود. وزنه بردار دسته فوق سنگین ایران که دو طلای لندن و ریو را در کارنامه داشت، در دوره قبلی پاراالمپیک با رکورد رؤیایی ۳۱۰ کیلوگرم توجه همه دنیا را به خود جلب کرد. او که خودش را برای پاراالمپیک توکیو آماده می کرد، ۱۱ اسفند در زادگاه خود به شکل شوکه کننده ای درگذشت. این ستاره ۳۱ ساله پاراالمپیکی ایران بدون شک توانایی ثبت رکوردهای جدید را در توکیو هم داشت؛ اما حالا فقط جای خالی اش احساس خواهد شد.

طلایی های احتمالی کاروان ایران

با توجه به اینکه مدال های طلا، تعیین کننده رنکینگ نهایی تیم ها خواهد بود، در ادامه مروری بر شانس های طلایی ایران خواهیم داشت.

والیبال نشسته

تنها رشته تیمی در ورزش جانبازان و معلولان که قدرت اول دنیاست، در پاراالمپیک نیز شانس قهرمانی دارد. در ادوار گذشته همواره تیم ایران مدعی شماره یک قهرمانی بوده که البته در دوره هایی نیز دستش از کسب مدال بازمانده است. هادی رضایی، سرمربی تیم والیبال نشسته، مسئول کاروان اعزامی ایران به این رقابت هاست که پس از اعزام به توکیو با خبر فوت مادرش مواجه شد، با این حال پیش بینی می شود تیم والیبال نشسته کشورمان همچنان شانس اول قهرمانی باشد.
محمدرضا سبحانی نیا، این ملی پوش اصفهانی نیز طی چهار سال گذشته پای ثابت اردوهای تیم ملی بود و پیش بینی می شد در پاراالمپیک توکیو یکی از نفرات اعزامی باشد، با این حال در آخرین اردوی تیم ملی خط خورد تا در قهرمانی احتمالی این تیم سهمی نداشته باشد.

روح الله رستمی، سیدحامد صلحی پور و منصور پورمیرزایی

رستمی در وزن ۸۰ کیلوگرم، صلحی پور در وزن ۹۷ کیلوگرم و پورمیرزایی در وزن ۱۰۷+کیلوگرم سه وزنه برداری هستند که با توجه به رکوردهای ثبت شده، از شانس زیادی برای قهرمانی برخوردارند. در رشته وزنه برداری، رکوردها تا حدود زیادی تعیین کننده است؛ اما نتیجه گیری اصلی به روز مسابقه و شرایط ورزشکاران برمی گردد و اگر این سه ورزشکار در شرایط خوب آمادگی بدنی و روحی روانی باشند، قطعا می توانند نتیجه دل خواه را کسب کنند؛ البته در رشته وزنه برداری، ورزشکاران دیگر نیز شانس مدال دارند و همان طوری که کسب قطعی سه مدال طلا مشخص نیست، احتمال کسب طلاهای بیشتر هم وجود دارد.

سعید افروز

در ادوار گذشته پاراالمپیک، رشته دوومیدانی نقش بسیار مهمی در کسب مدال برای کاروان ورزشی ایران داشت؛ اما در این دوره در پیش بینی ارائه شده از سوی کمیته ملی پاراالمپیک، تنها سعید افروز در لیست طلایی ها قرار گرفته است. این ورزشکار جوان که در رشته پرتاب نیزه فعالیت دارد، سابقه قهرمانی مسابقات قهرمانی جهان را نیز در کارنامه اش ثبت کرده است.

مهدی پوررهنما

رشته پاراتکواندو در توکیو حضور دارد و مهدی پوررهنما نیز یکی از شانس های کسب قهرمانی تیم ایران محسوب می شود. این تکواندوکار که در وزن ۷۵- کیلوگرم فعالیت دارد، در مسابقات قهرمانی جهان، بر تمام حریفانش غلبه کرده و پیش بینی می شود اگر درگیر اتفاق های غیرمترقبه نشود، بر سکوی اول جهانی بایستد.

ساره جوانمردی

یکی از باسابقه ترین ورزشکاران حاضر در پاراالمپیک توکیوست که سابقه قهرمانی در پاراالمپیک ریو و مدال برنز در پاراالمپیک لندن در رشته تیراندازی را دارد و با توجه به رکوردهای ثبت شده، یکی از بخت های مسلم قهرمانی است و مسئولان کمیته ملی پاراالمپیک، روی مدال او حساب ویژه ای باز کرده اند.

زهرا نعمتی

این بانوی تیرانداز که دوره گذشته هم در المپیک و هم در پاراالمپیک حضور داشت، در این دوره با توجه به عدم کسب سهمیه المپیک، تمام تمرکزش را بر روی موفقیت در پاراالمپیک گذاشته است. بانوی طلایی ورزش ایران که سابقه دو دوره قهرمانی در پاراالمپیک را دارد، در المپیک سوم نیز امیدوار است با استفاده از توان و تجربه اش، دست به کار بزرگی بزند.

شانزدهمین دوره بازی‌های پاراالمپیک از ۲ تا ۱۴ شهریور به میزبانی توکیوی ژاپن برگزار می‌شود و کاروان ورزشی ایران با ۶۲ ورزشکار، نهمین دوره حضور خود در پاراالمپیک را تجربه خواهد کرد.

نیم‌نگاه

از سئول تا ریو

مروری بر مدال‌آوران ایران در هشت دوره پاراالمپیک

شانزدهمین دوره بازی‌های پاراالمپیک از ۲ تا ۱۴ شهریور به میزبانی توکیوی ژاپن برگزار می‌شود و کاروان ورزشی ایران با ۶۲ ورزشکار، نهمین دوره حضور خود در پاراالمپیک را تجربه خواهد کرد.

بهترین جایگاه ایران در هشت دوره گذشته پاراالمپیک در بازی‌های ۲۰۱۲ لندن به دست آمد و کاروان کشورمان موفق شد در رده یازدهم جدول توزیع مدالی قرار بگیرد.

حاصل تلاش ورزشکاران ایران در ادوار پاراالمپیک در مجموع کسب ۱۳۶ مدال بوده است. ۵۵ طلا، ۳۷ نقره و ۴۴ برنز مدال‌هایی بوده است که ملی‌پوشان ایران در رشته‌های مختلف در هشت دوره قبلی این بازی‌ها از آن خود کرده‌اند.

در ادامه نگاهی داریم به اسامی مدال‌آوران ایران در بازی‌های پاراالمپیک.

پاراالمپیک ۱۹۸۸ سئول

در این دوره از بازی‌ها که نخستین تجربه ایران در پاراالمپیک محسوب می‌شود، کاروان ایران صاحب چهار مدال طلا، یک نقره و سه برنز شد.

طلا: مختار نورافشان، هادی یاراحمدی، جواد عبدالله‌زاده (دوومیدانی)، تیم ملی والیبال نشسته

نقره: احمدرضایی (دوومیدانی)

برنز: علی‌اصغر هادی‌زاده، رضا چاوشی و حسن سماواتی (دوومیدانی)

پاراالمپیک ۱۹۹۲ بارسلون

دومین حضور ایران در بازی‌های پاراالمپیک بارسلون رقم خورد که حاصل کار ۲۹ ورزشکار ایران کسب یک مدال طلا، دو نقره و یک برنز بود.

طلا: تیم ملی والیبال نشسته

نقره: حسین آقا برقچی (پرتاب وزنه) و عوض آزموده (پرتاب نیزه)

برنز: آقابرقچی (پرتاب دیسک)

پاراالمپیک ۱۹۹۶ آتلانتا

تعداد مدال‌های ایران در پاراالمپیک آتلانتا به شکل چشمگیری افزایش یافت و کاروان کشورمان به ۹ مدال طلا، پنج نقره و سه برنز دست یافت.

طلا: والیبال نشسته، قادر مدبر (سه طلا)، حسین آقا برقچی، عبدالرضا جوکار، مختار نورافشان، محمدرضا میرزایی (دوومیدانی) و عنایت‌الله بخارایی (تیراندازی)

نقره: مختار نورافشان (دو نقره)، محمد صادقی مهریار (دو نقره) و فریدون کریمی‌پور (دوومیدانی)

برنز: عبدالرضا جوکار (دوومیدانی)، الله بخش اکبری و زینال سیاوشانی (وزنه‌برداری)

پاراالمپیک ۲۰۰۰ سیدنی

تعداد کاروان ورزش پاراالمپیکی ایران در سیدنی استرالیا به ۴۰ ورزشکار افزایش یافت که در نهایت ۱۲ طلا، ۴ نقره و ۷ برنز به دست آمد. ایران با قرار گرفتن در رده شانزدهم جدول توزیع مدالی، بهترین نتیجه خود را تا آن زمان ثبت کرد.

طلا: قادر مدبر (دو طلا)، مختار نورافشان (دو طلا)، عبدالرضا جوکار، محمد صادقی مهریار، عارف خسروی‌نیا، عوض آزموده و محمدرضا میرزایی (دوومیدانی)، امرالله دهقانی (وزنه‌برداری)، عنایت‌الله بخارایی (تیراندازی) و تیم ملی والیبال نشسته

نقره: داریوش نامور (دوومیدانی)، فریدون کریمی‌پور، منصور دیماسی و سعید بافنده (وزنه‌برداری)

برنز: عباس محسنی، حسین آقا برقچی، وهاب ثعلبی، قادر مدبر و عبدالرضا جوکار (دوومیدانی)، الله بخش اکبری (وزنه‌برداری) و نیره عاکف (تیراندازی)

پاراالمپیک ۲۰۰۴ آتن

با وجود افزایش چشمگیر تعداد ورزشکاران ایران در پاراالمپیک آتن نسبت به دوره‌های قبل، اما ایران از نظر مدال‌آوری ضعیف‌تر از سیدنی عمل کرد و ۷ طلا، سه نقره و ۱۳ برنز به دست آورد.

طلا: سیامک صالح فرج‌زاده، محمد صادقی مهریار، علی نادری، محمدرضا میرزایی (دوومیدانی)، مرتضی دشتی، کاظم رجبی و حبیب‌الله موسوی (وزنه‌برداری)

نقره: جواد حردانی و جلیل باقری جدی (دوومیدانی) و تیم ملی والیبال نشسته

برنز: محسن عموآقایی، اصغر زارع‌نژاد، مهرداد کرم‌زاده، مختار نورافشان، علیرضا کمالی‌فر، وهاب ثعلبی، عوض آزموده، عبدالرضا جوکار، اعظم خدایاری (دوومیدانی)، غلامحسین چلتوک‌کار، حمزه محمدی، رضا برومند (وزنه‌برداری) و هانی عساکره (جودو)

پاراالمپیک ۲۰۰۸ پکن

ایران با ۷۲ ورزشکار در ۹ رشته ورزشی در پاراالمپیک ۲۰۰۸ پکن شرکت کرد. ورزشکاران ایران موفق شدند پنج مدال طلا، ۶ نقره و ۳ برنز در این دوره از رقابت‌ها کسب کنند.

طلا: جواد حردانی و محمدرضا میرزایی (دوومیدانی)، حمزه محمدی و کاظم رجبی (وزنه‌برداری) و تیم ملی والیبال نشسته

نقره: مهرداد کرم زاده، علی‌محمد یاری، عبدالرضا جوکار (دوومیدانی)، سعید رحمتی (جودو) علی حسینی و مجید فرزین (وزنه‌برداری)

برنز: علی صادق‌زاده (وزنه‌برداری)، جواد حردانی (دوومیدانی) و تیم فوتبال هفت‌نفره

پاراالمپیک ۲۰۱۲ لندن

کاروان ایران با ۷۹ ورزشکار در لندن صاحب ۱۰ مدال طلا، ۷ نقره و ۷ برنز بود و با کسب رده یازدهم بهترین عنوان جدولی خود را در پاراالمپیک به دست آورد.

طلا: پیمان نصیری، جلیل باقری جدی، جواد حردانی، محسن کائدی و محمد خالوندی (دوومیدانی)، نادر مرادی، علی حسینی، مجید فرزین و سیامند رحمان (وزنه‌برداری)

نقره: محسن کائدی، مهرداد کرم‌زاده، سجاد نیک‌پرست، کامران شکری و عبدالرضا جوکار (دوومیدانی)، روح‌الله رستمی (وزنه‌برداری) و تیم ملی والیبال نشسته

برنز: جواد حردانی، علی‌محمد یاری، فرزاد سپهوند (دوومیدانی)، علی صادق‌زاده (وزنه‌برداری)، ساره جوانمردی (تیراندازی)، فوتبال هفت‌نفره و تیم ریکرو بانوان

پاراالمپیک ۲۰۱۶ ریو

در پاراالمپیک ریو کمیته پاراالمپیک ایران ۱۱۱ ورزشکار را با خود به برزیل برد و با هشت طلا، ۹ نقره و هفت برنز در نهایت در رده پانزدهم جدول توزیع مدالی ایستاد.

طلا: ساره جوانمردی (۲ طلا تیراندازی)، محمد خالوندی (پرتاب نیزه)، غلامرضا رحیمی و زهرا نعمتی (تیراندازی با کمان)، سیامند رحمان و مجید فرزین (وزنه‌برداری) و تیم والیبال نشسته مردان

نقره: سامان پاکباز و حامد امیری، سجاد محمدیان، علیرضا قلعه‌ناصری، عبدالله حیدری و سجاد نیک‌پرست (دوومیدانی)، نعمتی و رنجبر (میکس ریکرو تیمی)، تیم فوتبال هفت‌نفره و تیم فوتبال پنج نفره

برنز: پیمان نصیری، محسن کائدی، جاوید احسانی شکیب، جواد حردانی و اسدالله عظیمی (دوومیدانی)، ابراهیم رنجبر (تیراندازی با کمان) و علی صادق‌زاده (وزنه‌برداری)./ **مهر**

باوجود افزایش چشمگیر تعداد ورزشکاران ایران در پاراالمپیک آتن نسبت به دوره‌های قبل، اما ایران از نظر مدال‌آوری ضعیف‌تر از سیدنی عمل کرد و ۷ طلا، سه نقره و ۱۳ برنز به دست آورد

بهترین جایگاه ایران در هشت دوره گذشته پاراالمپیک در بازی‌های ۲۰۱۲ لندن به دست آمد و کاروان کشورمان موفق شد در رده یازدهم جدول توزیع مدالی قرار بگیرد

جهان ورزش

جای خالی «سیامند» خندان در پاراالمپیک توکیو

اسفند ۱۳۹۸ بود که ایران، سیامند رحمان، یکی از بزرگ‌ترین ورزشکاران خود را به دلیل ایست قلبی از دست داد و جای خالی او که یکی از شانس‌های قطعی کسب مدال طلا در پاراالمپیک توکیو بود، بیش از پیش احساس خواهد شد. سیامند رحمان که از وی به عنوان نابغه تکرار نشدنی پاراوزنه‌برداری یاد می‌شود، در مدت زمان حضورش در تیم ملی ایران، افتخارات زیادی را برای کشورمان رقم زد. کسب مدال طلای پاراالمپیک لندن و پاراالمپیک ریو اوج کار رحمان بود. این ورزشکار در بازی‌های لندن رکورد ۲۸۰ کیلوگرم را ثبت کرد و در المپیک ریو به طور شگفت‌انگیزی وزنه ۳۱۰ کیلوگرم را مهار کرد تا با اختلاف زیاد نسبت به نفر دوم، قهرمان شود و بازهم رکورد دسته سنگین‌وزن را برای خود حفظ کند. کسب طلای جوانان جهان (۲۰۰۸ آمریکا)، سه مدال طلا در بازی‌های پاراآسیایی (۲۰۱۰، ۲۰۱۴، ۲۰۱۸)، طلای بازی‌های جهانی IWAS (۲۰۱۱ امارات) و طلای قهرمانی جهان (۲۰۱۴، ۲۰۱۷ و ۲۰۱۹) از دیگر افتخارات رحمان محسوب می‌شود. یکی از اهداف رحمان، تکرار سومین قهرمانی در پاراالمپیک بود که سرنوشت و روزگار به او این فرصت را نداد.

«اندرو پارسونز» رئیس کمیته بین‌المللی پاراالمپیک بعد از درگذشت رحمان در پیامی وزنه‌بردار و رکوردشکن ایران را این‌طور توصیف کرد: «او ورزشکاری پیشرو و پیشتاز و الهام‌بخش افراد زیادی در کشور خود و جهان، انسانی متعالی و سفیری برای جنبش پاراالمپیک بود؛ قهرمانی آرام و یکی از مهربان‌ترین افرادی که می‌توان دید. امروز خانواده بزرگ جنبش پاراالمپیک یکی از برترین اعضای خود را از دست داد.»

صفحات بازی‌های پاراالمپیک و همچنین پاراالمپیک آسیا در ماه‌های گذشته و به‌ویژه در سالگرد درگذشت رحمان بارها تصاویر و پیام‌هایی را برای این ورزشکار منتشر کردند تا نشان دهند همچنان نام و یاد رحمان زنده است.

همچنین محمد سفیان، خبرنگار و گزارشگر هندوستانی، چندی پیش با بازنشر فیلم رکوردشکنی سیامند رحمان از او تمجید کرد و نوشت: «نمایش منحصربه‌فرد قدرت و اراده. سیامند رحمان (۱۹۸۸-۲۰۲۰) اولین ورزشکار پاراالمپیکی در تاریخ بود که در ریو بیش از ۳۰۰ کیلوگرم را بالای سر برد.» جانشین سیامند رحمان در دسته مثبت ۱۰۷ کیلوگرم پاراوزنه‌برداری توکیو منصور پورمیرزایی است. پورمیرزایی چندی پیش در مصاحبه‌ای از رحمان به‌عنوان یک اسطوره یاد کرده و گفته بود: «هرچند جانشین سیامند رحمان بودن کار سختی است؛ اما سعی دارم با کسب بهترین نتیجه دل مردم را شاد کنم.»

نکات خواندنی گاردین از پاراالمپیک ۲۰۲۰

گاردین در گزارشی نوشت: بازی‌های پاراالمپیک ۲۰۲۰ توکیو از امروز شروع می‌شود و به همین خاطر حقایق جالبی را در این دوره از رقابت‌ها مرور می‌کنیم.

قدبلندترین

مرتضی مهرزاد قدبلندترین ورزشکار پاراالمپیکی در تاریخ است. او ۲,۴۶ متر قد دارد و در واقع دومین مرد بلندقد جهان است. او در دوره قبل در ریو توانست همراه ایران مدال طلا را در والیبال نشسته به دست بیاورد.

چشم عقاب

برای اینکه تیرانداز پاراالمپیک باشید حتما باید چشم عقابی داشته باشید. هدف تیر زدن آن‌ها تنها ۰,۰۵ سانتی‌متر عرض دارد، تقریبا به اندازه یک نقطه کامل روی یک کاغذ چاپ شده است.

مرکز فنی تعمیرات

در بازی‌ها یک مرکز تعمیر فنی برای تعمیر و نگهداری پروتز، ویلچر و سایر تجهیزات مربوط وجود دارد. این مرکز شامل ۱۰۰ متخصص از سراسر جهان است.

ورزش‌های خاص

تمام ورزش‌هایی که ورزشکاران عادی انجام می‌دهند برای این قشر از ورزشکاران نیز وجود دارد و فقط دو ورزش است که تنها مختص این ورزشکاران است: بوچیا و گلبال.

تنیس روی میز

در پاراالمپیک ریو در سال ۲۰۱۶، مصر بازیکنی را بدون دست در تنیس روی میز به رقابت‌ها فرستاد که راکت را با دهان نگه داشته بود.

ستاره المپیک، قهرمان پاراالمپیک

یک ورزشکار که هم در المپیک و پاراالمپیک مدال گرفته است، پال سسکرس مجارستانی است. او در المپیک سئول در سال ۱۹۸۸ مدال برنز را به دست آورد؛ اما سپس در سال ۱۹۹۱ در تصادف اتوبوس مجروح شد و در المپیک بارسلونا در سال ۱۹۹۲ در رشته شمشیربازی طلا گرفت.

شکست‌ناپذیر

یکی از تیم‌های برتر در پاراالمپیک تیم برزیل در فوتبال پنج نفره است. برزیل از اولین بازی خود در بازی‌های آتن در سال ۲۰۰۴ تاکنون شکست نخورده است.

سوپراستار

تریشکا زورن که تا سال ۲۰۰۴ در این مسابقات شرکت می‌کرد با ۵۵ مدال که شامل ۳۲ طلا بود، پرآوازه‌ترین پاراالمپیکی تاریخ است.

اخبار روز

راوی «مهاجر سرزمین آفتاب» سرپرست معنوی کاروان پاراالمپیک

سبا بابایی، راوی کتاب «مهاجر سرزمین آفتاب» و مادر شهید محمد بابایی، به‌عنوان سرپرست معنوی کاروان اعزامی سردار دل‌ها به پاراالمپیک توکیو شنبه ۳۰ مرداد وارد این شهر شد. سبا بابایی (کونیکو یامامورا) در ۲۲ سالگی از ژاپن خارج شد و در سال ۱۳۳۸ به جایی که اصلا نمی‌دانسته در کجای جغرافیای جهان است، یعنی ایران، آمد. از این زمان او شاهد اتفاقاتی است که در تاریخ معاصر ما از اهمیت زیادی برخوردارند؛ اتفاقاتی مانند خرداد سال ۴۲. فرزند دوم ایشان (محمد) در همین سال متولد می‌شود و بعدها در جبهه به شهادت می‌رسد. خانه وی در خیابان نیروی هوایی بود که کم‌کم به پایگاه انقلابی‌ها تبدیل شد. در این خانه اتفاقات عجیبی تا آستانه پیروزی انقلاب برایش رخ می‌دهد و در نهایت آغاز جنگ، او را به مسیر جدیدی وارد می‌کند که رفتن فرزند اولش به جبهه و بعد، اعزام محمد (فرزند دوم) و شهادت در فکه (۱۳۶۲) از جمله این اتفاقات است. این اجمالی از زندگی ایشان تا سال ۶۲ است.

بابایی تابلویی از دو فرهنگ ایرانی و ژاپنی و از دو مسلک آیین بودایی با گرایش به مکتب شینتو و اسلام با نگاه شیعی است. بعد از جنگ نیز خاطرات جالبی از خانم بابایی را شاهد هستیم. خانم بابایی هیچ‌گاه آرام و قرار ندارد. او گاه مترجم می‌شود، گاه به تدریس در دانشگاه می‌پردازد و گاه نیز در کسوت معلم هنر فعالیت می‌کند. با گروه جانبازان شیمیایی برای سفر به هیروشیما همراه می‌شود و در نهایت، حلقه اتصال ایرانی‌ها و ژاپنی‌ها در ماجرای جانبازان شیمیایی می‌شود.

آن سوی قصه زندگی سبا بابایی، مردی به نام اسدالله بابایی قرار دارد؛ یک مسلمان ریشه‌دار اهل یزد که زیبا و هنرمندانه همسرش را همراهی کرد. این زوج در ابتدای زندگی زبان ارتباطی نداشتند، کونیکو یامامورا فارسی نمی‌دانست و بابایی هم ژاپنی بلد نبود؛ در نتیجه این دو با هم به زبان انگلیسی صحبت می‌کردند. سبا بابایی تا فرزندانشان به دنیا بیاید، فارسی نمی‌دانست و با فرزندانش کلاس اول را خواند.

Koniko Yamamura، به تازگی به‌عنوان سرپرست معنوی کاروان پاراالمپیک کشور برای اعزام به کشور ژاپن انتخاب شده است. انتخابی که مورد تأیید و تشویق ورزشکاران و مدیران ورزشی قرار گرفته است. خانم بابایی به همراه پارالمپین‌های کشورمان، شنبه ۳۰ مرداد وارد فرودگاه ناریتای توکیو شد.

رکوردشکنی مخاطب با بیش از چهار میلیارد نفر بیننده

با انتشار گزارشی پیش‌بینی می‌شود با توجه به ترکیب بیشتر رسانه‌ها، ارتقای سطح پوشش خبری و افزایش پخش زنده مسابقات، مخاطبان بازی‌های پاراالمپیک از مرز ۴,۱ میلیارد نفر در ریو ۲۰۱۶ به ۴,۲۵ میلیارد خواهد رسید. با توجه به برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده، بازی‌های پاراالمپیک توکیو ۲۰۲۰ در مجموع از سوی ۱۵۰ شبکه تلویزیونی، رادیویی و اینترنتی در ۱۷۷ کشور پوشش داده خواهد شد. الکسیس شافر، مدیر بخش بازرگانی IPC، در این خصوص اظهار کرد: با توجه به امکان پوشش زنده بیشتر از مسابقات، اطمینان دارم ما می‌توانیم رکورد مخاطبان بازی‌های پاراالمپیک را بزنیم. همچنین با توجه به راه‌اندازی پویش «ما ۱۵ درصد»، اهمیت بازی‌های پاراالمپیک در بعد جهانی بیشتر به چشم خواهد آمد. شبکه NHK ژاپن با ۵۴۰ ساعت پوشش از بازی‌های پاراالمپیک جزو اصلی‌ترین شبکه‌های تلویزیونی این دوره از بازی‌ها محسوب می‌شود. همچنین شبکه NBC آمریکا و شبکه ۴ تلویزیون ملی انگلستان هم پوشش خبری گسترده‌ای از رقابت‌ها را ارائه خواهند کرد. علاوه بر این، شبکه‌های تلویزیونی سایر کشورها از قبیل آفریقای جنوبی، هنگ‌کنگ، اندونزی، مالزی، تایوان، فیلیپین، هند و برخی شبکه‌های تلویزیونی در خاورمیانه و آمریکای لاتین جزو رسانه‌های خبری این دوره از بازی‌های پاراالمپیک هستند.

موفقیت پاراالمپیک توکیو به کنترل کووید بستگی دارد

اندرو پارسونز، رئیس کمیته بین‌المللی پاراالمپیک، در آستانه شروع برگزاری بازی‌های پاراالمپیک در توکیو تأکید کرده که اصل شماره یک برای سازمان‌دهی این بازی‌ها، ایمنی و رفاه همه است. او در گفت‌وگویی که با سایت kyodo news داشته است، گفت: موفقیت پاراالمپیک توکیو بستگی به این دارد که آیا برگزارکنندگان بازی‌ها قادر به کنترل عفونت‌های ویروس کرونا خواهند بود؛ زیرا شهر میزبان همچنان از رکورد روزانه موارد کووید ۱۹ فرار می‌کند. رئیس کمیته بین‌المللی پاراالمپیک (IPC) تصریح کرد: این کمیته تمام تلاش خود را برای جلوگیری از شیوع عفونت در داخل و خارج روستای ورزشکاران با استفاده از درس‌های المپیک انجام خواهد داد. اندرو پارسونز در عین حال از بدتر شدن وضعیت کووید ۱۹ در توکیو و دیگر مناطق ژاپن ابراز نگرانی کرد و گفت: ما احساس نمی‌کنیم حضور پاراالمپیک در اینجا تأثیر مستقیمی بر افزایش تعداد موارد یا حتی کاهش تعداد موارد خواهد داشت. شانزدهمین دوره بازی‌های پاراالمپیک طی روزهای ۲ تا ۱۴ شهریور در توکیو برگزار می‌شود. ۴۴۰۰ ورزشکار از ۱۶۰ کشور و یک تیم ورزشکاران پناهنده در این پاراالمپیک ۱۳ روزه شرکت خواهند داشت. البته برگزارکنندگان بازی‌ها تعداد مقامات خارج از کشور را برای حضور در این دوره بازی‌ها کاهش داده و تصمیم گرفته‌اند که بازی‌ها را بدون تماشاگر برگزار کنند. این تصمیم‌ها در راستای مبارزه با کرونا و جلوگیری از شیوع آن در جریان برگزاری بازی‌ها اتخاذ شده است. بازی‌های پاراالمپیک همچون المپیک توکیو تحت وضعیت فوق‌العاده کووید ۱۹ برگزار می‌شود و از مردم خواسته می‌شود که در خانه بمانند. البته یک استثنا برای دانش‌آموزان شرکت‌کننده در برنامه آموزشی تحت حمایت دولت برای تماشای مسابقات به صورت حضوری در نظر گرفته می‌شود. این موضوعی است که اندرو پارسونز از آن حمایت می‌کند. او در این زمینه گفت: آن‌ها (کودکان) افرادی خواهند بود که در آینده این کشور را اداره خواهند کرد. ایجاد فرصتی برای ارتباط دانش‌آموزان با افراد دارای معلولیت در سنین پایین به آن‌ها کمک می‌کند تا با نگرش فراگیرتر بزرگ شوند.

رئیس ۴۴ ساله IPC همچنین تأکید کرد که این دوره بازی‌های پاراالمپیک مهم‌ترین پاراالمپیک تاریخ است؛ زیرا همه‌گیری همه افراد دارای معلولیت را به طور نامتناسبی تحت تأثیر قرار داده است؛ بنابراین حتی بدون تماشاگران، ما معتقدیم که میراثی قوی ایجاد خواهد شد.